ارز پویا
ارسال ارز
به ایران و برعکس با مدیریت نوری
Reg No. 97971819
Tel: 02 9801 5588 Mob: 04 11 33 44 01
Fax: 02 9801 5058 Email: pooya@optusnet.com.au

پیک پارسیان
THE PERSIAN HERALD
National Weekly Persian Newspaper
Vol 31, Issue 1102 Thursday March 7th, 2019

Austrac #: 100234024 صرافی کیهان
Kayhan Money Exchange
Transfer founds to your dear ones easily
Join our Telegram channel for daily rates
ارسال پول در کوتاه ترین زمان
کارگزار رسمی صرافی های بانک پاسارگاد و اقتصاد نوین
جهت اطلاع از نرخهای روزانه در کانال تلگرام ما عضو شوید
0 419 303 415 KayhanMoneyExchange
0 448 555 551 Kayhan.ex

صرافی آباد
زیر نظر مرتضی عابدینی
با بهترین و مناسب ترین قیمت روز
با بیش از ۲۰ سال تجربه
در خدمت هموطنان گرامی
0413 820 649
www.abadex.com.au

Injob Persian Business Directory In Australia & NZ | Facebook
PERSIAN BUSINESS DIRECTORY
AUSTRALIA & NEW ZEALAND
راهنمای مشاغل ایرانیان
و فارسی زبانان استرالیا و نیوزیلند
02 8883 5551
0418 660 399
injobau@gmail.com
parsianaustralia@yahoo.com
www.injob.com.au
DOWNLOAD injob FREE MOBILE APP
LIKE & SHARE
Call / Email/ Navigate/ Nearby Services
Tap & Go

MoneyPars
صرافی مانی پارس
ارسال حواله به ایران و کردستان عراق
SYDNEY 4/172 Merrylands Rd, Merrylands
1300 10 40 70 | 02 9760 0706
ADELAIDE 297C Prospect Road, Blair Athol
1300 10 40 70 | 08 8344 3877
www.moneypars.com | info@islandtravels.com.au

آژانس مسافرتی آیلند تراول
بهترین مسیرها و مناسب ترین قیمت
بلیت هواپیما به ایران و سراسر جهان
SYDNEY 4/172 Merrylands Rd, Merrylands
02 9760 0706 1300 10 40 70
ADELAIDE 297C Prospect Road, Blair Athol
08 8344 3877 1300 10 40 70
www.islandtravels.com.au | info@islandtravels.com.au

رستوران مارال
Maral PERSIAN RESTURANT
در کستل هیل با مدیریت و دکوراسیون جدید
به همراه مجموعه ای
از غذاهای متنوع ایرانی
افتتاح شد
چای و قلیان
انواع شیرینی و قهوه، بستنی و فالوده
ساعات کار: دوشنبه از۶ بعدازظهر تا ۱۲ شب
سه شنبه تا جمعه از ۱۱ صبح تا ۱۲ شب
شنبه و یکشنبه صبحانه - ناهار - شام
پارکینگ اختصاصی
از ورودی پشت رستوران
256A Old Northern Rd, Castle Hill
Ph: 0406 355 553

کافه چهار فصل
در محله کروزنست
4 SEASONS COFFEE SHOP
از تاریخ شنبه ۹ مارس افتتاح میشود
بهمین مناسبت مدیریت چهارفصل
از همه دوستان و هموطنان دعوت میکند
روز یکشنبه ۱۷ مارس میهمان کافه
چهارفصل باشند
انواع شیرینی
آبمیوه و بستنی
فالوده شیرازی و معجون
با مدیریت رضا تقی نژاد
71 Willoughby Rd,Crows Nest
Ph: 0481 141 990

هلند سفیر خود را از تهران فراخواند

هلند، ژاک ورنر سفیر خود را در تهران برای مشورت فرا خوانده است.
استف بلوک، وزیر خارجه هلند، در بیانیه‌ای که در همین رابطه منتشر کرده گفته است: این تصمیم پس از آن گرفته شد که وزارت خارجه ایران اعلام کرد که دو دیپلمات سفارت هلند در تهران عنصر نامطلوب هستند و باید ایران را ترک کنند.
به گفته وزیر خارجه هلند این دیپلمات‌ها ایران را ترک کرده‌اند.
سفیر ایران در هلند هم به وزارت خارجه این کشور در لاهه فراخوانده شده تا درباره اخراج این دو دیپلمات توضیح بدهد.
بعضی رسانه‌های ایران به نقل از محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، گزارش داده‌اند که ایران هم سفیر خود را در هلند برای مشورت فراخوانده است.
آقای ظریف گفت اخراج دو دیپلمات هلندی در واکنش به اخراج غیرقانونی دیپلمات‌هایمان در دستور کار بوده است: اینکه اخراج غیرقانونی گفتم به این علت است که مقامات هلند هم اعـلام کردند که اقداماتشان دربـاره اخراج دیپلمات‌های ما مستند به هیچ شواهد یا سندی نبوده و اقدامی صرفا سیاسی صورت گرفته است.
وزیر خارجه هلند در نامه‌ای به پارلمان این کشور اخراج دو دیپلمات را غیر قابل قبول و مضر برای روابط دو جانبه توصیف کرد.
در این نامه آمده اخراج دو دیپلمات هلندی واکنشی بوده به اخراج دو دیپلمات ایرانی از هلند در تابستان امسال، زمانی که سازمان امنیت هلند احتمال قوی می‌داد که وزارت اطلاعات ایران در قتل دو هلندی ایرانی تبار دخالت داشته است.
اخراج این دو دیپلمات ایرانی در آن زمان با اعتراض مخالفان داخلی دولت ایران همراه شد که وزارت خارجه ایران را به برخورد ضعیف متهم می‌کردند. روابط دو کشور دو ماه پیش دوباره تیره شد و هلند ایران را به دست داشتن در ترورهای سیاسی در هلند متهم کرد و پس از آن اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه ایران اعلام کرد. وزارت خارجه ایران در واکنش سفیر هلند در تهران را ۲۵ دی احضار کرد تا به حمله عناصر ضدانقلاب و تجزیه طلب به سفارت این کشور در لاهه اعتراض کند. در این تجمع اعضای خانواده احمد ملانیسی، فعال سیاسی ایرانی که در سال ۲۰۱۷ در لاهه به قتل رسید حضور داشتند.
این تجمع یک روز پس از آن رخ داد که وزارت خارجه و وزارت کشور هلند به طور رسمی اعلام کردند که براساس شواهد سازمان اطلاعات هلند (AIVD)، جمهوری اسلامی ایران در قتل احمد ملانیسی، فعال عرب اهوازی و علی معتمد (محمدرضا کلاهی صمدی، عامل بمب‌گذاری حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر سال ۱۳۶۰) دست داشته است. ایران این اتهام‌ها را تکذیب می‌کند. آقای ورنر، سفیر هلند در ایران، اواخر تابستان امسال کار خود را در تهران آغاز کرد و رسانه های ایران می گویند در مراسم تقدیم استوارنامه‌اش به حسن روحانی گفته اطمینان می‌دهم که هلند به دنبال تحکیم هر چه بیشتر روابط اقتصادی با ایران است و در این راستا از جامعه تجاری و بازرگانی خود خواسته‌ایم که در ایران حضور فعالی داشته باشد.
براساس گزارش رسانه های ایران دراین دیدار که مهرماه سال جاری انجام شده بود، رئیس جمهور ایران به حمله به رژه اهواز اشاره کرده و گفته بود: متأسفانه برخی از افرادی که مسئولیت این حمله تروریستی را برعهده گرفته‌اند در اروپا زندگی می‌کنند و امیدواریم کشورهای اروپایی در این زمینه اقدامات لازم را انجام دهند و بی‌تردید چنین اقدامی در اعتماد متقابل و صمیمی‌تر شدن روابط بسیار تأثیرگذار است.

ترامپ امتیازات تجاری به هند و ترکیه را لغو کرد

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، دستور داده است امتیازات تجاری آمریکا برای هند و ترکیه لغو شود.
دفتر نمایندگی ایالات متحده در سازمان تجارت جهانی در بیانیه‌ای گفته است که دولت این کشور در نظر دارد هند و ترکیه را از فهرست کشورهای در حال توسعه برخوردار از ترتیبات نظام عمومی تجارت ترجیحی خارج کند به این دلیل که این دو کشور دیگر واجد شرایط لازم برای برخورداری از این ترتیبات نیستند.
در این بیانیه آمده است که دولت هند به وعده خود برای دسترسی صادرکنندگان آمریکایی به بازارهای آن کشور عمل نکرده و ترکیه به توسعه اقتصادی لازم دست یافته و نمی‌تواند به عنوان یک کشور توسعه نیافته و فقیر در این فهرست باقی بماند.

نظام عمومی تجارت ترجیحی چیست؟
نظام عمومی تجارت ترجیحی ترتیباتی است که سازمان تجارت جهانی به منظور کمک موقت به کشورهای توسعه نیافته و کم درآمد عضو این سازمان در نظر گرفته است. پیش از تشکیل این سازمان، همین ترتیبات در مبادلات تجاری بین کشورهای عضو توافق عمومی در مورد تعرفه تجارت گات معمول بود.
طبق مـقـررات سـازمـان تـجـارت جهانی، کشورهای عضو متعهد می‌شوند متقابلا موانع و محدودیت‌های موجود بر سر راه تجارت آزاد با یکدیگر به خصوص تعرفه‌های گمرکی را کاهش دهند یا حذف کنند. در همانحال، به منظور حمایت و کمک به کشورهای توسعه نیافته و کم درآمد، به این کشورهای اجازه داده شده است تا برای مدتی معین، در تجارت با کشورهای پیشرفته و ثروتمند از مزایای تجارت آزاد در زمینه صادرات برخوردار شوند اما مجاز باشند محدودیت‌هایی را در زمینه واردات از این کشورها اعمال کنند.
هدف از نظام عمومی تجارت ترجیحی حمایت از تولیدکنندگان داخلی در کشورهای توسعه نیافته است.

چرا ترکیه و هند؟
در مورد ترکیه، ترتیبات نظام عمومی تجارت ترجیحی از سال ۱۹۷۵ به اجرا گذاشته شده است. نمایندگی ایـالات متحده در سازمان تجارت جهانی گفته است که اقتصاد ترکیه در حال حاضربه سطح بالاتری از توسعه اقتصادی رسیده و می‌تواند از برنامه حمایتی کنار گذاشته شود.
در مورد هند، نمایندگی ایالات متحده در سازمان تجارت گفته است که این کشور دامنه گسترده‌ای از محدودیت های تجاری را به اجرا گذاشته که بر تجارت خارجی آمریکا تاثیرات منفی محسوسی داشته است.
تصمیم آمریکا در مورد تجارت با ترکیه و هند دست کم تا شصت روز پس از ابلاغ رسمی آن به سازمان تجارت جهانی و دو کشور مورد نظر اجرایی نخواهد شد.
روز گذشته دونالد ترامپ در نامه‌هایی به روسای مجلس نمایندگان مجلس سنا آنان را از تصمیم خود آگاه کرد. وی در این نامه گفته است که در مورد هند تصمیم خود را پس از تماس‌ها و مذاکرات مفصل بین دو کشور اتخاذ کرده و افزوده است که همچنان به این تماس‌ها ادامه می‌دهد تا مشخص شود آیا دولت هند در نظر دارد به صادرکنندگان آمریکایی امکان دسترسی منصفانه به بازارهای آن کشور را بدهد یا نه.
وی در این نامه گفته است که ترکیه دیگر یک کشور توسعه نیافته و مستحق برخورداری از امتیازات نظام عمومی تجارت ترجیحی نیست.

کارگران راه آهن تبریز خط را بستند

گزارشها از ایران حاکی است که کارگران خط راه آهن تبریز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی خود خط راه آهن را بستند.
شاپور ارصلانی، مدیرکل راه آهن آذربایجان نیز امروز در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با تائید خبر اعتصاب کارگران گفت که کارگران به دلیل عدم پرداخت ۲ ماه از معوقات تجمع کردند. آقای ارصلانی گفت: این تجمع موجب شد تا قطار تربیت معلم تبریز از حرکت باز ماند و قطار مشهد – تبریز نیز در ورودی سکو متوقف شد و مسافران مجبور شدند در این محل پیاده شوند. مدیرکل راه آهن آذربایجان گفته که مسئولان پیگیر هستند تا با دریافت پول از دولت و از طریق پیمانکار، حقوق کارگران را پرداخت کنند. به گفته آقای ارصلانی این تجمع در حال پراکنده شدن است و حرکت قطارها عادی می‌شود. براساس اعلام این مقام مسئول حدود ۶۵۰ نفر در زیر مجموعه این شرکت پیمانکاری در راه آهن استان کار می کنند. راه‌آهن آذربایجان به عنوان یکی از نواحی نوزده‌گانه راه‌آهن ایران فعال دارد و خطوط ریلی این ناحیه به حدود یک هزار و ۱۰۰ کیلومتر می رسد.
این نخستین بار نیست که کارگران راه آهن در ایران اقدام به بستن خط راه آهن می‌کنند. کارگران کارخانه هپکو اراک در اردیبهشت ماه سالجاری در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پاسخگویی مسئولان، راه آهن شمال به جنوب در ایران را مسدود کردند.

شکایت پناهجویان ایران از بدرفتاری پلیس ترکیه

گروهی از پناهجویان ایرانی در ترکیه می‌گویند ماموران پلیس در برخورد با آنها به خشونت دست زده‌اند.
این پناهجویان می گویند بیرون اداره مهاجرت شهر دنیزلی در ترکیه صف کشیده بوده‌اند تا کارت شناسایی‌شان را تمدید کنند اما یک مامور پلیس علیه یکی از پناهجویان از اسپری فلفل استفاده کرده است.
آنها می‌گویند ایرانی‌هایی که منتظر رسیدگی به درخواست پناهندگی شان در ترکیه هستند، چه از نظر امکانات و چه از نظر برخورد مسئولان وضع خوبی ندارند. یکی از این پناهجویان به بی‌بی‌سی فارسی گفت که هر بار برای تمدید کارت شناسایی باید از شب قبل جلوی اداره مهاجرت صف بایستیم تا صبح شماره بهمان برسد.
به گفته این زن پناهجو شرایط کار و زندگی در ترکیه سخت‌تر شده است و : از ایران فراری و اینجا هم در یک باتلاق گرفتار شده‌ایم. زندگی در ترکیه خیلی خیلی سخت شده است.
مرز مشترک ایران و ترکیه و سهولت سفر به این کشور برای ایرانیان به دلیل لغو روادید، از دلایل سیل پناهجویان ایرانی و افغان متقاضی پناهجویی در ترکیه است.
بر اساس اعلام کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد, روند ثبت درخواست های پناهندگی برای کشورهای سومی، از طریق سازمان ملل از تاریخ ۱۰ سپتامبر سال ۲۰۱۸ در ترکیه تمام شده است و فقط اداره کل مهاجرت ترکیه، مسئول ثبت نام و بررسی پرونده های پناهجویان است.
جواد متولی، روزنامه نگار و عضو تحریریه ایران وایر از ترکیه به بی‌بی‌سی فارسی گفت: برخورد خشونت بار پلیس ترکیه با پناهجویان قبلا سابقه داشته است. از جمله در زمانی که پناهجویان در مقابل ساختمان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تجمع کرده بودند.
به گفته آقای متولی: از شش ماهه دوم سال گذشته میلادی که رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی در ترکیه به اداره های مهاجرت شهرهای مختلف ترکیه سپرده شده است، اوضاع سخت‌تر شده است و اداره‌های مهاجرت شهرهای ترکیه آمادگی بررسی این همه تقاضا را ندارند و زمان رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی مشخص نیست.
آقای متولی می‌گوید که از سوی دیگر ایرانیانی که هنوز موفق به ثبت درخواست پناهندگی خود نشدند حتی برای اجاره خانه با مشکلاتی رو به رو هستند.

پدر مزینی ما را ترک کرد
دوستان و خانواده وی گردهم می آیند و یادش را گرامی می دارند.
11 صبح تا 1 بعدازظهر روز یک شنبه 10 مارچ
تیاتر پایونیر
مرکز فرهنگی کاسل هیل
(ساختمان کتابخانه)
Sunday 10/3/2019, 11am -1pm
Castle Hill Cultural Centre - Pioneer Theatre
Level 1, 12-14 Pennant St. Castle Hill
بنا بر خواسته پدر مزینی لطفا از آوردن گل خودداری فرموده و در صورت تمایل مبلغ آنرا به خیریه منتخب خودتان یاری فرمایید.

استاد حسین مزینی از میان ما رفت

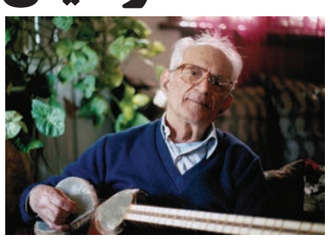

استاد حسین مزینی در سال ۱۳۰۱ در گرمسار به دنیا آمد.
از نوجوانی به موسیقی بسیار علاقه داشت ولی با مخالفت پدر روبرو بود. او مخفیانه تار میزد. پس از مدتی پدرش چون علاقه، استعداد و پشتکار او را در موسیقی دید او را به استادی سپرد.
استاد هر روز پس از کار با وجود خستگی تار را در دست میگرفت، باور داشت اگر هر روز به تار دست نزند ساز میرنجد. او سه تار و عود را پیش خود آموخت.
استاد بی ریا و بدون چشم داشت در جشن ها و گردهمایی های فرهنگی شرکت میکرد.
به جرات میتوان گفت او به تنهایی بیش از همه هنرمندان ایرانی در معرفی موسیقی ایرانی به همگان سهم داشته است.
استاد در سال ۱۹۸۵ با خانواده خود به استرالیا آمدند.
با استاد حسین مزینی در سال ۱۹۸۷ در یک برنامه ی فرهنگی که در موزه سیدنی برگزار میشد، آشنا شدم. به جرات می توانم بگویم که بیشتر از هر ایرانی در استرالیا کتاب میخواند. جالب اینکه از روی گفته ها ی شاعر ها و دانشمندان و نویسندگان چه ایرانی و چه خارجی یادداشت بر میداشت.
۲۷۱ صفحه از یادداشت های او در کتابچه ای در دسترس است.
در نخستین صفحه ی کتابش، یادداشت خود را چنین آغاز کرده است :
به یزدان اگر ما خرد داشتیم کجا اینچنین روز بد داشتیم
در این کتابچه نام بیش از ۵۰۰ شاعر و نویسنده و دانشمند و گفته ها ی آنها آمده است. در آخرین صفحه یادداشت ها (۲۷۱) یادی از علی اکبر دهخدا و استاد ذبیح بهروز شده است.
استاد حافظه ی بسیار خوب و صدایی بسیار گرم داشت و همیشه سخنانش با یک متل و یا یک شعر و یا یک مثل همراه بود.
استاد حسین مزینی راستگو ترین مردی بود که در زندگی دیده ام. به همین دلیل در درازای زندگی اش مورد اعتماد دولت بود و در پست هایی همچون مدیر مالی و مدیر کل دارایی در شهر های مختلف خدمت کرد.
او آرزوی داشتن یک مرکز فرهنگی برای ایرانیان داشت. به راستی اگر چنین مرکزی داشتیم میتوانستیم از بینش، دانش و هنر استاد (و بسیار کسان دیگر) بهره مند شویم.
روانش شاد و یادش جاوان باد ایدون باد
مهرآور

استار سوپرمارکت
شعبه بالکام هیلز
5A Old Northern Rd. Baulkham Hills
Ph: 02 9686 6301
قیمتهای ویژه نوروز
برنج ایندیاگیت کلاسیک ۵ کیلویی $17.49
برنج ۲۰ کیلویی شرلال ماهیل $65.99 فقط کیسه ۲۰ کیلویی
پنیر بلغاری گوسفندی ۹۰۰ گرمی $8.99
گردو کالیفرنیا کیلویی $8.99
STAR SUPERMARKET & MIXED BUSINESS PTY LTD
شعبه نورت پاراماتا
397 Church St. North Parramatta
Ph: 02 9683 1916

ظریف درباره استعفا: هر دستگاهی نمی‌تواند سیاست خارجی خودش را داشته باشد

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، چند روز بعد از رد استعفایش از سوی رئیس جمهور ایران گفته است که این اقدام او تنها برای حفظ شان و اعتبار وزارت امور خارجه به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی بوده است.

آقای ظریف روز دوشنبه ۱۳ اسفند در جمع کارکنان وزارت امور خارجه این وزارتخانه را مسئول روابط خارجی کل کشور خوانده و گفته است که نمی‌شود هر دستگاهی در داخل و یا خارج از دولت سیاست خارجی خودش را داشته باشد چون به گفته او در این صورت نیازی به وزارت امور خارجه نیست.

آقای ظریف ساعاتی بعد از سفر کوتاه بشار اسد به تهران و دیدار او با رهبر و رئیس جمهوری ایران، در اینستاگرام از استعفای خود خبر داد.

وزیر امور خارجه ایران در هیچ یک از دیدارهای آقای اسد در تهران حضور نداشت. قاسم سلیمانی، فرمانده نیری قدس سپاه (شاخه برون‌مرزی) در هر دو دیدار حاضر بود. آقای ظریف هشدار داده است که وزارت امور خارجه نمی‌تواند بپذیرد که در صحنه روابط خارجی غایب باشد و از دیگران خواسته این وزارتخانه را مزاحم تلقی نکنند.

او گفت: در دنیا باید احساس شود که حرف وزارت امور خارجه حرف کل کشور و حاکمیت است. وزیر امور خارجه ایران در سخنان خود با اشاره به استعفایش به طور خاص از قاسم سلیمانی نام برده و از او تشکر کرده است.

سرلشکر سلیمانی دو روز بعد از استعفای آقای ظریف از او به عنوان مسئول اصلی سیاست خارجی حمایت کرد و گفت که وزیر امور خارجه همواره مورد تایید مقام‌های عالی حکومت به ویژه آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی بوده و همکاری‌های لازم را داشته است.

وزارت خارجه ایران در هیچ سطحی تا پایان سفر بشار اسد به تهران از آن اطلاع نداشت

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، درباره سفر هفته گذشته بشار اسد رئیس جمهور سوریه به تهران گفته است که وزارت امور خارجه در هیچ سطحی از آن اطلاع نداشت و این بی‌اطلاعی تا پایان سفر حفظ شد.

سخنگوی وزارت خارجه ایران امروز چهاردهم اسفند (پنجم مارس) این موضوع را یک واقعیت تلخ خوانده و گفته از سفر آقای اسد تعداد محدودی به‌جز وزیر امور خارجه می‌توانستند از آن اطلاع داشته باشند و وزارت امور خارجه در هیچ سطحی از آن اطلاع نداشت.

آقای اسد یک هفته پیش در جریان سفری چند ساعته به تهران با آیت‌الله علی خامنه ای دیدار کرد. در این سفر سرلشکر پاسدار قاسم سلیمانی رئیس جمهور سوریه را همراهی می کرد اما حسن روحانی رئیس جمهور ایران و محمدجواد ظریف وزیر خارجه حضور نداشتند.

پس از دیدار با آقای خامنه ای، بشار اسد با همتای ایرانی خود دیدار در نهاد ریاست جمهوری ایران ملاقات کرد اما در این دیدار وزیر خارجه ایران حضور نداشت. ساعاتی پس از انتشار تصاویر و اخبار این دیدار، محمدجواد ظریف با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش از سمت خود استعفا داد.

سخنگوی وزارت خارجه ایران امروز گفته که یکی از دلایل استعفای آقای ظریف این نوع از ناهماهنگی‌ها با وزارت امور خارجه بوده و همانگونه که قبلا هم اعلام شده موضوع استعفای وزیر محترم یک موضوع شخصی و فردی نبوده و نیست و هدف و نیت از آن تلاشی مثبت برای ارتقاء و بازگرداندن وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی کشور به جایگاه اصلی خود بوده است.

در دیدار کاظم جلالی و ظریف چه گذشت؟

کاظم جلالی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته است که یک روز پس از استعفای آقای ظریف با او در منزل وزیر خارجه دیدار کرده و او را تشویق به بازگشت به کار کرده است.

آقای جلالی از محمدجواد ظریف نقل کرده است که بالاخره این ملاقات حداقل یک ربع به طول انجامیده است. حتی اگر همان ابتدای ملاقات هم تماس می‌گرفتند، بنده نهایتا به انتهای جلسه می‌رسیدم و لااقل در عکس‌ها حضور می‌یافتم تا این وضعیت به وجود نیاید.

او در نقل قولی دیگری از وزیر خارجه گفته است که آقای ظریف حدود پنج دقیقه با محل مذاکره فاصله داشته و اگر به او اطلاع داده می‌شد، خود را می‌رساند. آقای جلالی گفته در دیداری که در آپارتمان وزیر امور خارجه ایران داشته ایشان ابتدا گلایه‌ها و مسائلی که داشت را مطرح کرد و گفت که قبلا هم در نامه‌هایی به مسوولان کشور گفته بودم که چه وضعیتی دارم. در ادامه نیز توضیح داد که کار وزارت امور خارجه با دیگر وزارتخانه‌ها متفاوت است.

چراکه وزارت خارجه که مثلا دارای پول چندانی نیست، جاده نمی‌سازد، برق نمی‌کشد و دنبال مسائل عمرانی و اجرایی اینچنینی نیست و تمام سرمایه وزارت خارجه، اعتبارش است... اگر این اعتبار از ما گرفته شود، طبعا نمی‌توانیم در دنیا کاری انجام دهیم. خلاصه اینکه گله‌مند بود.

این نماینده مجلس به سایت اعتمادآنلاین گفته پیش از دیدار با وزیر خارجه با محمود واعظی رئیس دفتر حسن روحانی که در ملاقات با بشار اسد حضور داشته، تماس گرفته و از جزئیات موضوع پرسیده بوده است.

کاظم جلالی گفته محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهور ایران تاکید بسیاری کردند که شدیدا موضوع را پیگیری کرده و مکرر تماس گرفته تا بتواند با آقای ظریف دیدار کند اما ایشان پاسخی به تلفن نمی‌دهند.

با گذشت یک روز از استعفای محمدجواد ظریف، حسن روحانی در نامه ای سرگشاده استعفای او را نپذیرفت و آقای سلیمانی هم با انتشار نامه ای، غیبت وزیر خارجه از دیدار با بشار اسد تعمدی نبوده و به برخی ناهماهنگی‌ها در نهاد ریاست جمهوری برمی‌گردد.

ساخت سامانه دفاع ضد موشکی پیشرفته آمریکا برای عربستان سعودی آغاز شد

تحویل سامانه دفاع ضد موشکی پیشرفته آمریکا تاد به عربستان سعودی نهایی و ساخت تجهیزات آن آغاز شده است.

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که به نمایندگی از سوی دولت عربستان سعودی قـراردادی را به مبلغ نزدیک به یک میلیارد دلار جهت ساخت تجهیزات سامانه دفاع ضد موشکی تاد THAAD با شرکت آمریکایی لاکهید مارتین امضا کرده است. این قرارداد شامل اجرای مراحل اولیه مهندسی، تهیه تجهیزات آزمایش، و فراهم کردن امکانات آمـوزش پرسنل و خدمه این تجهیزات است.

هزینه کل تولید و استقرار این سامانه در عربستان سعودی حدود ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده است.

قـرارداد فروش سامانه موشکی تاد در جریان ملاقات دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا با ملک سلمان، پادشاه سعودی در سال ۲۰۱۷ بسته شد و بخشی از توافق مربوط به فروش حدود ۱۱۰ میلیارد تسلیحات پیشرفته آمریکایی به عربستان طی ده سال آینده است. قرارداد وزارت دفاع با شرکت لاکهید مارتین نخستین مرحله از اجرایی شدن این توافق محسوب می‌شود.

خبر اجرایی شدن توافق تسلیحاتی ایالات متحده و عربستان سعودی در حالی اعلام شده که کنگره آمریکا موضوع روابط ایالات متحده و عربستان سعودی را در دست بررسی دارد. اعضای کنگره از اینکه دولت آمریکا در موعدی که وعده داده بود نتیجه نهایی تحقیقات پیرامون قتل جمال خاشقجی، روزنامه نگار سعودی را به کنگره ارسال نکرده ناخرسند هستند. جمال خاشقجی در اوایل اکتبر سال گذشته میلادی در کنسولگری عربستان در استانبول، ترکیه، به قتل رسید و عربستان سعودی این قتل را اقدامی خودسرانه توسط تعدادی از مقامات امنیتی و اطلاعاتی این کشور اعلام کرده است. برخی از مخالفان دولت عربستان مقامات ارشد سعودی به خصوص امیر محمد بن سلمان، ولیعهد، را به دخالت در این قتل متهم کرده‌اند و نمایندگان کنگره آمریکا خواستار روشن شدن ارتباط دولت سعودی با این حادثه هستند.

شماری از اعضای کنگره معتقدند که تحقیقات نهادهای اطلاعاتی آمریکا ارتباط ولیعهد سعودی را این حادثه را تایید می‌کند.

آقای قاشقجی که زمانی از افراد نزدیک به حکومت سعودی بود در زمانی به قتل رسید که مطالبی را برای روزنامه آمریکایی واشنگتن پست می‌نوشت و در آنها دولت سعودی را مورد انتقاد قرار می‌داد. پادشاه و ولیعهد عربستان روابط نزدیکی با دولت دونالد ترامپ دارند و گفته می‌شود که کسب رضایت دولت عربستان برای امضای توافقنامه خرید سنگین تسلیحاتی از آمریکا مدیون تلاش‌های جارد کوشنر، داماد و مشاور رئیس جمهوری آمریکا و روابط نزدیکی است که به خصوص با ولیعهد سعودی برقرار کرده است.

همچنین هر دو دولت در مورد آنچه که خطر حکومت ایران برای صلح و ثبات منطقه می‌دانند هم عقیده هستند. در پائیز سال ۲۰۱۷، وزارت دفاع آمریکا با تسلیم درخواست تایید فروش این تسلیحات به عربستان توسط کنگره، گفت که فروش تجهیزات موشکی تاد به عربستان برای امنیت ایالات متحده و متحدان و دوستان این کشور و منافع آنان در منطقه در برابر تهدیدات ایران و سایر منابع خطر لازم است.

تاد یک سامانه موشکی ضد بالستیک پیشرفته با برد رادار ۱۰۰۰ کیلومتر، برد عملیاتی موشک ۲۰۰ کیلومتر، سقف پرواز ۱۵۰ کیلومتر و سرعت ۱۰٬۰۸۰ کیلومتر بر ساعت است. طراحی این سامانه نتیجه تجربه جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس است که در جریان آن، دولت وقت عراق در واکنش به تشکیل ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا، موشک‌هایی را به خاک عربستان پرتاب کرد. اولین آتشبار موشکی تاد در سال ۲۰۰۸ در آمریکا راه‌اندازی شد.

سامانه جدید جایگزین سامانه دفاع موشکی کنونی عربستان سعودی خواهد شد.

در حال حاضر، برنامه جمهوری اسلامی برای ساخت موشک‌های بالستیک با مخالفت ایالات متحده و شماری از قدرت‌های غربی مواجه شده است که این اقدام را باعث ایجاد بی‌ثباتی و بروز رقابت تسلیحاتی در منطقه حساس خلیج فارس تلقی می‌کنند. آمریکا برنامه موشکی ایران را مغایر توافق هسته‌ای برجام می‌داند اما مقامات جمهوری اسلامی با رد این نظر، بر ادامه این برنامه تاکید داشته‌اند.

بعضی از موبایل فروشان در چند شهر ایران مغازه‌های خود را بستند

بعضی از کسبه فعال در خرید و فروش موبایل در بازارهای چارسو و علاءالدین تهران و همچنین در تبریز در اعتراض به طرح رجیستری (ثبت گوشی) مغازه‌های خود را بسته‌اند و دست به تجمع زدند.

مخاطبان بی‌بی‌سی فارسی در مشهد و اصفهان هم تصاویری فرستاده اند که نشان می‌دهد بازار موبایل شهر انها هم تعطیل شده است.

یکی از این مغازه‌داران می‌گوید: حدود یک هفته پیش سایت گمرک را بدون اطلاع قبلی بستن؛ گوش‌هایی که موجود داریم رو نمی‌توانیم بفروشیم؛ کلی هم گوشی فروختیم که تا چند روز دیگر قطع می‌شود.

در طرح رجیستری، گوشی‌ها باید در سامانه همتا ثبت شوند و اصالت گوشی قابل استعلام است؛ مالکان گوشی‌ها مدت زمان کوتاهی برای ثبت مهلت دارند.

علت اجرای این طرح مبارزه با قاچاق موبایل اعـلام شده اسـت. یکی از تجمع کنندگان می‌گوید: به دلیل اجـرای طرح رجیستری، شرکت‌ها نمی‌توانند گوشی وارد کنند و ما گوشی رجیستر شده نداریم که بفروشیم و حدود یک هفته هست که هیچ درآمدی نداشته و عملاً بیکاریم.

یکی دیگر از این افراد به خبرگزاری دانشجویان ایـران (ایسنا) گفته است : حدود یک هفتهٔ هست که سایت رجیستری را بسته‌اند و کلاً نمی‌توانیم گوشی رجیستر کنیم، گوشی‌هایی که اخیرا فروخته شده و دست مردم هستند بدون رجیستری هستند و موقع اتمام مهلت قانونی، مردم آنها را پس می‌آورند، دلیل اینکه چرا سایت را بستند را هم نمی‌دانیم.

علت بسته شدن این سامانه به درستی مشخص نیست. بگفته بعضی از فعالان بازار، گوشی‌ها کددار (ثبت شده) قیمت بالایی دارند و مشتریان مجبورند برای آن چند صد هزار تومان هزینه اضافی بپردازند.

بسته شدن سایت واردات مسافری گوشی به افزایش قیمت گوشی تلفن همراه هم دامن زده است؛ که این افزایش قیمت به سه میلیون تومان هم می‌رسد. در سال جاری قیمت گوشی همراه با افزایش شدید قیمت مواجه بوده است؛ یکی از دلایل اصلی آن افزایش نرخ ارز بوده است.

بعضی از فروشندگان هم برای فعال‌سازی گوشی پس ازاجرای رجیستری هزینه اضافی از مشتریان می‌گیرند.

داده‌های گمرک ایران نشان می‌دهد طی ۱۰ ماهه اول سال جاری (۱۳۹۷) نزدیک به ۳۰۴ میلیون دلار برای واردات گوشی موبایل ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی پرداخت شده است ولی کماکان قیمت گوشی‌های همزمان با فزایش نرخ ارز در بازار آزاد افزایش یافت.

در تابستان امسال هم تعدادی از مغازه‌داران بازار موبایل چارسو و پاساژ علاءالدین در تهران در اعتراض به افزایش نرخ دلار مغازه‌های خود را تعطیل کردند. در آن زمان نرخ دلار در بازار آزد به ده هزار تومان رسیده بود.

دادگاهی در توکیو برای رئیس سابق نیسان قرار وثیقه صادر کرد

دادگاهی در توکیو در اقدامی غیرمنتظره برای کارلوس گون، رئیس سابق شرکت نیسان، قرار وثیقه صادر کرده است.

بر اساس گزارش‌ها از ژاپن، مبلغ این وثیقه یک میلیارد ین (هشت میلیون و نهصد هزار دلار) تعیین شده است.

آقای گون برای گزارش کمتر از واقع در مورد دریافتی خود، به تخلف مالی متهم است. او این اتهامات را رد کرده است. این مدیر شصت و چهارساله متهم است که شخصا به خاطر معاملات در بازار ارز نزدیک به ۱۷ میلیون دلار زیان به نیسان وارد کرده است.

تقاضای قرار وثیقه آقای گون پیشتر و در دو مورد رد شده بود. مقامات قضایی دلیل این اقدام را خطر فرار آقای گون و احتمال مخفی کردن مدارک از سوی وی عنوان کرده بودند.

تقاضای اخیر قرار وثیقه از سوی تیم جدید حقوقی آقای گون به دادگاه ارائه شده بود. آقای گون این تیم وکلای تازه را حدود یک ماه پیش تعیین کرد.

صدور و اجرای اولین حکم بازداشت آقای گون صنعت خودروسازی ژاپن را تکان داد و حبس طولانی مدت او قبل از محاکمه انتقاداتی را در پی داشته است.

کارلوس گون کیست؟

کارلوس گون (غصن) از تبار لبنانی در برزیل متولد شده و شهروندی فرانسه را دارد. نام خانوادگی او به فرانسوی «گون» تلفظ می‌شود.

موقعیت کارلوس گون (با به عربی غصن) به عنوان قهرمان چنان بود که زندگینامه او به صورت یکی از مشهورترین کتاب‌های کارتونی منتشر شد. در فرانسه او به «قاتل هزینه» شهرت یافت و دلیل آن کاهش قابل توجه در هزینه‌ها برای احیای رنو بود. نام او یک بار به عنوان رئیس جمهوری بالقوه لبنان مطرح شد اما او این پیشنهاد را به دلیل «داشتن مشاغل متعدد» رد کرد.

در نظرخواهی از مردم ژاپن در سال ۲۰۱۱ در مورد بهترین فرد برای اداره امور کشورشان، آقای گون نفر هفتم شد.

تحصن معلمان؛ دور سوم تحصن‌های سراسری به روز دوم رسید

دومین روز تحصن سراسری معلمان امروز دوشنبه ۱۳ اسفند در شهرهای مختلف ایران از جمله بابل، سقز، مریوان، سنندج، تبریز، کرج، تربت حیدریه، همدان، شیراز، کرمانشاه، یزد، رشت، جلفا و تهران برگزار شد.

این تحصن سه روزه معلمان از روز یکشنبه (۱۲ اسفند) آغاز شده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در بیانیه‌ای که چندی پیش منتشر کرد از معلمان و فرهنگیان خواسته بود که در اعتراض به مشکلات معیشتی و صنفی در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند سر کلاس‌های درس حاضر نشده و در دفتر مدرسه تحصن کنند.

این سومین دور تحصن معلمان ایران در سال جاری است. براساس اعلام شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان معلمان در این تحصن نیز همانند تحصن‌های مهر و آبان خواهان آزادی معلمان زندانی، رفع موانع قانونی برای فعالیت رسمی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، اختصاص بودجه عادلانه به آموزش و پرورش، همسان سازی حقوق معلمان بازنشسته با شاغلان، داشتن بیمه کارآمد و فراگیر و توقف سیاست پولی کردن مدارس و اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی هستند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان همچنین اعلام کرد در صورت عدم تحقق خواسته‌های به حق فرهنگیان، شـورای هماهنگی، برنامه‌های اعتراضی بعدی خود را نیز اعلام خواهد کرد. در دور اول تحصن‌ها، در مهرماه عبدالرضا قنبری، معلم، شاعر و منتقد ادبی و محمدرضا رمضانزاده، رییس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان مدتی بازداشت شدند. در دور دوم تحصن در ماه آبان، مأموران اطلاعات سپاه پاسداران محمدرضا رمضانزاده و هاشم خواستار، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان مشهد را دستگیر و مدتی بازداشت کردند.

به گزارش نهادهای حقوق بشری در حال حاضر اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، عبدالرضا قنبری، محمد ثانی، بختیار عارفی از معلمانی هستند که به دلیل فعالیت صنفی به زندان محکوم شده و در حال گذراندن محکومیت خود هستند.

بازداشت استاد دوتابعیتی؛ دانشگاه بلژیکی همکاری با دانشگاه تهران را قطع کرد

محمود نیلی احمدآبادی، رئیس دانشگاه تهران، می‌گوید بازداشت یک استاد ایرانی-بلژیکی در ایران باعث قطع همکاری دانشگاه لوون بلژیک با دانشگاه تهران شده است.

آقای نیلی احمدآبادی توضیحی درباره هویت این استاد دانشگاه نداده است. او گفته به همین دلیل دانشگاه‌های آن کشور به این بازداشت اعتراض کردند و این موضوع برای جامعه دانشگاهی آنها بسیار اهمیت دارد.

به گزارش خبرگزاری ایسنا رئیس دانشگاه تهران گفته است که این دانشگاه پیشتر با همکاری دانشگاه لوون دوره‌های آموزشی مشترک برگزار می‌کرده که این همکاری به دلیل مسائل سیاسی از سوی دانشگاه لوون لغو شده است.

به گفته آقای نیلی احمدآبادی، وزیر علوم و فن‌آوری ایران، در سفر اخیر خود به اروپا موضوع قطع همکاری‌های دانشگاهی را پیگیری کرده و سفارت ایران در بلژیک و وزارت امور خارجه هم در حال رایزنی هستند.

رئیس دانشگاه تهران از تأثیر مسائل سیاسی بر همکاری‌های علمی ابراز تاسف کرده است. پیش از این هم بازداشت چهره‌های دانشگاهی دو تابعیتی یا مقیم خارج از کشور در ایران خبرساز شده است.

احمدرضا جلالی، استاد دانشگاه مقیم سوئد، از جمله این چهره‌های دانشگاهی است که به جرم جاسوسی در ایران به اعدام محکوم شده است.

آقای جلالی علاوه بر سوئد در دانشگاه‌های بلژیک و ایتالیا هم تدریس می‌کرد. او که حدود سه سال پیش به دعوت دانشگاه تهران به ایران سفر کرده بود اوایل اردیبهشت ۱۳۹۵ دستگیر و زندانی شد.

در مـوردی دیگر میمینت حسینی چاووشی، جمعیت‌شناس و پژوهشگر دانشگاه ملی استرالیا، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۸ بازداشت شد. در آن زمان گفته شد که خانم چاووشی به ظن نفوذ دستگیر شده است.

به گفته وکیل این پژوهشگر او بعد از حدود دو ماه از زندان آزاد شد.

علاوه بر چهره‌های دانشگاه تعدادی دیگری از شهروندان دوتابعیتی ایران در سال‌های گذشته بازداشت شده‌اند که پرونده بعضی از آنها مانند نازنین زاغری رتکلیف باعث بروز تنش‌هایی در روابط خارجی ایران شده است.

دکتر بهاره سمیعی
متخصص زنان و زایمان

Dr. Bahareh Samiei
MBBS FRANZCOG
OBSTETRICIAN & GYNAECOLOGIST

Tel: (02) 9449 3739 | www.drbaharehsamiei.com.au

Westmead Private Hospital, Suite 18 Mons & Darcy Rd Westmead NSW 2145
Westmead Women's Specialist Group, Block H, Room 3151 Westmead NSW 2145
SAN Clinic Tulloch, Suite 207 / 185 Fox Valley Rd Wahroonga NSW 2076

Designed by Parsian-St.967-co

TAJIK LAWYERS
دفتر وکالت تاجیک

آماده به عهده گرفتن وکالت شما در کلیه امور قانونی و قضایی
نسیما تاجیک وکیل فارسی زبان شما در سیدنی
خانواده و طلاق
کودکان / مسائل والدین
تنظیم وصیت نامه و انحصار وراثت
خرید و فروش مشاغل، شرکتها و غیره
خرید و فروش املاک و مستقلات
نقض مفاد قرارداد
اختلافات املاک
اختلافات تجاری
اختلافات استخدام
دادگاه دیوان عدالت اداری
امور ورشکستگی
بیمه و صدمات بدنی در محل کار یا تصادفات اتومبیل
Tel: 0430 061 905
Level 1, Cnr Main Street & Link Lane
Rouse Hill Town Centre, NSW 2155
PO Box 6568 Rouse Hill NSW 2155
Email: info@tajiklawyers.com.au
Follow us on Facebook {F} Tajik Lawyers
DESIGNED BY PARSIAN-St.1066.co

سوپر ساحل
در چتسوود عرضه کننده بهترین ها
انواع مواد غذایی انواع نوار و سی دی موزیک و دی وی دی فیلم
انواع برنج باسماتی و سبزیجات خشک ایرانی
انواع خشکبار و شیرینیجات ایرانی ترشی و مرباجات
Ph: 02 9417 6766 | 337 Penshurst St, Willoughby

تدریس موسیقی
ناصر غریبی
ویولونیست و آهنگساز

برای آموزش ویلن
و آواز هنرجو می پذیرد
0408 462 662
www.nasergharibi.com

پیتزا آتیش در مریلندز
انواع پیتزا و ساندویچ
قلیان و چای، بستنی و فالوده

Tel: 02 8810 5682
10 McFarlane St. Merrylands
ST.1028.CO

هفته‌نامهٔ پیک پارسیان

توجه: از چاپ مطالب بدون نام و نشان معذوریم
چاپ مطالب رسیده دلیل تأیید آنها نمیباشد
مدیر مسئول فریبرز منصوری
ناشر انتشارات پارسیان

Tel: 02 88835551
0418 660 399

The Persian Herald
P.O Box 344
Kellyville NSW. 2155
persianherald@gmail.com
parsianaustralia@yahoo.com
admin@persianherald.com.au
www.persianherald.com.au

PARSIAN MEDIA

رهبر مخالفان ونزوئلا علیرغم خطر بازداشت به کشور برگشت

خوان گوایدو رئیس جمهور خودخوانده ونزوئلا پس از سفر کوتاهی به خارج از کشور به کاراکاس پایتخت برگشته است، جایی که با خطر بازداشت روبروست. تصاویر تلویزیونی او را درحال ورود به فرودگاه بین المللی سیمون بولیوار نشان داد، درحالی که دیپلمات هایی از آمریکا و اتحادیه اروپا در فرودگاه به استقبال او رفته بودند.
جمعیتی از هوادارانش هم در بیرون فرودگاه شعار «گوایدو، گوایدو» و «بله ما می توانیم» سر می دادند. آقای گوایدو ماه پیش با سرپیچی از دستور منع خروج، ونزوئلا را ترک کرد.
او در تلاشی برای وارد کردن کمک های بین المللی به کشورش و جلب حمایت رهبران منطقه به کشورهای آمریکای لاتین سفر کرده بود.
او هنگام ورود گفت: «از خطرات پیش رو خبر داریم اما قوی هستیم و به راهمان ادامه می دهیم.»
او از نیکلاس مـادورو رئیس جمهور ونزوئلا خواسته کناره گیری کند و مردم ونزوئلا را ترغیب کرد در روزهای دوشنبه و سه شنبه به اعتراضات ضددولتی بپیوندند.
هـزاران معترض که پرچم به دست داشتند درخواست او را اجابت کرده اند.
این دو برای بیش از یک ماه سرشاخ بوده اند. درحالی که بیش از ۵۰ کشور آقای گوایدو را به عنوان رئیس جمهور به رسمیت شناخته اند، آقای مادورو که از حمایت چین، روسیه و کوبا برخوردار است تاکید دارد که تنها رئیس جمهور مشروع کشور است.

سخنرانی در پایتخت
آقای گوایدو با همسرش از فرودگاه به خیابانی در محله لاس مرسدس در شرق پایتخت رفت تا برای جمعیت بزرگی سخنرانی کند.
او به آنها گفت خواستار نشست اتحادیه های کارگری که نمایندگی کارمندان دولتی را به عهده دارند در روز سه شنبه خواهد شد و از مردم خواست روز شنبه در تظاهرات سراسری شرکت کنند. آقای گوایدو اشاره کرد که پیش از بازگشت به کشور به «زندان» و «مرگ» تهدید شده بود اما افزود: «معلوم است که بعد از این تهدیدها، کسی از دستورات سرپیچی کرده.»
«آنها ما را تهدید کردند اما اینجا هستیم تا چهره خود را برای ونزوئلا نمایان کنیم.»
بحران سیاسی ونزوئلا تا حدود زیادی ناشی از فروپاشی اقتصاد این کشور است که با تورم افسارگسیخته همراه بوده و باعث فرار بسیاری از کشور شده است.

سرپیچی از دستور منع خروج
دیوان عالی ونزوئلا که تحت کنترل وفاداران آقای مادرو است چند هفته پیش آقای گوایدو را ممنوع الخروج کرده بود.
آقای گوایدو برای شرکت در یک کنسرت جمع آوری کمک ها در کلمبیا در روز ۲۲ فوریه، که میلیاردر بریتانیایی ریچارد برانسون ترتیب داده بود، از این دستور سرپیچی کرد.
آقای گوایدو همچنین تلاش ها برای آوردن کمک های انسان دوستانه به کشورش، که عمدتا توسط آمریکا اعطا شده بود، را هدایت می کرد.
دولت آقای مادورو این کمک ها را رد و استدلال کرده که بخشی از توطئه آمریکا برای سرنگونی دولت اوست. آقای مادورو دستور بستن مرزها با کلمبیا و برزیل را داد و سربازان ارتش راه ورود کامیون های حامل کمک ها را مسدود کردند. این اقدام باعث درگیری هایی شد که مرگ دست کم پنج نفر را به دنبال داشت. دولت آقای مادورو ادعا می کند و البته شواهدی برای آن ارائه نکرده که کمک ها آلوده و آغشته به مواد سرطان زا بود.
آقـای گوایدو، رئیس مجمع ملی ونزوئلا، مشروعیت پیروزی انتخاباتی آقای مادرو در ماه مه ۲۰۱۸ را زیر سوال می برد.
او خواستار ایجاد یک دولت انتقالی و برگزاری انتخابات تازه است.

احتمال بازداشت
سرپیچی از دستور منع سفر به خارج احتمالا آقای گوایدو را به دردسر خواهد انداخت.
آقای مادورو هفته پیش به شبکه ای بی سی گفت: «او نمی تواند بیاید و برود، سیستم قضایی او را ممنوع الخروج کرده است. من (باشم) به قوانین احترام می گذارم.»
دولت ونزوئلا در گذشته نسبت به دستگیری رهبران مخالفان بی میلی نشان نداده است. خوان ریکوئسنس عضو مجلس ونزوئلا از ماه اوت به خاطر نقش ادعایی اش در حمله با پهپاد به آقای مادرو در زندان است. شمار دیگری از بیم بازداشت کشور را ترک کرده اند.
با این حال وقتی در روز ۱۳ ژانویه پلیس آقای گوایدو را دستگیر کرد بعد از نیم ساعت آزاد شد. خوزه رودریگز، وزیر ارتباطات، در آن زمان گفت که بازداشت او «طبق مقررات نبوده» و ماموران مسئول آن از خدمت مرخص شده اند.
به نظر می رسد آقای گواید خود خطر بازداشت را پذیرفته باشد. او گفت: «البته اگر رژیم جرات دارد من را برباید، آخرین اشتباهش خواهد بود.»
او همچنین در توییتی نوشته بود که دستورات لازم برای متحدان بین المللی اش «برای دنبال کردن یک مسیر مشخص» در صورت بازداشتش را آماده کرده است.

واکنش احتمالی
بازداشت آقای گوایدو باعث اعتراض گسترده خواهد شد. مایک پنس معاون رئیس جمهور آمریکا پیش از بازگشت او به کشور در روز دوشنبه به آقای مادورو اخطار داد.
آقای پنس در توییتر نوشت: «هیچ گونه تهدید، خشونت یا ارعاب علیه او تحمل نخواهد شد و با سرعت به آن واکنش نشان داده خواهد شد.»
جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا قبلا از «واکنشی قوی و جدی» در این مورد صحبت کرده است. فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم خواستار خودداری دولت ونزوئلا از به خطر انداختن آزادی و امنیت آقای گوایدو شد. دیپلمات های گروه لیما، متشکل از ۱۴ کشور که اصلا برای رسیدگی به بحران ونزوئلا پدید آمده، هفته پیش گفتند که «تهدیدهای جدی و واقعی» علیه جان آقای گوایدو وجود داشته است. این گروه گفت که به «هرگونه خشونتی علیه آقای گوایدو، همسر یا خانواده اش» با «مکانیسم های حقوقی و سیاسی» پاسخ داده خواهد شد.

NIF
Net International Finance

AUSTRALIA
Farhad Dalvand
3A, 98 Longueville Rd
Lane Cove NSW
Tel: 02 9420 2939
Tel: 02 9428 3055
Fax: 02 9420 5010
Mobile: 0411 478 623
Mobile: 0411 309 666
Email: netifinance@optusnet.com.au

برای اطلاعات بیشتر با فرهاد دالوند تماس حاصل نمایید.
تلفن تماس:
۰۴۱۱۴۷۸۶۲۳
سرویس ما برای وام‌های مسکن کاملا رایگان می باشد

انــواع وام
- انواع وام مسکن
- وام مسکن تا ۹۷ درصد
- وام مستغلات تا ۸۰ درصد
- وام اتومبیل (اگر خانه دارید بدون مدرک مالیاتی)
- وام خرید مغازه و یا کلیه وسایل مغازه
- وام مسکن مخصوص کسانی که ورشکسته و یا دارای بد کردیت هستند
- ReFinance با بهره کمتر

فرصت استثنایی
- تا ۸۰ درصد وام برای خرید مسکن
- تا ۷۵ درصد وام برای خرید املاک تجاری

بدون نیاز به ارائه مدارک مالیاتی

درنا کوزه‌گر

دادگاه فدرال سوئیس: حبس تعلیقی یک مادر سومالیایی برای ناقص سازی اندام جنسی دخترانش

به تازگی دادگـاه فدرال سوئیس حکم حبس تعلیقی یک مادر سومالیایی برای ناقص سازی اندام جنسی دخترانش پیش از ورود به کشور را تائید کرد.
برای نخستین بار است که مجازاتی برای انجام ختنه دختران که در کشور مبدا انجام شده صادر میشود.
این زن که در پی پذیرش تقاضای پناهندگی همسرش به سوئیس آمده بود، پیش از ترک سومالی دو دختر شش و هفت ساله شان را ختنه کرده بود.
سال گذشته طی پروندهای که توسط پدر دو دختر گشوده شده بود، دادگاه محلی نوشاتل او را به هشت ماه زندان تعلیقی محکوم کرد؛ که اعتراض زن مبنی بر عدم آگاهی از قوانین سوئیس را در پی داشت.
پس از آن دادگاه فدرال سوئیس با رد این اعتراض حکم را تائید کرد.
با این حال دادگاه اعلام کرده که با توجه به بیسوادی متهم، شرایط سخت بدوی و زندگی تحت فشار عظیم اجتماعی، ناتوانی او در رد چنین رسمی قابل درک است و به همین دلیل این حکم را عمدتا نمادین خواند.
دکتر اگلانتین مورو، متخصص علوم اجتماعی و مطالعات زنان، در این مورد میگوید: تنها پیشگیری، اطلاع رسانی و تعلیم و تربیت به موقع میتواند تغییری ایجاد کند؛ وگرنه مجازات همیشه وقتی اجرا میشود که جرم انجام و آسیب وارد شده است. چون فقط از ناآگاهی و بیاعتناعی زیاد است که شخصی همان میزان رنج و درد متحمل شده بر خودش را به فرزندش بدهد.
خانم مورو معتقد است چنین مجازاتی هم وزن سنگینی سنتهایی که دختران ختنه نشده را طرد میکنند نیستند.
او میگوید: دختر مطرود یعنی شوهر پیدا نکردن و باعث ننگ خانواده؛ و فشار همین نگرانیها سبب میشود که مادری به معنی و پیامدهای ناقص سازی بدن فرزندش فکر نکند. از سال ۲۰۱۲ مطابق قانون، متهمین ختنه زنان چه در سوئیس و چه پیش از ورود به آن و یا حتی در حال استفاده از ویزای ترانزیت مورد پیگرد قانونی قرار میگیرد و به نسبت جرایم مرتکب شده در این کشور تا ده سال زندان خواهند داشت.
هدف این قانون جلوگیری از ختنه دختران است آنهم وقتی که به منظور تعطیلات به کشور مبدا باز گردانده میشوند.
ختنه زنان یا برش دستگاه تناسلی زنان در سی کشور پراکنده در افریقا، آسیا و خاورمیانه رواج دارد و رسمی مستقل از مذهب آنهاست. تاکنون در سومالی، مصر، بورکینافاسو و ساحل عاج ممنوع اعلام شده است. گفته میشود که مجموعه ای از دلایل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی میتواند منشا چنین رسمی باشد. فعالان حقوق زنان استفاده از عنوان ختنه را رد میکنند و ناقص سازی اندام جنسی را مناسب چنین جرمی میدانند.
یونیسف تخمین میزند که حدود ۷ هزار زن مقیم سوئیس مورد ناقص سازی جنسی قرار گرفته باشند؛ و این عمل سالانه ۱۲۵ میلیون قربانی در دنیا دارد.
در پروندهایی که ده سال پیش در زوریخ بررسی شد، کادر بیمارستانی مورد دختربچه سیزده ساله ای را گزارش داده بود. تحقیقات نشان داد که دختر در دو سالگی روی میز آشپزخانه توسط فرد ناشناخته ای ختنه شده بود. پدر و مادر هر دو به دو سال زندان محکوم شدند.
قانونگذاری سال ۲۰۱۲ در سوئیس به پروندهای مرتبط است که در آن پناهنده مقیم سوئیس دختر خوانده اش را برای همیشه به سومالی فرستاد که در آنجا با عواقب خطرناک این عمل مواجه شد.
پس از فرار قربانی به کنیا و درخواست کمک از سوئیس، دادگاه فرایبورگ سوئیس اعلام کرد که نمیتوانست متهم را بخاطر جراحات شدید بدنی محکوم کند چرا که در آنزمان در کشور مبدا این عمل جرم شناخته نمیشد.
پس از آن در قوانین جزائی کشور تغییراتی داده شد تا ناقص سازی اندام جنسی دختران مورد تعقیب قرار گیرد حتی در مواردی که این جرم در خارج از سوئیس اتفاق افتاده و حتی زمانی که تحت قانون آن کشور خارجی این عمل مجازات نشود.
تحت قوانین جدید هر شخصی که در عمل ناقص‌سازی جنسی دختران دخالت و مشارکت داشته باشد تحت پیگرد و مجازات قانونی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، اگر خانواده دختری برای ختنه او برنامه‌ریزی کرده باشند علاوه بر شخصی که عمل را انجام داده، همه اعضای خانواده نیز مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.
براساس قانون جدید ناقص‌سازی اندام جنسی زنان شامل تمام مراحلی میشود که با حذف جزئی یا کامل، دستگاه تناسلی خارجی زن را به دلایل غیرپزشکی مورد آسیب قرار دهند؛ از جمله مواردی که با سوراخ کردن (پیرسینگ) یا سوزاندن اندام همراه باشد.
به همراه سوئیس، سوئد و بریتانیا نیز مقرارت خاصی را علیه ناقص‌سازی اندام جنسی زنان معرفی کرده‌اند.
با ایـن وجـود نگرانیهایی دیـده میشود که فعالیت‌های این زمینه ممکن است احساسات برتری فرهنگی و برتری سنت سفید را در بین رنگین پوستان برانگیزد.

واتیکان آرشیو مربوط به پاپ دوران هولوکاست را می‌گشاید

پاپ فرانسیس گفته است که کلیسای کاتولیک آرشیوهایش درباره پاپ پیوس دوازدهم که در دوران جنگ جهانی دوم رهبر این کلیسا بود را خواهد گشود. پیوس که از ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۸ پاپ بود متهم است که با ظهور نازی ها در آلمان مخالفت نکرد و برای حفاظت از یهودیان در جریان هولوکاست به قدر کافی تلاش نکرد.
واتیکان می گوید که او در پشت صحنه برای حفاظت از جان یهودیان تلاش می کرد.
گـروه های یهودی که سالهاست خواستار دسترسی کامل به آرشیوهای مربوط به او هستند از تصمیم پاپ فرانسیس استقبال کرده اند.
پاپ فرانسیس گفت که این آرشیوها در ماه مارس سال آینده گشوده خواهد شد و افزود که برخوردها با میراث پیوس تا حدودی آمیخته به تعصب و اغراق بوده است.
او گفت که این آرشیوها شامل لحظاتی از سختی های ناگوار و تصمیم های آزارنده درباره ملاحظه کاری انسانی و مسیحی است که ممکن است بعضی آن را نشانه ندامت قلمداد کنند.
دفتر آرشیو محرمانه واتیکان گفت که گشودن آن امکان ارزیابی عمیق تر چهره ای که در معرض انتقادهای سطحی بوده را فراهم خواهد کرد.

واکنش ها
بنیاد ید وشم در اسرائیل که یاد قربانیان هولوکاست را گرامی می دارد با استقبال از این تصمیم گفت انتظار دارد محققان اجازه دسترسی کامل به همه اسناد ذخیره شده در این آرشیوها را پیدا کنند.
ای جی سی (کمیته یهودیان آمریکا) گفت برای بیش از ۳۰ سال خواستار چنین اقدامی بوده است.
وزارت خارجه اسرائیل هم ابراز امیدواری کرد که دسترسی آزادانه به همه آرشیوهای مرتبط وجود داشته باشد.
کارشناسان واتیکان ۱۳ سال قبل به درخواست پاپ بندیکت شانزدهم، کار آماده سازی این اسناد برای مشاوره را آغاز کرده بودند.
واتیکان در آن سال آرشیوهایش را گشود تا مورخان به اسناد مربوط به سال های ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۹ دسترسی پیدا کنند.
اما در آن زمان رکوردهای مهمی که احتمالا جزو این آرشیوها بود علیرغم درخواست های خاخام ها و مورخان یهودی در دسترس قرار نگرفت.
مورخان خواستار دسترسی گسترده تر به آرشیوهای محرمانه واتیکان برای روشن شدن نقش کلیسا در دوره منتهی به جنگ جهانی دوم بوده اند.
این آرشیوها حاوی کلیه دستورهای پاپ ها، بخشنامه های پاپ و مکاتبات دیپلماتیک واتیکان است.

پیوس هفتم که بود؟
کاردینال یوجین پاچلی از ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۸ هدایت کلیسای کاتولیک را به عهده داشت.
بررسی اقدامات او در آن دوره بخشی از تلاش های جاری برای رسیدن به این تصمیم است که آیا باید قدیس معرفی شود یا نه.
گروه های یهودی از او انتقاد کرده اند که علیه عملیات قتل شش میلیون یهودی به دست نازی ها سکوت کرد.
او اعلامیه متفقین در سال ۱۹۴۲ در محکومیت قتل عام یهودیان توسط نازی ها را محکوم نکرد و علنا به اخراج یهودیان از رم به آشویتس اعتراض نکرد. اما پاپ فرانسیس در سال ۲۰۱۴ گفت که پیوس دوازدهم مدافع بزرگ یهودیان بود و به کلیسا دستور داده بود یهودیان را در صومعه های رم و سایر شهرهای ایتالیا پنهان کنند. او گفت: باید نقش او را در بستر زمانه دید. برای مثال، بهتر نبود او سکوت کند تا یهودیان بیشتری کشته نشوند یا باید صدایش را بلند می کرد؟.

AUST ARIA PTY LTD
FOOD IMPORTS

Bestaste
Premium Quality

موجود درکلیه فروشگاههای مواد غذایی معتبر در سراسر استرالیا

قیمت برای مصرف کننده
فقط ۹۹ سنت

پخش از Aust Aria
Ph: 02 9645 6003
Fax: 02 9700 9679
info@aust-aria.com

DESIGNED BY PARSIAN

فریبرز رئیس دانا

بیش از این آب را گِل نکنید!

آب کالای ملی و مردمی است. منابع آب باید از طریق قیمت‌گذاریِ منطقی و عادلانه و متناسب با درآمدها در اختیار جامعه و دولت برگزیده‌ی آن باشد. تحمیل قیمت‌های فشارآور و محروم سازی، راه حل مقابله با بحران در این کالای عمومی نیست. البته قطعاً درست است که سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی عمدی در مصرف انواع آب باید جای خود را به قیمت‌گذاری منطقی و عادلانه بدهد، اما نمی‌تواند با تازیانه‌ی قیمت‌گذاری‌ای که کماکان تبعیض‌آمیز و محرومیت‌زا می‌ماند، عملی شود ...

اصطلاح «تنش آبی» که در پی خشک‌سالی سال آبی ۱۳۹۷ـ۱۳۹۶، از سوی شماری از مسئولان به کار می‌رود و به رسانه‌ها و کارشناسان و مردم عادی نیز راه یافته است، اصطلاحی است نامفهوم و بی‌پشتوانه‌ی علمی که چیزی را به عنوان یک پدیده‌ی آزاردهنده‌ی جدی و جامع نمایندگی نمی‌کند. اگر منظور از تنش آبی همان Water Tension است، این باید به معنای پدید آمدن درگیری و انسداد درونی در جایی یا در همه جای حوزه‌ی آبی کشور باشد. نه چنین اصطلاحی به صورت متداول داریم و نه این که چنین «فشار» معنایی دارد. اگر منظور water Stress است، این به معنای ایجاد فشار (و تقلای واکنشی) در حوزه‌ی آبی است و نیز به معنای نگرانی آبی. این اصطلاح می‌تواند به خودی خود از حیث محتوای علمی قابل قبول‌تر باشد اما دیگر به معنای (Tension) نیست.

اساساً آنچه در قلمروی آبی کشور وجود دارد و پیشینه و ریشه هم دارد و با بروز خشک‌سالی به گونه‌ای جدی و شدید و هشدار دهنده مطرح می‌شود، نه انسداد است و نه کشمکش (که از Tension مراد می‌شود) نه فشار و نگرانی (که از Stress فهمیده می‌شود). در واقعیت کشور با پدیده‌های بسیار جدی کمبود آب (Water Shortage) رو به رو است که مدتهاست مراحل انسداد، فشار و نگرانی را پشت سر گذاشته و به یک مشکل مزمن تبدیل شده است و راه‌حل‌های خود را نه به طور اساسی و موثر بلکه در جهت به تعویق انداختن بحران اما تشدید بحران بعدی یافته است. اصطلاح‌سازی‌های نوسازانه چیز زیادی از واقعیت را بیان نمی‌کنند و چیزی نیز برای به کار انداختن نیروی اجتماعی، ساز و کار اقتصادی و عزم سیاسی برای مقابله با بحران به دست نمی‌دهند. بحران به معنای رسیدن به مرحله‌ای از نابسامانی، کمبود و ناکارآمدی است که ساز و کارهای عادی نمی‌توانند آنها را برطرف کنند، اما چشم‌انداز ضرورت متلاشی شدن سیستم یا دست‌یابی به راه حل تحول بنیادین به طور جدی گشوده می‌شود. در بحران اگر آن را از جو ذهنی عمومی متلاطم و گذرا تفکیک کنیم ناامیدی‌ها از یک سو ریشه‌دار و فراگیر می‌شوند و از دیگر سو باور به ضرورت دگرگونی اساسی شکل می‌گیرد و به همین سبب نیز خیلی‌ها را در مقابل ناتوانی درونی قرار می‌دهد و باز ناامید می‌سازد.

آنچه در حوزه‌های آبی کشور وجود دارد «بحران» است. این بحران در پی کمبودهای طولانی مدت ناشی از بی‌توازنی میان بهره‌برداری از منابع و باز تولید آن در سالیان دراز پیش آمده است. البته این نیز به عنوان راه حل‌های واقع‌بینانه‌ی مقطعی به وسیله‌ی دولت‌ها، انحصارها و قدرت‌ها و تنش گریزناپذیر و ناآگاهانه‌ی عمومی مطرح شده به کار رفته است. ممکن است اقتصاد آبی کشور سالها نیز از طریق همین راه حل‌ها به راه خود ادامه دهد. اما این اصل بحران را نفی و چاره نمی‌کند. در چند سال اخیر کشور پای به مرحله بحران جدی و واقعی نهاده است، در واقع خشک‌سالی سال ۱۳۹۷ـ۱۳۹۶ ایران در پی ادامه‌ی خشک‌سالی‌های گذشته است و در پی بدتر شدن وضع آبی کشور و در واقع ادامه‌ی یک خشک‌سالی ۱۰ ساله است. در سال آبی جاری ورودی به مخازن آبی کشور ۳۴ درصد کاهش یافت. تعداد سدهای مهم کشور به ۱۷۷ سد می رسد که نیمی از آن‌ها (که ۴۰ درصد ظرفیت مخازن کشور را تشکیل می‌دهند) فقط در حدود ۴۵ درصد از ظرفیتشان آب در خود ذخیره دارند. در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۶ میزان بارندگی ۴۲ درصد نسبت به دوره‌های مشابه سال قبل کاهش داشت. این نوسانهای آبی، سدهای زیادی را که پرهزینه و بی‌ثمر و چه بسا زیان‌آور، با پیمانکاری‌های ناسالم و پول‌ساز برای سرمایه‌گذاران خاص، ساخته شده‌اند بی‌اثرتر و پرهزینه‌تر کرده است. در همین حال ۹۷ درصد از مساحت ایران درگیر انواع خشک‌سالی خفیف، متوسط، شدید و بسیار شدید، است که ۶۰ درصد آن از نوع شدید و بسیار شدید است. بنابر این در چشم‌انداز آینده، یا تیره‌روزی گسترده‌تر می‌شود و ارکان سلامت، رفاه، امنیت و کارآمدی تولید را از کار می‌اندازد یا این که این وضع بحرانی و شکننده با همین نتایج باز از نظرها پنهان نگه داشته می‌شود و هزینه‌ی آن را مردم می‌پردازند هر چند به هر روی اقتصاد باز به حیات خود ادامه دهد.

اما بحران واقعی چیست؟ خیلی ساده بدین صورت است که مصارف آبی در بخش‌های مختلف اقتصاد مدام از منابع و باز تولید آن عقب‌تر می‌ماند در این صورت این حیاتی‌ترین منبع بقاء و تولید فقط با هزینه‌های فزاینده‌تر می‌تواند در دسترس قرار گیرد. محرومیت‌ها تشدید می‌شود، ناکارآمدی‌های عمومی جامعه و اقتصاد را به قعر می‌کشاند و شکل‌بندی جامعه‌ی ناعادلانه و طبقاتی باز به ویرانگری خود ادامه می‌دهد. خیلی ساده نیست که بگوئیم بحران در این مورد به معنی بیشتر بدون مصرف از تولید است. برای شناخت بحران باید رشته‌های مختلف مصرف و منابع متفاوت تولید از حیث کمی و کیفی شناخته شوند و قانون‌مندی و بقا و تغییرات آنها به درستی بدست آید.

بحران کمبود آب در کشور ما بی‌تردید بجز عدم توازن کلی مصرف و تولید، از چگونگی مصرف، روش‌های تولید، نظام اقتصادی حاکم تقسیم کار کاپیتالیستی جهانی و کمبود منابع آبی به دلیل شرایط اقلیمی نیز ناشی می‌شود. کمبود اساسی آب در ۲۵ کشور جهان است که در خاورمیانه و آفریقا قرار دارند. سه رشته‌ی اصلی مصرف آب عبارتند از آب کشاورزی، آب شرب، آب صنعتی. سهم آب کشاورزی به طور کلی در حدود ۹۰ درصد از کل مصارف آب است که بسته به موقعیت هر کشور این سهم تغییر می‌کند. آب صنعتی و شرب سهم‌های به مراتب کمتری دارند. با این که هم مصرف آب شرب بسیار محدودتر اما هزینه‌ی تولید آن بسیار بیشتر از سهم مصرف است. مثلاً در ایران سهم آب شرب در حدود ۴ درصد از کل مصرف آب است اما سهم هزینه‌ی تولید آن به چند برابر این سهم می‌رسد. واضح است که تصفیه آب و لوله‌کشی این افزایش نسبی هزینه را موجب شده است. در ایران امروز تقریباً همه‌ی ۶۲ هزار روستای پراکنده در سرزمینی نسبتاً پهناور، آب لوله‌کشی استفاده می‌کنند. (این نتیجه در ۳۰ تا ۴۰ سال اخیر حاصل شده است).

رشد صنعتی نیز به گونه‌ای نیست که بتواند هزینه‌ی تولید آب صنعتی را بر عهده بگیرد. سرمایه‌گذاران و صاحبان زمین و مستغلات شهری متناسب با ثروت و درآمدشان هزینه‌ی تأمین آب شرب را بر عهده نمی‌گیرند. امروز در حدود ۷۵ درصد از جمعیت در مناطق شهری، و ۱۸ درصد در تهران و اطراف آن زندگی می‌کنند. بحران آب به معنای فرارسیدن محرومیت‌هاست که می‌تواند به شدت از رفاه همگانی بکاهد و موجب افت سطح بهداشت محیط و افزایش بیماری‌ها شود. از هم اکنون علایم زیادی در مورد آلودگی آب‌های آشامیدنی شهرهای بزرگ بروز کرده است.

متوسط سالانه نزولات جوی در کشور ۲۴۰ میلی‌متر در سال است که زمان‌های زیادی را نیز تجربه می‌کند. این رقم برابر با یک سوم بارش جهانی و نصف بارش قاره‌ای آسیاست. با این بارش کل بارش سالانه در سرزمینمان به ۴۰۰ میلیارد متر مکعب می‌رسد که ۲۷۰ میلیارد آن تبخیر و در نتیجه فقط ۱۳۰ میلیارد دیگر آب تجدیدپذیر محسوب می‌شود. شامل (۱۱۷ میلیارد آب‌های داخلی و ۱۳ میلیارد آب‌های مرزی)، مقدار برداشت از این ۱۳۰ میلیارد معادل تقریباً ۹۳ میلیارد (۷۱ درصد) است. از این ۹۳ میلیارد متر مکعب مقدار متوسط ۶۲ میلیارد آن از محل آب‌های زیرزمینی و آب‌خوان‌ها و باقی از آب‌های جاری (رودخانه‌ها است).

بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی و آب‌خوان‌ها از چهار منبع اساسی صورت می‌گیرد: چاه‌های عمیق، چاه‌های نیمه عمیق، قنات و چشمه. شمار این منابع چهارگانه در سال ۱۳۷۴ به چیزی بیش از ۲،۶۲۴،۰۰۰ می‌رسید در سال ۱۳۹۲ این مقدار به کم‌تر از ۱ میلیون کاهش یافت در حالی که بجز چاه‌های نیمه عمیق هر سه منبع دیگر افزایش یافت. اما شمار چاه‌های نیمه عمیق به شدت کاهش یافت (از تقریباً ۲.۵ میلیون به حدود ۵۷۰ هزار رسید). سطح آب‌های زیرزمینی مدام پایین‌تر رفتند و به این جهت در چاه‌های نیمه عمیق دیگر آبی باقی نماند و در عوض شمار چاه‌های عمیق زیادتر شد. فرو رفتن مداوم سطح آب‌های زیرزمینی موجب هجوم آب‌های شور و افت کیفیت آب می‌شود.

چنان که گفته شد بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی در سالهای اخیر ۶۳ میلیارد متر مکعب است. اما اضافه کنم که میزان متوسط تغذیه آب‌های زیرزمینی و آب‌خوان‌ها ۵۵ میلیارد متر مکعب بالغ می‌شود. با کاهش بارش، آب‌های رودخانه‌های فصلی و دائمی نیز کاهش می‌یابد و همه‌ی این‌ها متوسط میزان خروجی هر منبع را کاهش می‌دهد و از توان کمی آبیاری رودخانه ای نیز به شدت می‌کاهد.

از طرف دیگر سرعت استفاده از منابع آب زیرزمینی در ایران بالا رفته به نحوی که امروز این سرعت ۳ برابر متوسط جهانی است. در نتیجه‌ی این کاهش زیرزمینی و روی زمینی آب، از ۶۰۰ دشت کشاورزی شمار ۳۰۰ دست خشکیده است. در همین حال کشاورز و کشاورزی اعتبار اجتماعی ـ اقتصادی را مدام از دست داده جایگاهی فرودستانه در جامعه یافته است. کشاورزی بجز شرایط اقلیمی از حیث اجتماعی و اقتصاد سیاسی نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد. ۲۵ درصد جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند که با چشم‌انداز بیکاری و فقر و مهاجرت ناامیدانه رو به رو شده‌اند. امنیت غذایی کشور زیر سوال می‌رود و وابستگی اقتصادی انفعالی از حوزه‌ی نفت به حوزه‌ی مواد غذایی سرایت می‌کند. سیاست‌های آب‌رسانی واکنشی و نامطمئن از تدبیر و خرد اقتصاد مردمی ـ ملی ناشی نمی‌شود و برنامه‌های حاکمیت برای جابه جایی منابع مورد تردید مردم قرار می‌گیرد. اعتراض‌های کشاورزان و مردم در ورزنه و ارومیه نمونه‌های جدی‌ای از واکنش به سیاست‌های آب‌رسانی و سدسازی‌های مخرب است که بیشترین خاصیتشان پر کردن جیب پیمانکاران بوده است در پی خشک‌سالی و بحران آبی، مثلاً آب کشاورزی اصفهان برای مصارفی به یزد منتقل می‌شود که خودش حاصل بی تدبیری‌ها و لجام گسیختگی‌ها و سیاست‌های شهرنشینی و استقرار صنایع بوده است و خودش نیز در آینده بحران‌زا می‌شود. اگر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست و دموکراتیک باشد معمولاً نباید یک ملت از جابجایی منابع درونی در چارچوب حاکمیت خود به خشم آید و برانگیخته شود. بر روی رودخانه‌هایی که دریاچه‌ی ذی‌قیمت و حیاتی ارومیه را تغذیه می‌کردند ۹۳ سد ساخته شده است. نتیجه؟ نه آبادانی کشاورزی و نه رشد صنعتی، اما در عوض ویرانی محیط زیست.

باری می‌توان از نتایج آب‌رسانی بهداشتی به روستاها کاملاً دفاع کرد اما نمی‌توان از سیاست‌های پراکندگی محل‌های سکونت و کشت در ۶۲ هزار روستا و ۱۱۰ هزار مکان کشاورزی، که هم چنان پابرجا مانده است، دفاع کرد. می‌توان در مقابل شرایط جوی و نوسان در منابع آب دست‌ها را بالا برد و تسلیم شد اما یقیناً باید تغییر عقب ماندگی فنی و اقتصادی در حوزه‌ی کشاورزی و آبیاری را متوجه دولتهایی دانست که یک به یک در پی سیاست‌های تعدیل ساختاری به متورم شدن بخش‌های پولی ـ بانکی، مستغلاتی یاری رساندند و منابع را به گونه‌ای ناعادلانه در خدمت رشد ناموزون و ثروتمند شدن خیره‌کننده‌ی امنیت اقتصادی قرار دادند. نه کشاورزی و نه آبیاری با سیاست‌های جدا از تحول اساسی اقتصادی و فنی نجات نمی‌یابند.

رشد شهرنشینی فشار آب تصفیه شده را کاهش اما فشار تقاضا و فشار هزینه تولید آن را زیاد می‌کند. رشد صنعتی ناکارآمد و علیل آب‌بری غیرمنطقی را موجب می‌شود. بر اساس عقل سلیم جمعی همه‌ی این سیاست‌ها و روش‌های تولید و مصرف غیرمنطقی باید کنار گذاشته شوند اما عقل سودگرایی فردی بر این عقل سلیم غلبه دارد. در صنعت، تولید و مصرف انواع آب نیز اوضاع همین است.

وقتی بحران آب عمیق‌تر می‌شود و محرومیت‌ها فزونی می‌گیرد و در همین حال راهبردهای نولیبرالی حکومت‌ها پابرجاتر می‌ماند، آن‌گاه در چشم‌انداز آینده یک وضع حتمی امکان بروز جدی می‌یابد و آن پیدا شدن بورژواری قدرتمند آب است. ابتدا دولت‌ها هر چه بیشتر به ابزارهای قیمت پایه و پول پایه برای جیره‌بندی پنهان متوسل می‌شدند و یک سرمایه‌داری دولتی در این حوزه شکل می‌گیرد. از آن به بعد نوبت خصوصی‌سازی فرا می‌رسد و آنگاه ترکیب ویژه‌ای از سرمایه‌داری دولتی و خصوصی و موسساتی پدید می‌آید که همان بورژوازی مسلط آب را می سازد. اما راه حل بحران آب در غوطه‌ور شدن در بحرانی عمیق‌تر نیست. پس راه چیست؟

پاسخ در الویت دادن به سرمایه‌گذاری زیرساختی بر اساس برنامه‌ریزی فنی ـ اقتصادی در بخش کشاورزی برای تغییر اساسی و نوسازی در ساختار جمع‌آوری آب، ذخیره‌سازی آب (کاهش جدی تبخیر)، آب‌رسانی و آب‌بری صرفه‌مند و تجمیع ضروری اراضی زیر کشت، سازماندهی موثر تعاونی‌های تولید، انتخاب منطقه‌ای نوع کشت و جز آن، این تغییر نمی‌تواند جدا از تغییر در ساختار نظام بهره‌برداری، اندازه زمین‌های زیر کشت، نوع کشت و جز آن باشد. این تغییرات البته زمان‌بر است و باید در چارچوب برنامه زمان‌بندی شده به اجرا درآید. عاجل‌ترین اقدام معرفی نظام نوین آبیاری در دشت‌ها و نواحی کشاورزی برگزیده و نمونه‌ایست. باید به این کار اولویت داد و آن را در نظام برنامه‌ریزی، به شرط آن که خودش زنده و پویا باشد، گنجاند. محصولات کشاورزی آب‌بر باید هزینه‌ی فشار بر آبی را بپردازند یا تن به قبول روش‌های نوین بدهند یا به رشته‌های دیگر روی آورند. اما کشاورزی فقیر از عهده‌ی هزینه برنمی‌آید. پس باید این کشاورزی به نوعی مورد حمایت قرار بگیرد و بهترین کار افزایش درآمد و امید درآمدی کشاورزان از طریق بالا بردن قیمت محصولات است. در این راه نباید مردم عادی و تهیدستان شهری قربانی شوند. بنابر این باز توزیع ثروت و درآمد، به نفع قوه‌ی خرید این مردم امری ضروری برای بهبود روش آبیاری به شمار می‌آید. این دو به ظاهر نامرتبط به نظر می‌رسند اما با منطقی که گفته شده و جدا از منطق کسب سود و بازار است می‌توان در این مسیر حرکت کرد.

همچنین تولید آب لوله‌کشی و تصفیه‌ی آب برای مصارف شهری نیاز به بازسازی دارد. مهم‌ترین بازسازی نجات آبرسانی شهری از ضایعات آب است که به دلیل زیرساخت‌های فرسوده در حدود ۳۵ درصد از اتلاف آب را باعث می‌شود. آب بها برای مناطق اعیان‌نشین و پرمصرف است که باید افزایش یابد نه برای مردم محروم و کم درآمد. تصفیه‌ی فاضلاب، ایجاد خطوط لوله‌ی غیرشرب شهری، حتی برای منازل، راه حل تأیید شده‌ی دیگر است. می‌بینم که آبیاری اراضی کشاورزی نزدیک شهر با فاضلاب شهری خود فقط یکی از نمادهای بحران بلکه در واقع غوطه‌ور شدن در «مرگ آب» بحران است.

تأمین آب صنعتی عمومی برای مناطق صنعتی تاکنون در ایران با بحران جدی رو به رو نبوده است. به هر روی اما تأمین، توزیع و تصفیه‌ی این آبها، که گاه پس ماندهایی خطرناک و کشنده دارند، می‌تواند با سرمایه‌های دولتی شروع شود و گسترش یابد اما منابع مالی آن باید بر بنیاد سودبخشی صنعت تأمین شود.

بازنگری موثر در نظام مصرف آب با اندرزگویی و روش‌هـای بی‌پشتوانه‌ی به اصطلاح ایجاد «فرهنگ مصرف» نامیسر و بی ثمر است شعارهای «آب را گل نکنیم» و «آب را هدر ندهیم» وقتی گل آلودگی و هدررفتگی گسترده از منشاء زیرساخت‌ها، نظام‌های بهره‌برداری، بی‌عدالتی و سلطه‌ی اقتصادی وجود دارد بی اثر می‌شود و در رگ‌های جامعه جای نمی‌گیرد. پیشینه‌ی کشاورزی و محرومیت پیشینه‌دار آبی در سرزمین ما در خود روحیه‌ی صرفه‌جویی در آب را دارد. اما این زندگی سودمحور جدید است که به اقشاری امکان دسترسی به آب ارزان و سخت را می‌دهد بی‌آن که ثمری برای جامعه داشته باشند، مولدان نادار در دشت‌های کشور و در نقاط سرمازده و گرمازده از آب گرم و سرد محروم می‌سازد. مصرف مناسب و صرفه‌مند از آب باید به جز ابزار بار هزینه‌ی تولید، با عدالت اجتماعی و سهیم کردن و مشارکت دادن واقعی مردم بر نتایج کنترل مصرف، و با پرهیز از محروم‌سازی بازار محدود و تحمیل قیمت همراه باشد. حتی جمع‌آوری پشت‌بامی آب باران به روحیه‌ی تازه نیاز دارد.

آب کالای ملی و مردمی است. منابع آب باید از طریق قیمت‌گذاری منطقی و عادلانه و متناسب با درآمدها در اختیار جامعه و دولت برگزیده‌ی آن باشد. تحمیل قیمت‌های فشارآور و محروم سازی، راه حل مقابله با بحران در این کالای عمومی نیست. البته قطعاً درست است که سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی عمدی در مصرف انواع آب باید جای خود را به قیمت‌گذاری منطقی و عادلانه و متناسب با سطح درآمد و ثروت برای گروه‌های اصلی جامعه به رعایت راهبرد نوین فنی ـ اقتصادی و اجتماعی بدهد، اما نمی‌تواند با تازیانه‌ی قیمت‌گذاری‌ای که کماکان تبعیض‌آمیز و محرومیت‌زا می‌ماند، عملی شود. تأمین هزینه‌ی تأمین آب و آب‌رسانی، حتی آب کشاورزی، از طریق بهره‌برداران، به ویژه بزرگ مقیاس‌ها، امری ضروری است. اما تا زمانی که نظام آب‌رسانی بر پایه‌ی سرمایه‌گذاری‌های جامع و موثر دولتی اصلاح نشده است و تا زمانی که حداقل‌ها در وضعیت جدید به دست نیامده است، نمی‌توان بار فشار را بر دوش بهره‌برداران محروم و کم بضاعت قرار دارد یا از آنان انتظار اصلاح نظام آب‌رسانی را داشت.

اردشیر زارعی قنواتی

با شکست کودتای سیاسی؛ احتمال دخالت نظامی در ونزوئلا

شیوه برخورد با بحران ونزوئلا دقیقا از تلفیق مدل شیلی دوران زمامداری سالوادور آلنده و تحولات چند سال گذشته در اوکراین موسوم به جنبش میدان و هم چنین الگوی لیبی پیروی می کند که با نادیده گرفتن همان دمکراسی بورژوایی تابع مشروعیت انتخابات، حقوق بین الملل و حق حاکمیت ملی دولت های مستقل با دخالت مستقیم خارجی، حکومت های قانونی مورد تهاجم نیروی بیرونی قرار گرفتند ...

تحولات ونزوئلا به صورت شتابنده یی به سوی تشدید بحران و احتمال دخالت نظامی خارجی به بهانه واهی «اقدام بشردوستانه» پیش می رود و به نظر می رسد که در واشینگتن دولتمردان این کشور بعد از یک دوره بی عملی در حوزه آمریکایی لاتین دوباره عزم خود را جزم کرده اند تا به شیوه دهه های شصت تا نود میلادی با دخالت مستقیم و غیرمستقیم خود، هژمونی آمریکا را در این منطقه ابقاء کنند. آنچه هم اکنون در ونزوئلا می گذرد هر چند که تشدید بحران به دلیل ناکارآمدی سیاست های اقتصادی دولت بولیواری و هم چنین گسترش دامنه تحریم های خارجی و به خصوص ایالات متحده، بستر اعتراض و دوقطبی بودن جامعه را فراهم کرده است اما واقعیت تحولات اخیر بسیار فراتر از این موضوع است. بحران امروز ونزوئلا فراتر از اعتراضات طیف هایی از مردم از عملکرد دولت می باشد که بدون تردید باید به آن توجه و با بخشی از مطالبات مشروع معترضان هم برخورد دمکراتیک صورت گیرد، اما به لحاظ قانون اساسی و حقوق بین الملل و هم چنین واقعیت دخالت خارجی و اعمال قدرت بیرونی در این خصوص می بایست در حوزه یک رخداد فراملی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

از همان ابتدای موج جدید اعتراضات اپوزیسیون علیه دولت «نیکلاس مادورو» جهان با یک هماهنگی از قبل تعیین و تدوین شده از طرف امپریالیسم امریکا و متحدین داخلی و خارجی آن برای ساقط کردن یک دولت مستقل روبه رو شد. این در حالی بود که در ونزوئلا هنوز نه از جنگ داخلی خبری بود و نه از سرکوب مخالفان و حتی رسانه های پرشمار وابسته به اپوزیسیون، که بهانه یی باشد برای اقدامات و تصمیمات فوری دیگر قدرت های منطقه یی و جهانی تا جایی که حتی به پیشنهاد گفت و گوی رهبران مکزیک و اروگوئه بین دولت مادورو و مخالفان نیز نه تنها بهایی داده نشد که حتی «همین حامیان به اصطلاح دمکراسی» آن را وقت تلف کردن دانستند.

شیوه برخورد با بحران ونزوئلا دقیقا از تلفیق مدل شیلی دوران زمامداری «سالوادور آلنده» و تحولات چند سال گذشته در اوکراین موسوم به «جنبش میدان» و هم چنین «الگوی لیبی» پیروی می کند که با نادیده گرفتن همان دمکراسی بورژوایی تابع «مشروعیت انتخابات»، «حقوق بین الملل» و «حق حاکمیت ملی دولت های مستقل» با دخالت مستقیم خارجی، حکومت های قانونی مورد تهاجم نیروی بیرونی قرار گرفتند.

تحولات ونزوئلا و بحران اخیر این کشور را به این جهت باید فراتر از حمایت یا اعتراض بخش هایی از مردم این کشور علیه پرزیدنت مادورو مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد که وقتی به سیر رخدادها نگاه شود به خوبی مشخص است که یک سناریوی فراملی در حال وقوع می باشد. چنانچه روز ۲۱ ژانویه «مایک پنس» معاون رئیس جمهوری آمریکا در یک تماس تلفنی از رهبر جدید پارلمان منحله «خوان گوایدو» دعوت کرد که ضمن متحد کردن اپوزیسیون به عنوان رئیس جمهوری دوره انتقالی سوگند خورده و قدرت را به دست بگیرد. در فاصله یک روز بعد در ۲۲ ژانویه و هم زمان با مراسم شصت و یکمین سالگرد سقوط دیکتاتور پیشین «مارکوس پرز خیمنس» در کشور که همه ساله جشن گرفته می شود، مهره دست آموز آمریکا طبق برنامه تنظیم شده در واشینگتن، مراسم سوگند را اجراء کرده و خود را رئیس جمهوری قانونی کشور خواند. تنها در عرض چند ساعت ابتدا «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری افراطی و راستگرای آمریکا، گوایدو را به عنوان رئیس جمهوری قانونی ونزوئلا به رسمیت شناخت و در پشت سر وی دیگر مقامات ارشد این کشور و بلافاصله هم صف کشورهای متحد آمریکا در منطقه و به خصوص برزیل و کلمبیا به عنوان همسایگان بزرگ این کشور و تمامی گروه لیما (۱۳ کشور آمریکای لاتین به اضافه کانادا و البته به غیر از مکزیک) نیز وی را به رسمیت شناختند. یک روز بعد هم در اروپا پنج کشور بریتانیا، آلمان، فرانسه، اسپانیا و بلژیک که گویا از پذیرش آشکار این سناریوی مشمئزکننده و کاملا خلاف حقوق بین الملل و قانون اساسی ونزوئلا شرم و واهمه داشتند، یک مهلت یک هفته یی برای مادورو تعیین کردند که یا در این فرصت انتخابات جدید برگزار کند یا آنان گوایدو را به رسمیت می شناسند که بیشتر شبیه «هشدار برای تسلیم» بود.

اگر قطعات پازل این سیر شتابناک تحولات که حتی در طی بروز انقلابات هم تعجب برانگیز می باشد، به درستی و به شیوه علمی کنار هم قرار داده شوند به روشنی گویای یک «کودتای سیاسی» با کمک قدرت های خارجی می باشد. اگر به وجود امپریالیسم باور داشته باشیم، اگر به خانمان براندازی نئولیبرالیسم و ضدانسانی بودن نژادپرستی و راست افراطی معتقد باشیم، اگر تاریخ مداخلات امپریالیسم آمریکا را در حوزه آمریکای لاتین مطالعه کرده باشیم و اگر به رعایت حقوق بین الملل و مشروعیت کنوانسیون های پذیرفته شده جهانی اذعان کنیم، باید ونزوئلا را بسیار فراتر از یک رخداد داخلی دانسته و با توجه به شواهد غیرقابل تردید، آن را در چارچوب یک سناریوی فراملی مورد تحلیل قرار دهیم.

آنچه هم اکنون دارای اهمیت می باشد اینکه با شکست طرح کودتای سیاسی به دلیل مقاومت دولت حاکم، حمایت بخش وسیعی از مردم از انقلاب بولیواری، هراس بخش خاکستری جامعه از بروز بی ثباتی در کشور و دخالت خارجی، فشار افکار عمومی جهانی و در راس آن همبستگی نیروهای چپ سوسیالیستی و احزاب کمونیست در دفاع از مشروعیت حقوقی دولت کاراکاس و حمایت ارتش از رئیس جمهوری قانونی کشور نیکلاس مادورو، تغییر تدریجی فاز دخالت از حوزه سیاسی به سمت احتمال تنش نظامی و حتی تهاجم خارجی تحت لوای «دخالت های بشردوستانه» مهیا شده است. این روزها بدون استثناء و بدون وقفه جهان شاهد اظهارات تهدیدآمیز مقامات ارشد آمریکایی علیه دولت حاکم در کاراکاس می باشد تا جایی که هیچ روزی نیست که مایک پنس، جان بولتون و مایک پومپئو که گویا مثلث مسئول پرونده ونزوئلا در کاخ سفید می باشند، اوامری هم برای مهره دست نشانده خود و هم در تهدید مادورو صادر نکنند. اینکه حتی دونالد ترامپ هم در آستانه نشست لیما به صراحت می گوید در مورد ونزوئلا «همه گزینه ها روی میز است» آن چنان بوی جنگ می دهد که یک ناظر و مخاطب ناآگاه از سیر تحولات این کشور فکر می کند ونزوئلا امنیت آمریکا را تهدید کرده است، حمله تروریستی علیه این کشور از طریق ونزوئلا انجام شده است یا در ونزوئلا جنایت علیه بشریت به وقوع پیوسته که اقدامات عاجل را ضروری ساخته است. این در حالی است که سطح دمکراسی و انتخابات آزاد در ونزوئلا بالاتر از همه کشورهای متحد آمریکا در این حوزه ژئوپلتیک می باشد و از جمله در کلمبیا که امروز به پشت جبهه توطئه علیه مادورو تبدیل شده است و بر اساس واقعیات عینی دولت های حاکم همیشه همدست «جوخه های مرگ» در کشتار مردم معترض و جنبش های دهقانی مخالف دولت تحت حمایت واشینگتن بوده اند.

نشست گروه لیما در روز دوشنبه ۲۵ فوریه در بوگوتا پایتخت کلمبیا برگزار شد و مایک پنس بعد از دیدار با خوان گوایدو دقیقا مشابه سناریوی حمله به عراق اظهار داشت «وفاداران مادورو پشت خود را به مردم کشورشان کرده‌اند» و خواهان تحریم و مصادره اموال بلوکه شده این کشور شد. پنس در این نشست افزود «جهان شاهد بود که برای جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه، نقاب‌پوشان نظامی کوبایی به همراهی مادورو آمده و ۲۰۰ تن را زخمی کرده و پنج تن را هم کشتند». این در حالی است که حتی خبرگزاری ها غربی مستقر در ونزوئلا و حاضر در نقطه مرزی با کلمبیا تنها از کشته شدن یک غیرنظامی و یک سرباز در جریان درگیری های پراکنده گزارش داده بودند.

از طرف دیگر آن چنان حول این کمک ها افسانه سرایی انجام می شود که مخاطب عام و ناآشنا به واقعیات در حال انجام، فکر می کند میلیون ها تن مواد غذایی و دارو هم اکنون در پشت مرزهای ونزوئلا انبار شده است و در حالی که فوج فوج مردم این کشور از گرسنگی می میرند اما دولت اجازه ورود آن را نمی دهد. چنانچه بر اساس گزارش نهادهای آمریکایی و رسانه یی تاکنون ۴۰۰ تن غذا و دارو تنها به بهای بیست میلیون دلار به کلمبیا و برزیل رسیده است که با درخواست گوایدو برای حرکت یک و نیم میلیون حامی خود برای شکستن سد ارتش برای وارد کردن این کمک ها در روز شنبه ۲۳ فوریه تنها چند هزار تن به منطقه مرزی «بولیوار – تاچیرا» در مرزهای مشترک با کلمبیا و برزیل رفته و با نیروهای ارتش درگیر شدند. این در حالی است که تنها در یک قلم ارسال کمک های انساندوستانه توسط روسیه و چین بیش از نهصد تن مواد غذایی و دارو بدون هیچ پوشش تبلیغاتی دو روز قبل از آن به ونزوئلا ارسال گردیده بود و حتی روس ها در دیدار با معاون رئیس جمهوری ونزوئلا قول ارسال سی هزار تن گندم، گوشت و دارو به این کشور را دادند. داستان کمک های انساندوستانه با کمک پروپاگاندای سیاسی و رسانه یی از این جهت جالب است که اصولا طبق کنوانسیون های بین المللی هرگونه کمک انساندوستانه یا باید به دولت قانونی کشور تحویل شود یا اینکه تحت مدیریت و نظارت سازمان ملل متحد در یک کشور یا منطقه بحرانی توزیع شود، اما واشینگتن اصرار دارد و می خواهد از طریق ارتش آمریکا این کمک ها به گوایدو و حامیان وی تحویل داده شود که ناقض ابتدایی ترین اصول حقوق بین الملل و نقض حق حاکمیت ملی یک کشور مستقل است.

از یک سو آمریکا با تشدید تحریم های فلج کننده اجازه ارسال پول و ثروت ملی ونزوئلا که بابت فروش نفت و ذخیره طلای این کشور در دیگر کشورهای خارجی می باشد، را نمی دهد و از سوی دیگر با ارسال مقادیر ناچیزی محموله کمکی برای تحویل به مخالفان قصد دارد مشروعیت دولت قانونی را نقض کند.

بدون تردید ونزوئلا در شرایط یک بحران اقتصادی بسیار حاد قرار دارد و در داخل کشور نیز اختلافات بین دولت مادورو و اپوزیسیون تشدید شده است اما حمایت از دمکراسی و حتی بروز انقلاب هم تابع یک اصول تعریف شده در مفاهیم سیاسی است که باید از داخل و معطوف به اراده مستقل مردم همان کشور انجام گیرد. اینکه در همین هفته جان بولتون به صراحت اعلان می کند سقوط دولت مادورو پیش زمینه سرنگونی دولت های نیکاراگوئه و کوبا می باشد جای تردیدی باقی نمی گذارد که بحران کنونی ونزوئلا فراتر از تحولات داخلی تابع یک پروژه دخالت خارجی می باشد. خوشبختانه بسیاری از کشورهایی که به تبعیت از آمریکا در این طرح مداخله گرایانه مشارکت کرده اند، امروز با روشن شدن زوایای پنهان آن و دیدن اراده واشینگتن و تمایل خوان گوایدو برای دخالت نظامی در ونزوئلا یک به یک مخالفت خود را با اقدام نظامی ابراز می کنند.

چنانچه «جوزف بورل» وزیر خارجه اسپانیا به خبرگزاری افه گفت «ما آشکارا هشدار داده‌ایم از هیچ گونه مداخله نظامی خارجی حمایت نمی‌کنیم، بلکه آن را به شدت محکوم خواهیم کرد و امیدواریم چنین اتفاقی رخ ندهد». در همان نشست گروه لیما در بوگوتا نیز اکثریت کشورهای عضو این گروه ضمن مخالفت با اقدام نظامی مورد درخواست گوایدو از حل مسالمت آمیز بحران حمایت کرده و حتی روز سه شنبه معاون رئیس جمهوری برزیل در یک پست توئیتری گفته است که «اجازه داده نمی شود از خاک برزیل به ونزوئلا حمله نظامی شود».

هیچ تردیدی وجود ندارد که بحران اخیر ونزوئلا وارد یک مرحله پیچیده شده است که تنها با گفت و گو بین دولت و مخالفان، همان گونه که روسای جمهوری مکزیک و اروگوئ

رضا علیجانی

سخنان دکتر سروش «علت» دارد یا «دلیل»؟

آقای دکتر سروش یکی از سرمایه های فرهنگی کشور ماست که از دهه هفتاد به بعد نقش مهمی در ایجاد گسست فرهنگی از مذهب سنتی در بخشی از جامعه ایران (به خصوص در بدنه حکومت) به سمت فهمی عقلانی و دموکراتیک از دین داشته است. این نقش قابل احترام و فراموش نشدنی است.

به موازات همین احترام و ارزش گذاری، نقد افکار و آراء ایشان به خصوص در عرصه هایی که خارج از حوزه اندیشگی ایشان است خود به بهبود و اصلاح این نقش یاری می رساند. هر چند داروی نقد معمولا طعمی تلخ دارد و محصول و برون دادی شهد و شیرین.

ایشان در بخشی از برنامه ای به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب سخنانی در رابطه با آقای خمینی مطرح کرده اند که برایم شگفت انگیز بود و آن را تنها می توانم در رابطه با علایق شخصی و عاطفی ایشان نسبت به آقای خمینی فهم کنم.

مشخص نیست سئوال از ایشان در اینکه اگر مجبور باشد بین خمینی و شاه یکی را انتخاب کند...، به چه مناسبت مطرح شده است، اما قاطعیت ایشان در پاسخ به ویژه پس از چهل سال و پاسخ دادن به پرسشی انضمامی به صورت انتزاعی و عدم توجه به واقعیات ملموس مورد مشاهده همگان، به شدت قابل تامل است. امروزه این نوع سئوالات عمدتا با حسن نیت ولی با برخوردی احساسی و در مواجهه ای در سطح با مسائل پیچیده و عمیق مطرح می شود. بنابراین باید هم در سطح و احساس و هم در عمق و ژرفا بدان پاسخ داد. پاسخی بیشتر انضمامی تا انتزاعی.

در همین ابتدا تصریح کنم که اگر بنده در برابر این پرسش قرار میگرفتم پاسخ کوتاه و آنی ام برعکس دکتر سروش این بود که قطعا شاه. تا پرسش کننده بداند که با او همدلی دارم و در سطح و افقی که به مسائل می نگرد شاه را برخمینی ترجیح می دهم. اما بلافاصله پس از این همدلی اولیه برای اینکه از سطح به عمق و از سادگی یک پرسش ذهنی و غیر تاریخی به ظرافت و پیچیدگی تاریخی و از یک بحث سیاسی مجرد و ذهنی به وادی عمل سیاسی قدم بگذارم می افزودم: اگر منظورت این است که از خمینی در مقابل شاه حمایت میکردم، نه بهیچوجه حمایت نمیکردم و دنبال خمینی هم نمی رفتم. اما اگر منظور این است که حکومت شاه را می پذیرفتم، نه نمی پذیرفتم و با دیکتاتوری او مبارزه می کردم.

اما عمیقا باور دارم که مقابله با استبداد غیر دینی راحت تر از مقابله با استبداد دینی است. دکتر سروش سه دلیل برای ترجیح آقای خمینی بر شاه آورده که هر سه نادرست است:

الف- سواد آقای خمینی (آن هم با این اغراق غیرتاریخی و غیر مستند که وی از زمان هخامنشیان تاکنون بر همه شاهان نه در ایران بلکه در سراسر جهان! برتر است؛ تعبیری که جز از علاقه و شیفتگی شخصی برنمی خیزد). ایشان به آشنایی خمینی با فقه و عرفان اشاره می کند. حتی اگر این ادعای ایشان را هم بپذیریم (که برخی آشنایان با علوم قدیمه حوزوی با آن چندان موافق نیستند)؛ این سواد چه ربطی به حکومت داری دارد؟ اینکه رهبر و رئیس حکومتی عارف باشد یا نباشد چه مزیتی است؟ اگر منظور فقه است که این دلیل با کل اندیشه و آراء دکتر سروش از جمله با مباحث ایشان در نقد فقه که در همین جلسه که در آن این نظر را داده اند، نمی خواند. آیا آشنایی با مباحث قصاص و دیات و طهارات ونجاست ترجیح و امتیازی برای حاکم و رهبر یک مملکت است؟ آیا اعتقاد به اینکه این احکام باید امروزه هم اجرا شود نقطه امتیاز است یا نقطه منفی و یا حتی خصیصه ای مخرب که باید شدیدا با آن مقابله کرد؟

عزیمت گاه آقای خمینی در لزوم اجرای فقه و شریعت در زمانه ما بسیار شبیه نقطه عزیمت داعش است. قبلا در مقالاتی این اشتراکات را آورده ام(اینجا). تنها تفاوت در آنجاست که داعش جغرافیای سیاسی دولت- ملتهای امروز را به رسمیت نمی شناسد و باب جهاد در فقه را هم می خواهد امروزه نیز اجرا کند و آقای خمینی از کنار این باب می گذرد.

اما در شلاق زدن و قطع ید و حجاب اجباری و ... شباهتها بسیار است. فکر نمی کنم نیازی به ذکر پیآمدهای مخرب فقه اندیشی حاکمان ایران و آنچه بر سر مردم و ایران امروز و آینده آن آمده به خصوص در نقد این سخنان دکتر سروش که خود یکی از ناقدان مهم و موثر همین حوزه اند، ضروری باشد.

عرفان به علاوه فقه محصولی جز فاشیسم ندارد(تعبیری که یکبار محسن مخملباف هم بکار برد). عرفان برای این فقیه چنان اعتماد به نفس و نگاه بالا به پایینی می آورد که هزاران نفر را می کشد و با دلی آرام به دیدار حق می رود! و وسواس یک فقیه سنتی غیرعارف حساس بر مال و جان و آبروی مردم را هم ندارد. ضمن آنکه مدرن بودن شاه و همان محدوده اطلاعاتی که در دوران جوانی دارد و در طول عمر بر تجربه حکومت داری و آشنایی اش با جهان جدید افزوده می شود(بدون نادیده گرفتن و تحریف یا توجیه دیکتاتوری اش؛ که سربازان گمنام آقای خمینی به تعبیر آقای منتظری روی او را در این باره سفید کردند)، ترجیحی روشن بر آقای خمینی با ذهن بسته و سنتی و ناآشنایش با جهان جدید دارد.

مقایسه حکومت شاه و جمهوری اسلامی بحث پردامنه و پرابعادی است، همان طور که اصلاح پذیر بودن یا نبودن حکومت شاه نیز نیز بحثی است که مستقلا می توان بدان پرداخت(به طور نمونه در این مقاله). در اینجا فقط مقایسه این دو شخص در سطح و افقی است که پرسشگر با دکتر سروش مطرح کرده است.

ب- پایگاه مردمی آقای خمینی

به چه دلیل داشتن پایگاه مردمی دلیلی برای پذیرفتن و ترجیح یکی بر دیگری است؟ در این صورت آیا نمی توان مثلا هیتلر و موسولینی را هم نسبت به خیلی از رهبران و حاکمان ستود؟ آیا شیفتگی و عشقی کور به فردی که با بلاهت تمام عکسش در ماه دیده می شود و افرادی حاضرند به فرمان او خود را بکشند و روی مین بروند و یا به مال و جان و آبروی دیگران یورش ببرند و حتی اسیران زندانی را قتل عام کنند، مزیتی برای یک رهبر است؟ آیا هر نوع پایگاه مردمی (آگاهانه یا ناآگاهانه)، با هر مضمونی(در جهتی انسان دوستانه و صلح آمیز مثل ماندلا یا با مضمون جزمی و دگرستیزانه مثل آقای خمینی) یک معیار برای برتری فردی بر دیگری است؟

پ-شجاعت آقای خمینی این درست است که شجاعت به صورت مجرد و در زندگی فردی و در مقایسه دو فرد در زندگی شخصی شان مزیتی اخلاقی است. اما آیا در زندگی اجتماعی نیز چنین است؟ آیا اگر کسی با شجاعت تمام کمربند انتحاری می بندد و دهها نفر را می کشد نسبت به کسی که می ترسد چنین کند ترجیح دارد و یا دلیلی بر حمایت از یکی در برابر دیگری است؟

شجاعت آقای خمینی به علاوه عرفان او وقتی در کنار خشک مغزی فقه اندیشانه و نادانی او نسبت به مدیریت در جهان جدید همراه با شخصیت مغرور و لجباز و کم تحمل وی قرار گرفت، فاجعه ای به بار آورد که نیازی به برشمردن اجزائش نیست.

ای کاش او سواد فقهی نداشت، ای کاش او طرفداری نداشت که کورکورانه اطاعتش کند و پیاده نظام او برای حذف دیگران شود و یا برایش آدم بکشد، ای کاش او شجاعتی نداشت که به راحتی تصمیم های بزرگ بلاهت آمیز و ویرانگر مانند مقابله با روسای کینه توز کشورهای همسایه و یا حذف دیگران (از همگنانش در سطح مرجعیت دینی تا منتقدان و مخالفان حکومتش) بگیرد و ایکاش او شجاعت و اعتماد به نفس ابراز نظر های قاطعانه و حکم از جانب خدا دادن در این همه عرصه هایی که هیچ شناختی از آن نداشت و حذف هر غیرخودی را که برنامه ای متفاوت برای اداره کشور داشت را نداشت و ده ها ایکاش دیگر...

ذکر این سه دلیل از زبان دکتر سروش که بسیاری از آثارش به خاطر ظرافت فکر و استحکام دلیل بر عقول و نفوس نشسته و راهگشایی کرده است بسیار شگفت انگیز است.

بر این اساس، با استفاده از واژگان خود دکتر سروش، می توان گفت این موضع ایشان بیشتر «علت» دارد تا «دلیل». آن علت به گمان من چیزی نیست جز ارادت و شیفتگی شخصی به آقای خمینی. به علاوه اینکه شاید ایشان به صورت ناخودآگاه در دفاع شگفت از آقای خمینی به نوعی از گذشته خویش در دوران آقای خمینی نیز همچنان و با سماجت دفاع می کند. هر دوی این نکات امری است که شاید در رابطه با مهندس موسوی عزیز محصور نیز مصداق دارد. این نقیصه و مشکل در برخی اصلاح طلبان از جریان اصلی و پیگیر آن هم قابل مشاهده است که قبلا در مقاله «بی نقد خمینی نتوان رهرو آزادی شد» بدان پرداخته ام (اینجا).

ای‌کاش دکتر سروش یکبار برای همیشه از نگاهی بیرونی و با فاصله با مسئله «انقلاب فرهنگی» برخورد می کرد و در ذهن وضمیر خویش آن دمل چرکین و بافت سرطانی را تحت شیمی درمانی نقد قرار می داد. به گمانم تکرار این خطاهای معلل تا مدلل از جمله از نتایج و محصولات همان آسیب پیشین است.

وقتی پرسشگری سئوالی می پرسد که به احتمال زیاد در ذهن وی سئوالی «پسینی» و امروزی با توجه به کارنامه حکومت بنا شده توسط آقای خمینی است و جناب دکتر سروش به شکلی مجرد و انتزاعی و احتمالا «پیشینی» بدان پاسخ می دهد، آیا جز این است که وی به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه دارد از گذشته ای که مورد عنایت آقای خمینی بوده و یا اراداتی به وی داشته و به فرمان او در جایی سمتی پذیرفته است و در واقع از خودش دفاع می کند و از نظرگاهی که در آن هنگام نسبت به شاه داشته و یا خصایصی که در آن دوران از خمینی در ذهن و روانش نشسته، سخن می گوید؟ آیا همانطور که دکتر سروش در افکار دینی آن زمانه اش تجدید نظر کرده نباید در قضاوتهای تاریخی اش، ولو خود نیز نقش و سمتی در آن میانه داشته، هم تجدید نظر کند؟

به عنوان یک عضو کوچک جریان نواندیشی دینی و از منظر دفاع از میراث این جریان ریشه دار تاریخی باید تاکید مجددی کنیم به بیانیه تحلیلی جمعی از آنان که به مناسبت چهلمین سال برپایی «جمهوری اسلامی ایران»، حکومت مبتنی بر ولایت فقیه را «تجربه‌ای سراسر شکست‌خورده» دانسته و خواهان «جدایی دین و دولت» شدند(اینجا). تجربه تاریخی هم به ما آموخته که هم تباهکاری های استبداد دینی بیشتر از استبداد غیردینی است و هم مقابله با استبداد غیردینی بس راحت تر از مقابله با استبداد دینی است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که علیرغم برخی نقدهایی این چنین، همچنان به دکتر سروش عزیز و نقش موثرو تاریخی ایشان در ایجاد شکاف و گسست فرهنگی در مذهب سنتی و بدنه حکومت از دهه هفتاد به بعد احترام می گذاریم و برایشان آرزوی طول عمر می کنیم.

قرارداد بحث انگیز بین جنبش صهیونیستی و آلمان نازی

هنگام به قدرت رسیدن آدولف هیتلر در ژانویه ۱۹۳۳، کارزار بایکوت بین المللی، آلمان را تهدید می کرد. قدرت حاکمه جدید برای جلوگیری از آن قراردادی با جنبش صهیونیستی امضا کرد. این پیمان تا آغاز جنگ جهانی دوم در ۱۹۳۹ دوام یافت. صهیونیسم تنها جنبش سیاسی یهودی بود که در آن دوره در آلمان مُجاز بود.

جنبش صهیونیستی از بدو تاسیس در پایان قرن نوزدهم در ضدیت با دو دشمن، یعنی یهودستیزی (آنتی سمیتیسم) و همسان شدن ایجاد شد. در دراز مدت، همسانی [درکشور محل زندگی] خطرناک تر حساب می شد، زیرا از طریق کنارگذاشتن یهودیت، ازدواج های مختلط و احتمالا گرویدن [به دین های دیگر]، به ناپدیدشدن تدریجی هویت یهودی منجر می شد. البته، آن گاه که صحبت از رفتارهای خشونت بار نظیر پوگروم های وحشتناک امپراتوری روسیه در میان بود، یهودی ستیزی منفور بود، اما در مواردی که به ابراز عقیده یا تبعیض محدود بود، به صورت متناقضی امکان داشت صهیونیسم آن را مثبت ارزیابی کند، زیرا موجب می شد که یهودیان مورد نظر را در هویت خاص شان حفظ کند.

قاطی شدن

مناسبات نخستین رهبران جنبش صهیونیستی با یهودستیزان شناخته شده، دست کم در اروپا عمدتا خوب بود. تئودور هرتصل (۱) در پاریس با یهودستیزان مشهور رفت و آمد می کرد، در حالی که حییم وایزمن (۲) مرتبا روی یهودستیزی بازی می کرد. بدین ترتیب که در نخستین ملاقاتش با لرد بالفور در دسامبر ۱۹۱۴ (پیش از آن که بالفور وارد دولت بریتانیا شود)، او اعلام می کند که با بسیاری از دیدگاه های یهودستیزان آلمان موافق است: تراژدی این است که یهودیان آلمانی دست از یهودیت می کشند بدون آن که آلمانی ها ، آنان را آلمانی واقعی بدانند. او در طول همه فعالیت سیاسی اش از جمله در سال های دهه ۱۹۲۰، از جنبه های ویرانگر یهودیت یاد می کند و معتقد است فقط صهیونیسم می تواند آن را به راه درست بکشاند.

در دهه های نخست قیمومت بریتانیا بر فلسطین، پایه گذاران «کانون ملی یهود» با دشواری های تقریبا غیرقابل حلی روبرو می شوند. مهاجرت یهودیان [به فلسطین] مشروط به داشتن امکانات مالی است که میزان آن ناکافی ست. آن ها با شرایطی که بتوانند دولت شان را در این سرزمین ایجاد کنند، بسیار فاصله دارند. در سال ۱۹۲۹، ایجاد آژانش یهودی که به طرح یهودیان غیرصهیونیست پیوست، موجب امیدواری به بهبود اوضاع مالی شد، اما بحران جهانی موجب کاهش کمک های مالی یهودیان پراکنده در جهان گردید.

امروز، پرداختن به مسئله یهودیان آلمانی بدون اندیشیدن به قتل عام جنگ جهانی دوم دشوار است. درست است که آنان با شکل های یهودستیزی کم و بیش آشکار و با تبعیضات واقعی در بخش دولتی مواجه بودند، اما با این حال آلمان هنوز دولتی قانونمند بود. آن ها به ویژه در میان پیشه وران مستقل ومحافل آفرینش فرهنگی حضور داشتند. آن چه به مسئله همسان شدن در جامعه آلمان مربوط است، در سال های پیش از ۱۹۳۳، میزان ازدواج مختلط با همسران غیریهودی بیشتر از ۳۳ درصد بود، که چندمرتبه بیشتر از یهودیان «جمهوری‌خواه» فرانسه در همان دوره است. این امر به علاوه ی زادووَلد کم، توضیحی ست بر عدم رشد جمعیت یهودیان در مقایسه با دهه های آخرقرن نوزدهم (که در حدود ۵۰۰ هزار نفر بود). ورود یهودیان موسوم به «خارجی» تاحدی این رکود جمعیتی را جبران کرد، ولی در آن صورت، نگران ناپدیدی جمعیت یهودی در اثر جذب در جامعه بودند. حوالی سال ۱۹۳۰، تقریبا چهل هزار یهودی به مسیحیت گرویده بودند و صدهزار نفر «خارجی» وجود داشت.

از چند ده سال پیش، نهادهای اجتماعی به روش های گوناگون با یهودستیزی مبارزه می کنند، در حالی که صهیونیسم که بسیار در اقلیت بوده، با تمرکز عمده ی فعالیت خود بر مهاجرت به سوی فلسطین در این زمینه شرکت نکرد، که البته نتیجه نسبتا ناچیزی به دست آورد (بین سال ۱۹۲۰ و ۱۹۳۲، ۴۲ هزار یهودی آلمان را ترک کردند که فقط سه هزار نفر از آنان به فلسطین رفتند).

به قدرت رسیدن هیتلر

به قدرت رسیدن نازی ها در آلمان در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳، دنیائی را که بحران جهانی تکان داده بود، لرزاند. نخستین عملیات ترور رژیم جدید آلمان در درجه نخست نه یهودیان، بلکه کمونیست ها را نشانه گرفت. اولین اردوگاه های مرگ را برای آن ها باز کردند. خشونت های ضدیهودی در مارس ۱۹۳۳ آغاز شد. سپس، اعتراض های بین المللی بهانه ای شد برای تحریم تجارت با یهودیان. روشنفکران یهودی به روشنفکران چپ در تبعید پیوستند.

بلافاصله، مسئله واکنش بین المللی مطرح شد. رهبران یهودیان آلمانی از جمله صهیونیست ها از مسئولان یهودی خارج [از آلمان] تقاضا کردند که به عملیات مخالف آلمان اقدام نکنند، زیرا که اوضاع یهودیان آلمانی را وخیم تر خواهد کرد. رفتار رهبران کانون ملی مشابه آن بود و تلگرامی به صدراعظم رایش فرستادند و در آن تاکید کردند که هیچ نهاد صهیونیستی به بایکوت بازرگانی آلمان فرانخوانده است. با این همه، این فراخوان ها جلو تظاهرات اعتراضی در جهان را نگرفت، که اغلب آن ها را مبارزان قدیمی یهودی برگزار کرده بودند، در حالی که بایکوت اهل کسبه یهودی در آلمان خیلی زود با شکست مواجه شد. باوجود این، یهودیان را از بخش دولتی و دادگستری و حرفه های زیادی اخراج کردند. بسیاری از آن ها، توهم داشتند که این وضع دیری نمی پاید و بحرانی ست موقتی و بزودی همه چیز عادی خواهد شد. برخی، مثل صهیونیست ها درصدد ایجاد سازش بین «ملت» های جدا از هم افتادند. به هرحال، آن ها معتقد بودند که ازدواج های مختلط بسیار خطرناک تر از آزارهای روزمره است.

بایکوت یا انتقال

نخستین تصمیمات ضدیهودی با واکنش شدید بین المللی مواجه شد. راست صهیونیستی موسوم به «تجدیدنظرطلب»، خصوصا علیه کارهای نازی ها مبارزه می کردند، در حالی که شخصیت های برجسته کشورهای غربی خواهان ایجاد تنش نبودند. آن ها در انتظار بودند که حکومت های آنان واکنش دیپلماتیک نشان دهند.

جنبش بایکوت محصولات آلمان را بیشتر « پائینی ها» دنبال می کردند. برای نازی ها، این کارزار بازگوی تحریم وحشتناک جنگ جهانی اول بوده و در تصورات خود، آن را بخشی از توطئه های یک قدرت جهانی یهودی فرض می کردند. در دورانی که کاهش ارزش دلار، بیش از پیش باعث کاهش مبادله ی جهانی می شد ، بحران ارزی به ویژه به آلمان ضربه می زد که به طرز شدیدی به ایالات متحده مقروض بود. سقوط اعتباری آلمان دیگر امکان نمی داد که وام جدیدی بگیرد تا بتواند بدهی های سابق را پرداخت کند. در تابستان ۱۹۳۳، ذخیره های ارزی فقط برای یک ماه واردات کفایت می کرد، آن هم در شرایطی که رژیم نازی نپذیرفت که از سیاست کاهش ارزش پول بریتانیا و ایالات متحده دنباله روی کند. علاوه بر این، آلمان پرداخت قرض های خود به خارج را متوقف کرد و سپس به طور ناقص از سر گرفت. واردات در آنزمان برای چرخش ماشین اقتصادی آلمان حیاتی بود: کشاورزی قادر به تامین نیازهای مواد غذائی اهالی نبوده و صنعت به مواد معدنی آهن نیاز داشته و حمل و نقل به نفت و لاتکس وارداتی نیازمند است.

یکی از راه حل های موجود، صرف نظر از پول و استفاده از روش پایاپای برای مبادله کالاهای وارداتی با کالاهای صادراتی است. این کار به تعادل بین واردات و صادرات وابسته است و در سال های دهه ۱۹۳۰ بسیار رایج بود.

مسلم است که جنبش بایکوت بهار ۱۹۳۳ به بعد، بر صادرات آلمان تاثیر سوء گذاشت، به ویژه که این صادرات به خاطر کاهش ارزش پول کشورهای رقیب و کاهش تقاضای جهانی آسیب دیده بود. در چنین وضعیتی، یک بازرگان گستاخ به نام سام کهن در همان سال ۱۹۳۳ پیشنهاد قرارداد انتقال ِرا داد: یهودیانی که مایل به مهاجرت به فلسطین هستند، می توانند اموال خود در آلمان را در آن کشور امانت گذاشته و در مقابل کالاهای آلمانی دریافت کنند. در این صورت، آن ها ویزای موسوم به «سرمایه داری» دریافت می کنند که به واردات سرمایه ای به میزان حداقل هزار لیره استرلینگ مشروط بود. پس از یک سری رویدادهای غیرمترقبه، مقامات آژانس یهود به طرح او پیوستند. این پیمان در اوت ۱۹۳۳ بسته شد. قرار شد که جنبش صهیونیستی از تمام نیروی خود برای پایان دادن به بایکوت استفاده کند. در عمل نیز چنین شد. معامله های پایاپای بسیار تقریبی و نادقیق بوده و مهاجران بخشی از سرمایه خود را از دست دادند و بتدریج که به سال ۱۹۳۹ نزدیک می شدند، این ضرر بیشتر هم شد.

تنها جنبش یهودی مجاز

تردیدی نیست که همسوئی منافع بین جنبش صهیونیستی که در جستجوی سرمایه و مهاجر بود (مجموع این دو الزامی بود) و نازیسم وجود داشت که می خواست آلمان بدون یهودیان باشد. این بُعد مسئله توضیح می دهد که چرا پیمان انتقال تا آغاز جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹ کاملا کار کرد. قرارداد پایاپای در مجموعهء اقتصاد فلسطین، یهودی و عرب به اجرا در آمد. آلمان واردکننده عمدهء مرکبات فلسطین در مقابل عرضهء کالاهای آلمانی شد.

بدین صورت، در طول این دوران، رابطه ی کاری بین صهیونیست ها و نازی ها برقرار بود. صهیونیسم، تنها جنبش یهودی مجاز در آلمان نازی بود. مهاجرت موسوم به «سرمایه داری» از طریق حرکت اقتصادی ترغیب امکان داد تا ویزاهائی دریافت شود که به قابلیت جذب مشروط بود که به ویژه یهودیان لهستانی از آن برخوردار شدند. فکر نجاتِ مردم در خطر مرگ ، در آخرین لحظه، توهمی مربوط به گذشته است. تیرگی اوضاع فلسطین از تابستان ۱۹۳۶ موجب کاهش شدید مهاجرت شد، اما جنبش صهیونیستی قاطعانهَ با انعقاد پیمان مشابهی برای انتقال یهودیان در کشورهای دیگر مخالفت کرد. از نگاه مسئولان صهیونیست، مهاجرت می بایست بیست سالی به طول کشد. در حدود ۵۳ هزار یهودی آلمانی به فلسطین مهاجرت کردند که اکثریت شان را جوانان تشکیل می دادند؛ ۱۴۰ هزار نفر از آنان در نسل کشی (شوآ) جان دادند، یعنی دست کم ۳۰۰ هزار نفر توانستند از راه های دیگر جان خود را نجات دهند.

مجادله ی تمام نشدنی

برای گنجاندن مجدد قرارداد انتقال در وضعیت تاریخی آن،باید به یاد داشت که خشونت سیاسی در آن دوران در آلمان امری دائمی بود. احتمالا، در عملیات سیاسی بین سال های ۱۹۱۸ و ۱۹۳۲ تعداد بیشتری کشته شدند تا در دورهء ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸. رژیم نازی هر قدر هم که نفرت انگیز باشد، تا آغاز جنگ جهانی دوم «فقط» چندهزار قربانی به جا گذاشت، در حالی که در همان زمان قربانیان استالینیسم به میلیون ها تَن می رسید. گسیختگی سال ۱۹۳۳ برای معاصران آن پر اهمیت تر بود تا برای ما.

تلاش های مصالحهء صهیونیسم با نازیسم از همان قماشی بود که توافق های کلیسای کاتولیک، که کنکوردا نامیده می شود [قراردادبین یک دولت و واتیکان] و یا سیاست های مسالمت جویانه دموکراسی ها. بحث بر روی بایکوت، دو عنصر اساسی را مخلوط می کند. بایکوت فی نفسه نمی توانست مانع از رونق اقتصاد داخلی آلمان شود، که از سال ۱۹۳۲ شروع شده بود و سپس جای آن را سیاست تسلیحاتی اغراق آمیز گرفت. این، نظریهء عمومی مدافعان قرارداد در تاریخ نگاری کنونی است. این دیدگاه مسئله ارزی را در نظر نمی گیرد. در طول تابستان ۱۹۳۴، میزان واردات آلمان فقط تکاپوی نیازهای یک هفته کشور را می داد : یک جنبش بایکوت در آمریکای شمالی و اروپا که احتمالا مورد حمایت سندیکاها نیز بود، برای اقتصاد آلمان مخاطره ی بزرگتری به حساب می آمد. در تفکر خلاف واقعیت نمی توان دورتر از این رفت.

باید افزود که در همان زمان، محافل رهبری صهیونیستی همچنین از انتقال دست کم بخشی از اهالی عرب به خارج از فلَسطینَ سخن می راندند. در لحظه هائی که یک مکتب به اصطلاح تاریخی از مناسبات بین نازیسم و ناسیونالیسم عرب صحبت می کند، که در سال های دهه ۱۹۳۰عملا وجود نداشت، شایسته است که یادآوری شود که این، جنبش صهیونیستی بود که با نازی ها رابطهء کاری داشت، از جمله با اس اس ها. در این جا قصد تشبیه یکی به آن دیگری را نداریم، بلکه هدف، قراردادن هر کدام در چارچوب تاریخی آن ها است.

۱- نیامین زئب (تئودور) هرتسل (۱۸۶۰ - ۱۹۰۴) روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و نویسنده یهودی‌الاصل اتریشی که جنبش سیاسی صهیونیسم را پایه نهاد

۲- حییم عزرائیل وایزمن ، شیمی‌دان، رئیس سازمان جهانی صهیونیسم، کاشف استون، استاد دانشگاه و اولین رئیس‌جمهور اسرائیلَ بود.

کانون نویسندگان ایران:

سی سال پیش؛ گزارش اهل قلم

زمستان سی سال پیش (دی ۱۳۶۷) جمعی از نویسندگان تصمیم گرفتند برای بزرگداشت نیما یوشیج مجلسی برگزار کنند. وزارت ارشاد با واگذاری محلی برای مراسم موافقت کرد به این شرط که: «یک ردیف بلیط به وزارت ارشاد اختصاص دهند هوشنگ گلشیری که نماینده‌ی نویسندگان برای مراجعه به ارشاد بود، شرط را به میان جمع بازآورد و البته مخالف بسیار بود «از جمله احمد شاملو که با طنز ویژه‌ی خود گفت: ...

زمستان سی سال پیش (دی ۱۳۶۷) جمعی از نویسندگان تصمیم گرفتند برای بزرگداشت نیما یوشیج مجلسی برگزار کنند. وزارت ارشاد با واگذاری محلی برای مراسم موافقت کرد به این شرط که: «یک ردیف بلیط به وزارت ارشاد اختصاص دهند هوشنگ گلشیری که نماینده‌ی نویسندگان برای مراجعه به ارشاد بود، شرط را به میان جمع بازآورد و البته مخالف بسیار بود «از جمله احمد شاملو که با طنز ویژه‌ی خود گفت: پیشنهاد می‌کنم به شکرانه‌ی فضای باز سیاسی، دسته‌جمعی برویم جلوی سن و خودکشی کنیم. به این ترتیب فاتحه‌ی برنامه‌ی بزرگداشت خوانده شد». جمع نویسندگان تصمیم گرفت متن تهیه شده برای افتتاحیه‌ی برنامه‌ی نیما را با اندکی ویرایش به عنوان گزارش اهل قلم (به مناسبت فصل تولد و درگذشت بزرگان ادب معاصر ایران) منتشر کند. گلشیری در این باره گفته است: «. . . تحریر اولش را شاملو نوشته بود . . . با عنوان گزارش به اهل قلم که امضا شد اما به دلایلی منتشر نشد. در آخرین مرحله که قرار شد نسخه‌ی اصلی به امضای چند تن از نویسندگان غیر حاضر. . . برسد، گم شد. . . » (نقل قول‌ها و متن گزارش اهل قلم از کتاب پنجاه سال کانون نویسندگان ایران گرفته شده است).

گزارش اهل قلم

(به مناسبت فصل تولد و درگذشت بزرگان ادب معاصر ایران)

پنداری سرگذشت فردوسی‌ها و ابن‌سیناها و بیرونی‌ها و عین‌القضات‌ها و سهروردی‌ها سرنوشت مقدر اصحاب اندیشه و قلم این سرزمین است. در همین قرن حاضر، دهخدا و نیما و هدایت که روزهای تولد یا درگذشت‌شان در این یکی دو یا سه ماهه می‌گذرد - برای نشر آثار و افکار خود با مشکلات بدوی «روا» و «ناروا» رو در رو بودند و نظام حاکم می‌کوشید آنان را از حیات ادبی جامعه و از متن فرهنگ کشور بروبد و امروز... پس از شصت هفتاد سال، ادامه‌دهندگان راه آن‌ها هنوز در ابعادی باورنکردنی دچار و در پی چاره‌جویی همان مسایل و معضلات‌اند.

به اعتقاد ما، فرهنگ کلیت یک‌پارچه‌ای است که اگر پذیرفته باشیم شکوفایی آن در رأس مسئولیت‌ها است، می‌باید به دو خصیصه اصلی آزادی و تنوع آن گردن نهاد. چرا که اندیشه و فرهنگ امری یک‌سویه و تک‌ساحتی نیست؛ جویی نیست که هدایت میرابی را طلب کند. بارش بی‌دریغی است که سراسر دشت میدان عمل اوست تا جایی چشمه‌ای شود، جایی آب چاهی را تأمین کند، جایی مرتعی پدید آورد، جایی باغی و جایی بستانی و حتی آن‌جا که خاک را استعدادی نیست خارزاری تا سفره‌ی محقر کولیان نیز از شامی بی‌نصیب نماند.

بنابراین، حذف بخش‌ها و حتی بخش کوچکی از فرهنگ نه به سود جامعه ماست، نه شایسته تاریخ سربلند این سرزمین که چراغ دانش و بینش فرزانه‌گان‌اش هنوز به رغم آن همه بیداد که در گذرگاه قرون و اعصار بر ایشان رفته است، روشنی‌بخش رخسار پرغرور فرهنگ جهانی است. تنوع فرهنگ از تجربه‌های گوناگون اصیل نسل‌های پیشین مایه می‌گیرد، با تجربه‌های معاصر پربار می‌شود و در آمیزش با فرهنگ جهانی گسترش می‌یابد. از این رو محدودیت‌های مرزی و قومی و عقیدتی، تفکیک فرهنگ پویای جهانی به بهانه «خودی» و «بیگانه» بودن آفرینندگان و پژوهندگان، تقسیم این کلیت بهَ اجزاء «مجاز» و «ممنوع» راه به جایی نمی‌برد و جز وقفه‌های اجباراً کوتاهی در انتقال آن به جامعه، نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد. چرا که اصحاب اندیشه و فرهنگ به هر حال و در هر تنگنایی راه خود را می‌پویند و اندیشه خود را دنبال می‌کنند و آن که از سیاست‌هایی چنین خسران‌بار زیان می‌بیند کل جامعه است. پویایی در طبیعت فرهنگ است، جامعه‌ای که فرهنگ‌اش از پویه باز ماند، آن‌هم در زمان‌هایی که شتاب‌آهنگی صفت مشخص آن است، آینده‌ای نخواهد داشت و پویایی جز با تنوع‌پذیری و همگانی‌شدن فرهنگ صورت نمی‌بندد و این امری است که خود جز با برخورد اندیشه‌ها و افکار از طریق تحمل آزادمنشانه عقاید و آراء دیگران امکان‌پذیر نیست.

در این راستا، بزرگداشت نخبگانی چون حافظ و فردوسی اگر با حرمت‌گذاری هنرمندانی چون نیما یوشیج، صادق هدایت، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، غلامحسین ساعدی و... همراه نباشد، ناسپاسی در حق فرهنگ معاصر است. پس ما بی‌این‌که تلاش برای گرامی‌داشت آن بزرگان را ارج نگذاریم، آشناتر کردن مردم با بزرگان فرهنگ معاصر را در اولویت قرار می‌دهیم. قرن‌هاست که کتاب فردوسی و حافظ بر طاقچه هر خانه و در خورجین هر صحرانشینی است، اما آنان که زمانه به شناخت‌شان نیاز داشت فرهنگ‌سازان معاصرند، فی‌المثل نیما که ممانعت از نشر آثارش بیست سالی حرکت شعر امروز را در قلمروهای زبان فارسی به تأخیر افکند و اکنون نیز سال‌هاست که دی‌ماه از پس دی‌ماه می‌گذرد و نام و اثرش چنان که شایسته است در رسانه‌ها و عرصه‌های فرهنگی و آموزشی بازتاب نمی‌یابد؛ سهل است که گاه و بی‌گاه آماج دشنام‌ها و بی‌فرهنگی‌ها نیز بوده و هست.

ما با درک چنین مسئولیتی، به‌ویژه در برابر نسل جوان و نسل‌های آینده، نسبت به روند حذفی فرهنگ معاصر هشدار می‌دهیم و همینَ جا می‌افزاییم که نویسندگان و شاعران و پژوهش‌گران و اندیشمندان ما در این سال‌ها لحظه‌ای دست روی دست نگذاشته‌اند و به جرأت می‌توان گفت که امضاءکنندگان همین گزارش مجموعه‌های بسیاری، بالغ بر هزاران صفحه، نوشته آماده چاپ دارند. اما نشر فرهنگ معاصر، هر بار در شرایط مختلف به دلایل متعدد گرفتار محدودیت‌های فزاینده‌ای شده است که، در نهایت، جامعه را از ارتباط با افکار و آثار، و افکار و آثار را از برخورد سازنده با اهل نظر بازداشته و احتمالا نویسندگان و سرایندگان را در مظان کاهلی و نشناختن مسئولیت قرار می‌دهد. حال آن که ما هنوز دچار بدیهی‌ترین پیش شرط مشکل خود، یعنی کاغذ، هستیم.

کاغذ اساسی‌ترین عنصر رسانه کتبی و مهم‌ترین ابزار فرهنگ‌رسانی در سطح ملی و جهانی است. اما به سبب محدودیت شدید عرضه کاغذ در این سال‌ها به فرهنگ‌سازان معاصر، مخاطبان اصلی شعر و داستان و نمایشنامه و تاریخ و نقد ادبی و پژوهش‌های علمی و فنی و ترجمه آثار برگزیده جهان، و خوانندگان مطبوعات آزاد که نشر عظیمی از باسوادان مملکت را در بر می‌گیرد، از دست‌یابی به این آثار محروم مانده‌اند و ارتباط مردم با نویسندگان و نواندیشان و پژوهندگان علمی و آموزشی به حداقل ممکن کاهش یافته است.

تصریح می‌شود که کمبود کاغذ ربطی به شرایط اقتصادی کشور ندارد. وجود کاغذ به فراوانی در بازار سیاه، نشانه غیرقابل انکار این حقیقت است. چیزی که هست، گرانی باورنکردنی آن بهای هر ورق به بیش از سه قرص نان! سبب می‌شود تا بهای کتابی که چند سال پیش از این به ده تومان عرضه می‌شد، اکنون از یکصد و پنجاه تومان برگذرد و طبعا خوانندگان کم‌بضاعت را از آن محروم کند.

ما معتقدیم کاغذ نیز مانند هر کالای ضرور دیگر سیاست‌های توزیعی ویژه‌ای، از جمله سوبسید و حذف مالیات، را می‌طلبد. اما متأسفانه باید گفت هیچ اقدامی برای رفع جدی این مشکل صورت نمی‌پذیرد و با در نظر گرفتن این واقعیت که تسهیلات چاپ و نشر فقط

Mansour's BBQ
کبابی عمو منصور
در مریلندز
نان داغ کباب داغ
دل، جگر و قلوه
خوش گوشت و خوئک
کبابی و خورشتی
ساعات کاری کبابی عمو منصور
سه شنبه تا پنجشنبه، ناهار از ساعت ۱۱ صبح تا ۲۲
جمعه، شنبه و یکشنبه از ساعت ۱۱ تا ۲۳
0469 186 696
0403 660 455
124A Merrylands Rd, Merrylands

VATAN RESTAURANT
Traditional Persian Cusine & Grill
رستوران وطن
در اوبورن هفت روز هفته
با مدیریت جدید و قیمتهای استثنایی
و مجموعه ای از خوراکهای متنوع ایرانی
چلوکباب مخصوص وطن ۲۰ دلار
چلوکباب سلطانی ۱۷ دلار
چلوکباب برگ ۱۴ دلار
چلوکباب کوبیده ۱۰ دلار
چلوخورشت قیمه ۱۰ دلار
چلوخورشت قورمه سبزی ۱۰ دلار
کله پاچه هفت روز هفته از ساعت ۸ صبح
9749 5258
No: 64 Auburn Rd, Auburn NSW 2144

Shiraz Supermarket in Adelaide
ادلید
سوپرمارکت شیراز در ادلید افتتاح شد
سوپرمارکت شیراز در ادلید
عرضه کننده خواروبار و کلیه مواد غذایی مورد نیاز با کیفیت برتر

ساعات کار: دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه ها از ساعت ۹ صبح تا ۷ شب
پنجشنبه از ۹ صبح تا ۹ شب | شنبه از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر | یکشنبه از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر
Ph: 0430 400 409
Shop 4&5, 1520 Main South Road, Sturt, S.A 5047

تغذیه و سلامت

فواید شگفت‌انگیز هندوانه

هندوانه (نام علمی : Citrullus lanatus ، انگلیسی : Watermelon ، دری: تربوز ، رومی: بطیخ هندی ، عربی: دُلاع) نوعی بوته و میوه از دسته صیفی جات است که در جالیز رشد می‌کند. زادگاه اصلی هندوانه، هندوستان است به همین خاطر، وجه تسمیه ی آن (هند وانه) به معنای میوه هند معروف شده است. در گذشته به این میوه تربوزه گفته که هم اکنون در افغانستان و تاجیکستان به هندوانه تربوزه گفته می‌شود. نام کامل تر این میوه "خربزه هندوانه" می باشد. هندوانه گیاهی است یکساله و یک پایه ساقه آن خزنده و پیچک دارد و برگهای آن پهن با بریدگی های عمیق می باشد . گلهای آن کوچک و زردرنگ است . میوه آن رگدار یا دراز، پوست آن سبز رنگ و داخل آن قرمز می باشد.

هندوانه پس از آمدن به ایران به عربستان راه یافت و از آنجا به اندلس رسید و از اندلس به نواحی دیگر اروپا منتقل شده و هم اکنون در بیشتر مناطق دنیا کاشته می شود. هم اکنون هندوانه در شهرهای شمالی ایران وشهرستان زابل درسیستان وبلوچستان و شهرهای استان خوزستان و کرمان و در استان فارس شهرستان اقلید به صورت وسیع کاشت می شود. این میوه دارای رنگ هایی چون زردعسلی، زرد نباتی و سرخ که ممکن است دارای تخم هایی به رنگ سیاه، سرخ یا ابلق باشد؛ البته تنها صفاتی از قبیل رسیده بودن، شیرینی، شکنندگی و بی ریشه بودن مهم است. زیرا این صفات نشان دهنده کمال رشد ترکیبات هندوانه است. به طور کلی مهم است که میوه هنگامی که به بوته اش وصل است، پخته و کامل شود. زیرا تنها در این صورت به خواص اصلی خود دست می یابد.

هندوانه مثل سایر گیاهان خانواده کدوییان، نسبت به یخبندان حساس است و برای رشد و نمو احتیاج به روزهای گرم آفتابی دارد. مناسب ترین خاک برای هندوانه، خاک های سبک حاصلخیز است و برداشت محصول، زمانی صورت می گیرد که هندوانه رسیده باشد، لذا می توان پژمرده شدن پیچک مجاور دم میوه را در نظر گرفت. قسمت های مورد استفاده هندوانه، گوشت، تخم و پوست آن است. هندوانه به صورت خام و مرباخورده می شود و تخم آن را خام یا بوداده، به عنوان آجیل مصرف می کنند.

خواص هندوانه و سلامت پوست

هندوانه سرشار از خواص ویتامین C و A است و این بدین معنی است که خوردن ۲ تا ۳ تکه از هندوانه در روز می‌تواند برای پوست شما یک معجزه محسوب شود. دیگر خاصیت خوردن مرتب این میوه این است که زخم و آسیب‌های پوست را سریع تر درمان می‌کند چرا که دارای آمینو اسید است.

خواص هندوانه برای بیماری های قلبی و سرطان

هندوانه حاوی ماده‌ای به نام لیکوپن است، و آن آنتی اکسیدی است که به جلوگیری از بیماری های قلبی و سرطان کمک می‌کند. البته باید در نظر داشت که این خاصیت یک شبه انجام نمی‌شود و باید مداومت داشته باشد.

فواید هندوانه برای حفاظت در برابر اشعه UV

به دلیل این که هندوانه حاوی آب لازم ، فیبر همراه با رادیکال های آزاد نظیر لیکوپن است ، پوست حدود ۴۰٪ کمتر اشعه های UV را جذب کرده و برای مدت طولانی تری شفاف و درخشان می ماند. بنابراین حتما این میوه جادویی را هر روز بخورید.

خاصیت هندوانه برای سیستم گوارشی

آیا تا به حال شنیدید که دانه های هندوانه را می‌توانید خرد کرده تفت داده و مانند بادام زمینی مصرف کنید و یا حتی آن ها را در آب بجوشانید و مانند چای مصرف کنید؟ می توانید برای کاهش کرم از سیستم گوارشی خود از دانه های هندوانه کمک بگیرید.

خواص هندوانه برای سنگ کلیه

خواص مفید در خوردن مرتب هندوانه برای کسانی که دچار بیماری سنگ کلیه بوده و یا کسانی که اغلب بیمار می‌شوند بسیار زیاد است. به دلیل آن که هندوانه حاوی مقدار زیادی آب است ، به سختی تمایل به ایجاد سنگ کلیه دارد.

نگاهی به خواص هندوانه

– هندوانه بدن را تازه شاداب می کند
– هندوانه برای اشخاص گرم مزاج بسیار خوب است
– آب هندوانه مخلوط با سکنجبین علاج کننده یرقان و دفع کننده سنگ کلیه است
– برای خنک کردن بدن در روزهـای گرم تابستان هندوانه را با شکر بخورید
– برای برطرف کردن تب و اخلاط بدن هندوانه را با شیر خشت بخورید
– برای رفع خارش بدن هندوانه را با تمبر هندی بخورید
– جالب است بدانید که هندوانه تنها میوه‌ای است که نسبت به میوه‌ها و سبزی جات دیگر دارای مقدار بیشتری بتاکاروتن است.
هندوانه میوه ای است که حاوی میزان بالایی الکترولیت سدیم و پتاسیم است که آن را از طریق عرق دفع می‌کنیم.
– هندوانه همچنین سرشار از ویتامین‌های B است که برای تولید انرژی حیاتی هستند
– متخصصین تغذیه توصیه می‌کنند که هندوانه منبع بسیار خوبی از ویتامین B۶، B۱ و منیزیم است
– این میوه بخاطر میزان بالای آبی که در خود دارد که تقریباً درصد آن را می گیرد و ارزش کالری آن، جزء باارزش‌ترین میوه‌ها دسته بندی می‌شود.
– هندوانه معده را تقویت می کند.
– هندوانه خاصیت خنک‌کنندگی خاصی دارد و به طرز شگرفی سرشار از سیترولین بوده که آمینو اسیدی است که بدنمان برای ساخت یک آمینواسید دیگر، آرژنین، که در چرخه اوره برای از بین بردن آمونیاک استفاده می‌شود، مصرف می‌کند.
– هندوانه منبع خوبی از تیامین، پتاسیم و منیزیم است که از بدن در برابر بیماری‌های مختلفی محافظت می‌کنند.
– آنتی‌اکسیدان‌ها به کاهش شدت آسم کمک می‌کنند
- همچنین خطر سرطان روده، آسم، بیماری قلبی، آرتروز هماتوئید و سرطان پروستات را کاهش می‌دهد.
– پوست سفید داخل هندوانه برای زخم گلو و دهان بسیار موثر است.
– هندوانه بدن را تازه و شاداب می کند.
– هندوانه نرم کننده، ادرارآور و زیاد کننده عرق است، لذا پس از مصرف هندوانه سموم بدن از سه طرف (ادرار، مدفوع، عرق دفع می شوند و به زودی شادابی و طراوت مخصوصی به انسان دست می دهد.
– خوردن هندوانه ده ها برابر بیشتر از سبزی جات و گوشت مفید است.
۹۲ درصد هندوانه آب است و باقی کمی مواد زلال و روغنی است. میزان قند هندوانه ۸ درصد و سرشار از ویتامین های آ و ث است. حتی هندوانه برای معالجه بیماری های کلیه نقرس و بواسیر نیز موثر است.
– یک لیوان هندوانه ۲۰ درصد نیاز روزانه به ویتامین C و ۱۴ در صد نیاز روزانه به ویتامین A را تامین می کند.
– هندوانه از لحاظ ویتامین های گروه B نیز که برای تولید انرژی لازم هستند، غنی است و منبع خوبی از ویتامین های B۱، B۶، B۵ (اسید پانتوتنیک)، بیوتین (یک نوع ویتامین B) و نیز منیزیوم، پتاسیم و فیبر غذایی است. پس می توان گفت که دارای ارزش غذایی بالایی است.
– دربرابر زوال ماکولا هم محافظ خوبی محسوب می‌شود.
– هندوانه مدر است و به پائین آوردن فشار خون کمک می کند.
– آب هندوانه مخلوط با سکنجبین علاج کننده یرقان و دفع کننده سنگ کلیه است.
هندوانه از نظر طب قدیم ایران سرد و تر است . گرما را برطرف می کند و بهترین میوه تابستان است.
– هندوانه مدر است و به پائین آوردن فشار خون کمک می کند
– هندوانه معده را تقویت می کند
– پوست سفید داخل هندوانه برای زخم گلو و دهان بسیار موثر است
– مغز تخمه هندوانه کرم های معده و روده را از بین می برد
– هندوانه برای ورم مثانه مفید است
– مغز تخمه هندوانه کرم های معده و روده را از بین می برد.
– هندوانه را باید همیشه بین دو غذا خورد یعنی تقریبا سه ساعت بعد از غذا و یکساعت قبل از غذا . زیرا اگر بلافاصله بعد از غذا خورده شود در هضم غذا اختلال ایجاد می کند همچنین نباید آنرا با میوه های دیگر مخلوط کرد زیرا تولید نفخ شکم می کند .
– هندوانه برای معده و کلیه مفید است
– تحقیقات جدید نشان داد هندوانه یکی از سالم ترین میوه هاست و در سلامت معده و کلیه نقش مهمی دارد.
– هندوانه عطش را می نشاند
– پوست را مرطوب نگه می دارد
– تناسب اندام را حفظ می کند
– مکمل خوبی برای معده
– هندوانه برای ورم مثانه مفید است.
– تخم هندوانه ضد کرم می باشد.
– برای برطرف کردن تب و اخلاط بدن هندوانه را با شیر خشت بخورید.
– برای رفع خارش بدن هندوانه را با تمبر هندی بخورید.
– آب هندانوه به عنوان خنکی برای بیماران مبتلا به تب و بیماریهای عفونی مفید است زیرا عطش و التهاب بیمار را برطرف می کند.
– هندوانه برای اشخاص گرم مزاج بسیار خوب است.
– هندوانه فاقد چربی است اما به تولید انرژی کمک می‌کند
– هندوانه دارای آب فراوان و انرژی کمی است در نتیجه نسبت به سایر میوه ها ، مواد مغذی بیشتری در هر کالری دارد که نشان دهنده اثرات مفید آن در بهبود سلامتی بدن است.
– مصرف روزانه این میوه از بروز ناراحتی قلبی پیشگیری می کند. ویتامین C و بتاکاروتن موجود در هندوانه مانع از بروز هر نوع سرطان می شود. لیکوپن هندوانه با سرطان و آرتریت مقابله می کند. توجه داشته باشید که مصرف منظم هندوانه، گوجه فرنگی و زردآلود مانع از بروز سرطان پروستات می شود.
– هندوانه میوه ای انرژی زا و تقویت کننده بینایی است. ناراحتی های چشمی مربوط به سن را برطرف می کند. ماده موجود در آن به نام «نیترولین»، سموم بدن را دفع می کند. اسید نیتریک هندوانه کاهش دهنده فشار خون است. ویتامین B۶ در آن برای مغز بسیار مفید است.
– منبع عالی پتاسیم است، که در کنترل فشار خون موثر است. مصرف چند برش هندوانه پس از شام، به خواب راحت کمک می کند. خطرات مربوط به آسیب های پوستی بر اثر نور خورشید را تا ۴۰درصد کاهش می دهد. پتاسیم آن، باعث دفع سموم و کاهش اسید اوریک در خون می شود و در نتیجه احتمال آسیب های کلیوی را کاهش می دهد.
– هندوانه ممکن است بتواند به درمان اختلال نعوظ در مردان کمک نماید.
– هندوانه می تواند به پیشگیری از بعضی از بیماری های قلبی و عروقی کمک نماید.
– محققان معتقداند بهتر است بجای یخچال هندوانه را درون دمای اتاق نگهداری نمود.
– هندوانه خواص بسیاری دارد از آن جمله ضد استفراغ و تهوع است. مخصوصاً برای افرادی که در تابستان دچار گرمازدگی می شوند، نوشیدن آب هندوانه با کمی گلاب می تواند مفید باشد. ضدعفونی کننده بدن و در واقع پاک کننده روده ها بوده است.
– درطب سنتی چین پوست هندوانه را خوب می شویند و درجلوی خورشید می گذارند تا خشک شود، سپس ازآن برای مبارزه با بیماری استفاده می کنند ، بدین صورت که ۵۰ گرم پوست هندوانه را درکمی آب می جوشانند و مانند چای آن را می نوشند که چون داری پتاسیم بالاست برای مبتلایان به فشار خون بالا، فشارهای عصبی وهم چنین برای بیماران مبتلا به مرض قند مفید است.
– هندوانه با داشتن بیش از۹۰٪ آب، برای رفع تشنگی بسیار مناسب است. هیچ میوه ای تا این اندازه آب ندارد. چون هنداونه دارای مقدار خیلی کمی سدیم است، آب زیادی از بدن دفع می شود و برای کسانیکه ناراحتی کلیه دارند و افرادی که ادرار غلیظ و زرد رنگ با بوی تند دارند ، بسیارخوب می باشد و حتی با نوشیدن آب هندوانه و آب به مقدار زیاد این مشکل را از بین می برند.
– لیکوپن موجود در هندوانه، پوست را در مقابل اشعه ماوراء بنفش حفظ می کند.
– هندوانه، مولد خون رقیق است. بنابراین برای کسانی که خون غلیظ دارند، مناسب است.
– هندوانه مولد بلغم شیرین است که برای تعدیل مزاج بدن بسیار مفید است.
– هندوانه در کل یک رطوبت دهنده مناسب است و در صورت توجه و رعایت آنچه در بخش مضرات هندوانه آمده است، می توان آن را برای مدت طولانی بدون دغدغه مصرف نمود.
– کمک کننده هضم و خون ساز است.
– برای خنک کردن بدن در روزهـای گرم تابستان هندوانه را با شکر بخورید.
– تخم هندوانه نیز فشار خون بالا را پایین می آورد و می توان از ریشه این میوه نیز برای جلوگیری از خونریزی استفاده کرد.
– این گیاه عناصر زیادی دارد و باعث می شود انسان با استفاده از آن طی چند روز بویژه در تابستان از آب و ویتامین های مختلف بی نیاز باشد.

ترکیبات شیمیایی هندوانه

هندوانه دارای اسید آمینه ای بنام سیترولین و موادی بنام کاروتن و لیکوپن و نوعی قند بنام مانیتول می باشد. تخم هندوانه دارای حدود ۳۰ درصد روغن است که از نظر خواص شیمیایی مانند روغن بادام می باشد .

در صد گرم هندوانه مواد زیر موجود است

آب ۹۲ گرم
پروتئین ۵/۰ گرم
مواد چربی ۲/۰ گرم
نشاسته ۶ گرم
کلسیم ۷/۰ میلی گرم
فسفر ۱۰ میلی گرم
آهن ۵/۰ میلی گرم
سدیم ۱ گرم
پتاسیم ۱۰۰ میلی گرم
ویتامین آ ۶۰۰ میلی گرم
ویتامین ب ۱ ۰۳/۰ میلی گرم
ویتامین ب ۲ ۳/۰ میلی گرم
ویتامین ب ۳ ۲/۰ میلی گرم
ویتامین ث ۸ میلی گرم

احتیاط در مصرف هندوانه

– خوردن هندوانه برای معده و نیروی جنسی اشخاصی که مزاج سرد دارند، زیان آور است.

– خوردن هندوانه برای اشخاص سرد مزاج تولید درد مفاصل می کند و در این موارد خنثی کننده زیان هندوانه، عسل و قند و امثال آن است.
– زیاده روی در خوردن هندوانه برای طحال زیان آور است .
– هندوانه طبیعت سرد دارد، از این رو از مصرف زیاد آن خودداری شود.
– هندوانه در اشخاص سرد مزاج باعث درد مفاصل و ضعف جنسی می شود .
– هندوانه را باید همیشه بین دو غذا خورد یعنی تقریبا سه ساعت بعد از غذا و یکساعت قبل از غذا . زیرا اگر بلافاصله بعد از غذا خورده شود در هضم غذا اختلال ایجاد می کند همچنین نباید آنرا با میوه های دیگر مخلوط کرد زیرا تولید نفخ شکم می کند.

خواص هندوانه ,خاصیت هندوانه ,بهترین خواص هندوانه ,دانه هندوانه ,ماسک هندوانه ,خواص هندوانه برای پوست ,مضرات هندوانه, انتخاب هندوانه, خواص درمانی هندوانه

طرز تهیه ماسک هندوانه

آب هندوانه را گرفته و سپس روی پوست برای ۱۵ تا ۲۰ دقیقه قرار دهید. سپس آن را با آب سرد بشویید. این ماسک باعث می شود تا لکه های پوستی از بین رفته و کم رنگ تر شود.

آب کرفس با بدن ما چه می‌کند؟

پس از تهیه آب کرفس، از آنجا که این نوشیدنی بسیار تلخ است، ممکن است برخی افراد بخواهند از یک شیرین‌کننده برای طعم‌دهی به آن استفاده کنند، یعنی افزایش کالری و شکر. اضافه کردن خود کرفس به اسموتی، بهتر از تهیه نوشیدنی آن است به علاوه اینکه دیگر با آب‌گیری کرفس، فیبر آن از بین نخواهد رفت.

برخی مردم نوشیدن آب‌میوه را آسان‌ترین راه برای اضافه کردن میوه‌ها و سبزیجات به رژیم غذایی‌شان می‌دانند. اگرچه این موضوع جدیدی نیست، اما در مورد آب کرفس، به طور ویژه محبوبیت خاصی ایجاد شده است. این روزها توصیه‌های بی‌پایانی در مورد خواص آب کرفس می‌بینیم و می‌شنویم، اما دانستن آنچه این نوشیدنی با بدن ما می‌کند، می‌تواند سودمند باشد:

بنابراین، مزایای آب کرفس چیست؟

یکی از اصلی‌ترین خواص نوشیدنی کرفس، هیدراته کردن بدن است. ۱۶ اونس (حدود ۴۵۰ گـرم) از آب ساقه کرفس، شامل آب بیشتری نسبت به سبزیجات معمولی می‌شود. تعداد بسیار محدودی از مردم از ساقه کرفس به عنوان منبعی برای هیدراته کردن بدنشان استفاده می‌کنند، بنابراین می‌توان گفت نوشیدن آب کرفس بدنتان را بیشتر هیدراته می‌کند زیرا شما راحت‌تر و بیشتر می‌توانید فرم نوشیدنی این سبزی را مصرف کنید.

به غیر از آب‌رسانی به بدن و مقدار کمی از ویتامین‌ها و مواد معدنی موجود در کرفس، خواص کم دیگری نیز در این سبزی نهفته است. اکثر ادعاهای تأثیر آب کرفس بر سلامتی بدن تنها نقل قول و حرف‌هایی هستند که در بین مردم رواج پیدا کرده و تنها متکی به تجارب افراد بعد از نوشیدن آن می‌باشند؛ اما این حکایات افراد، همگی دارای مدرک معتبر نیستند. به علاوه اگر کسی شروع به نوشیدن آب کرفس می‌کند، احتمالاً تغییرات دیگری نیز در سبک زندگی‌اش ایجاد خواهد کرد که می‌تواند تأثیراتی همچون کاهش وزن و یا شفافیت پوست بر او داشته باشد.

تحقیقات، به اندازه کافی از دیگر ادعاهای موجود حمایت نمی‌کنند

توصیه‌های مربوط به اثرات مفید آب کرفس بر روی سلامتی، در حال گردش در اینترنت است و شامل هر چیزی از کاهش وزن و کمک به گوارش تا کاهش التهاب و جلوگیری از سرطان می‌شود. متخصصین هشدار داده‌انـد که این ادعاها به طور جدی و بالقوه می‌توانند خطرناک باشند. هیچ مدرکی در جهت حمایت از توانایی آب کرفس در کمک به کاهش وزن وجود ندارد. فرایند تهیه آب‌میوه یا سبزیجات باعث از بین رفتن فیبر موجود (که باعث ایجاد احساس سیری و کاهش وزن می‌شود) خواهد شد. در مورد تأثیر این نوشیدنی بر گوارش هم همین‌طور، برخی افراد گمان می‌کنند نوشیدن آب کرفس در هنگام صبح، زمانی که ناشتا هستند، به بهبود گوارش و هضم بهتر غذاهایی که در طول روز خواهند خورد، کمک می‌کند، در حالی که در مورد این ادعا نیز هیچ شاهدی وجود ندارد.

به طور مشابه، هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد آب کرفس از سرطان جلوگیری می‌کند. بعضی از مطالعات نشان می‌دهد که انواع خاصی از میوه‌ها و سبزیجات یا از شما در برابر برخی از سرطان‌ها محافظت می‌کنند و یا دارای عناصری هستند که جلوی سرطان را می‌گیرند.

به گفته این محققان، هیچ تحقیق ویژه‌ای در مورد آب کرفس و این مزایا وجود ندارد. اما یک استثنا؛ کرفس دارای فلاوونوئید و آپی‌ژنین است که برخی از اثرات پیشگیرانه شیمیایی را در تحقیقات مبتنی بر سلول نشان می‌دهد. با این حال، متخصصین، یادآور می‌شوند که این نتایج بر روی انسان‌ها در آزمایش‌های کنترل نشده نشان داده شده است و در مورد کل کرفس، و نه تنها آب آن، صحت دارد. با این حال، احتمال دارد که خواص سلامتی بیشتری از آب کرفس وجود داشته باشد که محققان هنوز به مطالعه بیشتر درباره آن‌ها نیاز دارند.

کرفس و آب آن هنوز می‌توانند جزئی از یک رژیم غذایی سالم باشند

کرفس دارای مواد مغذی متفاوت است. این سبزی خود، یک ترکیب اضافی برای سالم کردن غذایی است که می‌خوریم. کرفس غنی از مواد مغذی و منبع خوبی از فیبر، ویتامین‌های K و C، منگنز، منیزیم، کلسیم، پتاسیم، فولات و ویتامین B۶ و همچنین ریبوفلاوین است. علاوه بر این، کرفس دارای خواص ضدالتهابی است که باعث تقویت سلامت روده می‌شود و ممکن است به تنظیم گوارش کمک کند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد خود سبزی کرفس دارای طیف گسترده‌ای از مزایای بهداشتی است که شامل کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، بیمارهای کبدی و نقرس می‌گردد. با این حال، تحقیق در مورد اینکه آیا آب کرفس نیز مزایای مشابهی را ارائه می‌دهد یا خیر، بسیار محدود است. پس از تهیه آب کرفس، از آنجا که این نوشیدنی بسیار تلخ است، ممکن است برخی افراد بخواهند از یک شیرین‌کننده برای طعم‌دهی به آن استفاده کنند، یعنی افزایش کالری و شکر. اضافه کردن خود کرفس به اسموتی، بهتر از تهیه نوشیدنی آن است به علاوه اینکه دیگر با آب‌گیری کرفس، فیبر آن از بین نخواهد رفت.

نکته پایانی اینکه، مانند هر چیز دیگری، نوشیدن آب کرفس یک راه درمان نیست و مصرف آن از خوردن مواد ناسالم جلوگیری نمی‌کند و یا شیوه زندگی‌تان را تغییر نمی‌دهد. اگر از طعم این نوشیدنی لذت می‌برید و بدون اضافه کردن شکر یا هر شیرین‌کننده دیگری آن را مصرف کرده و در کنار آن از میوه‌ها و دیگر سبزیجات نیز استفاده می‌کنید، هیچ نگرانی وجود ندارد. با این حال، به یاد داشته باشید که آب آشامیدنی یک راه قابل قبول برای هیدراته کردن بدن است و شما مجبور به اضافه کردن ماده دیگری به آن نیستید.

نکاتی که شاید دلیل خاص یا منطقی نتوان برایشان پیدا کرد اما جواب می‌دهند

۱. یک نوشیدنی گرم بنوشید تا خنک شوید!

خیلی از ما در ماه‌های گرم تابستان سراغ نوشابه‌های سرد می‌رویم زیرا دوست نداریم وقتی گرممان شده و عطش داریم گرم‌تر و کلافه‌تر هم بشویم. عقیده‌مان نیز این است که یک نوشیدنی سرد ما را از درون خنک می‌کند، اما در واقع بدن ما جور دیگری عمل می‌کند! اگر می‌خواهید خنک شوید باید نوشیدنی گرم بنوشید تا عرق کنید!

این مکانیسم دفاعی طبیعی بدن ما در برابر گرمای زیاد است، عرقی که از روی پوستمان بخار می‌شود، احساس خنکی به ما می‌دهد.

۲. چیزی را که می‌خواهید حفظ کنید با دست بنویسید

همه‌چیز را تایپ می‌کنیم، از نامه گرفته تا جزوه‌های درسی؛ اما پژوهشگران دریافته‌اند اگر اطلاعات را با دست بنویسیم، خیلی بهتر می‌توانیم آن را پردازش کرده و به خاطر بسپاریم. هرچند تایپ کردن سریع‌تر است و نیاز به قلم و کاغذ اضافی هم ندارد اما وقتی با دست می‌نویسید مجبور می‌شوید کمی از سرعت خود کم کنید و در مورد اطلاعاتی که وارد می‌کنید آگاه‌تر شوید و ضمناً با نگاه مستقیم شما به کلماتی که می‌نویسید آن‌ها را حافظه‌ی تصویری‌تان نیز ثبت خواهد کرد. همه‌ی این‌ها کمکتان می‌کنند اطلاعات را بهتر به خاطر بسپارید.

۳. از صابون‌های آنتی باکتریال استفاده نکنید

هیچ شواهد علمی وجود ندارد که نشان دهد استفاده از صابون‌های آنتی باکتریال به سلامتی ما کمک می‌کند. برخی از انواع باکتری‌ها برای سلامتی ما لازم‌اند و این صابون‌ها نمی‌توانند بین باکتری‌های خوب و بد تفاوتی قائل شوند. ضمنا، تمام صابون‌ها می‌توانند باکتری‌های جمع شده در دستانتان را پاکسازی کنند. مطالعات نشان داده‌اند زیاد در معرض تریکلوزان قرار گرفتن، خطراتی برای سلامتی دارد مثلا مقاومت نسبت به باکتری‌ها و اختلالات هورمونی. تریکلوزان عنصری اصلی است که در صابون‌های آنتی باکتریال وجود دارد.

۴. بعد از خوردن مسواک نزنید تا دندان‌هایتان قوی بمانند

همیشه به ما یاد داده‌اند که فوراً بعد از خوردن غذا مسواک بزنیم تا خرده‌های غذا از دندان‌هایمان پاک شده و دندان‌ها سالم بمانند اما فورا مسواک زدن دندان‌ها آن‌ها را ضعیف می‌کند. زیرا خوردن غذا، مخصوصا غذاهای اسیدی مانند گوجه فرنگی، پرتقال، قهوه، چای و نوشابه، مینای دندان را نرم می‌کند، و اگر فوراً بعد از خوردن این مواد غذایی مسواک بزنید، تأثیر اسیدی آن‌ها بر دندان بیشتر شده و می‌تواند لایه‌ای از آن را تحلیل ببرد و منجر به مشکلاتی چون حساس شدن دندان‌ها، تغییر رنگ آن‌ها و یا ترک خوردنشان شود. دندان‌پزشکان توصیه می‌کنند بعد از خوردن غذا دست‌کم ۳۰ تا ۶۰ دقیقه صبر کنید و سپس مسواک بزنید.

۵. پیش از چُرت زدن قهوه بنوشید

محققان ژاپنی اخیرا دریافته‌اند افرادی که پیش از دراز کشیدن برای چرت زدن، حدود ۲۰۰ میلی‌گرم کافئین مصرف کرده بودند، بعد از بیدار شدن خیلی سرحال‌تر و باانرژی‌تر از کسانی بودند که پیش از چرت زدن کافئین مصرف نکرده بودند. دلیلش هم این است که یک چُرت ۲۰ دقیقه‌ای دقیقاً زمانی تمام می‌شود که کافئین تازه شروع به فعالیت و تأثیر کرده و مغزتان را از هورمون آدنوزین که عاملی برای خستگی مغز است پاکسازی می‌کند.

خود چرت زدن از آدنوزین کم می‌کند اما کافئین، این اثر را تشدید می‌کند بنابراین با یک چرت کوتاه‌تر، انرژی بیشتری کسب خواهید کرد؛ اما حواستان باشد که شب‌ها قبل از خواب کافئین مصرف نکنید.

مریم زهدی

مایکل جکسون صدها بار از ما سوءاستفاده جنسی کرد

دو مرد به بی‌بی‌سی گفته‌اند هنگامی که هفت تا ده ساله بودند، صدها بار از سوی مایکل جکسون مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتند.
وید رابسون ۳۶ ساله گفته است مایکل جکسون او را از هفت سالگی مورد آزار جنسی قرار داده و وقتی ده ساله بود، این خواننده سرشناس می‌خواسته به او تجاوز کند.
جیمز سیفچاک ۴۰ ساله هم گفته است مایکل جکسون از او از ده تا ۱۴ سالگی سوء استفاده جنسی کرده است.
خانواده مایکل جکسون گفته است حتی یک قطعه سند برای اثبات ادعاهای این افراد وجود ندارد. این دو نفر اخیرا در مستندی به نام خروج از نورلند هم ادعاهای خود را مطرح کرده‌اند.
هشدار: این مطلب ممکن است برای برخی خوانندگان ناخوشایند و ناراحت‌کننده باشد وقتی از آقای سیفچاک سئوال شد آیا آزار و اذیت صدها بار تکرار شده، او و آقای رابسون پاسخ مثبت دادند. آقای رابسون به بی‌بی‌سی گفت: هر باری که با او بودم، هر بار شب آنجا ماندم، او مرا مورد آزار قرار می‌داد.
او گفته است مایکل جکسون او را دستمالی می‌کرده. هر شبی که با او می‌ماندم، او تمام بدن مرا لمس می‌کرد. و مجبورم می‌کرد او را در حال انجام عمل جنسی تماشا کنم.
و وقتی او ۱۴ ساله بوده، مایکل جکسون سعی کرده به او تجاوز کند.
مایکل جکسون به او قبولانده بود که آنها یکدیگر را دوست دارند و از این طریق ما عشق خود را به همدیگر نشان می‌دهیم.
مایکل جکسون در ادامه می‌گفت: اما اگر فرد دیگری متوجه کاری که ما می‌کنیم بشود، من و تو، برای بقیه عمرمان زندانی می‌شویم و از هم جدا خواهیم شد.
آقای رابسون گفته است این موضوع او را می‌ترساند.
فکر و خیال جدایی از مایکل، این مرد، این شخص غیر دنیوی، که برای من خدا بود و اکنون به بهترین دوست من تبدیل شده بود، به هیچ وجه نمی‌توانستم کاری کنم که مرا از او جدا می‌کرد.
آقای رابسون می‌گوید مایکل جکسون به او گفته بود که او بهترین دوستش است و تنها کسی است که با او رابطه جنسی داشته است.
او می‌گوید من فکر کردم من در میان همه پسران دنیا، فرد برگزیده بودم.
آقای سیفچاک به بی‌بی‌سی گفته است آزار او از ده سالگی شروع شد وقتی مایکل جکسون به او اعمال جنسی را یاد می‌داد.
بوسه فرانسوی یکی از این اعمال بود و سپس اعمال جنسی دیگری به او یاد داده شد.
آقای سیفچاک گفته است مایکل جکسون برای دوره مداومی توانسته از او سوء استفاده کند.
او می‌گوید مایکل خودش را به خانواده او نزدیک کرده و جزئی از خانواده‌اش شده بود.
"مدتی طول می‌کشد تا اعتماد برقرار شود و یکشبه اتفاق نمی‌افتد."
و بعد مایکل "میان او و خانواده‌اش فاصله می‌اندازد و تو را از همه دور نگه می‌دارد."

استاد دوز و کلک

آقای سیفچاک می‌گوید "وقتی مورد آزار قرار می‌گیری، بخشی از تو می‌میرد."
آقای رابسون هم مایکل جکسون را "استاد دوز و کلک" و "دغل" توصیف می‌کند.
او به بی‌بی‌سی گفته است مایکل "میان من و پدرم و پدر و مادرم فاصله انداخته بود تا بتواند راحت‌تر سوءاستفاده کند."
او گفته است بخشی از مسئولیت این آزار و اذیت باید به عهده "آدم‌های دور و بر مایکل جکسون باشد که ما را می‌دیدند و خود را به ندیدن می‌زدند."

بسیار بی‌گناه

در واکنش به این ادعاها، تیتو، مارلون و جکی، بـرادران مایکل و تاج جکسون، بـرادرزاده او ادعاهای مطرح شده در مستند "خروج از نورلند" را رد کرده‌اند.
"نورلند" نام ملک خصوصی مایکل جکسون بود. نام این مزرعه از سرزمینی خیالی در پیتر پن گرفته شده است.
تاج گفته است رفتار عموی او ممکن است به گمان برخی "عجیب و غریب" بوده باشد اما او "بسیار بی‌گناه" بود و "ساده‌لوحی او دلیل سقوطش بود."
مارلون هم گفته است "حتی یک قطعه سند و مدرک" هم برای اثبات ادعاها وجود ندارد.
بنیاد مایکل جکسون هم ادعاهای مطرح شده در این مستند را رد کرده و آن را دروغ خوانده است. این بنیاد گفته است وید رابسون و جیمز سیفچاک قبلا "شهادت داده بودند که چنین چیزهایی اتفاق نیفتاده‌اند."

خسرو نیستانی

ممنوعه؛ برای تحقیر نژادی افغان‌ها یا مخالفت با نژاد پرستی؟

تحقیر نژادی و قومیتی در ایران موضوع جدیدی نیست. اقوام و ملل مختلف در ایران بارها شاهد انواع توهین‌ها در میان مردم بوده‌اند، مانند جوک‌ها و یا تعابیر نادرستی که برای گیلک، کرد، لر، ترک، مازنی، عرب و بلوچ به کار برده می‌شود. آنجا که این توهین‌ها و تحقیرها در رسانه به نمایش در آمده گاهی باعث اعتراض و در مواردی اندک عذرخواهی شده است.
اما تحقیر افغان‌ها موضوعی است که تا به حال کمتر مورد توجه گرفته و در سالهای اخیر با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی بیشتر به این مساله واکنش نشان داده شده است.
اخیرا سریال ممنوعه که از شبکه خانگی پخش می‌شود به دلیل قسمتی که در آن شخصیت زن داستان (برکه) برای مجازات باید با کارگر افغان که سرش بز تراش شده ازدواج کند، مورد انتقاد در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.
معترضان به این اقدام با هشتگ نه به نژادپرستی واکنش نشان دادند. در عین حال برخی از کاربران ایرانی و افغان در صفحه امیر پورکیان، کارگردان این سریال، نسبت به این اقدام اعتراض کردند.
آقای پورکیان با انتشار ویدیویی در اینستاگرام خود توضیحاتی ارایه کرد و گفت: تمام این اقدامات هدفمند بوده تا بگوییم چنین برخوردی از اصل غلط است. اندکی هم همدردی کنم با شما عزیزان (افغان‌ها) برای این همه توهین که در این ادوار دیدید.
البته این نخستین بار نیست که این سریال افغان‌ها را به نوعی تحقیر می‌کند. در قسمت دیگری از این سریال در حین اسباب‌کشی باز هم شخصیت زن داستان (برکه) هنگام عبور از کنار کارگر افغان با حالتی در صورتش می‌گوید: بو می ده
در یکی از قسمت‌های دیگر از این سریال برکه (یکی از نقش‌های اصلی این سریال) در جمع دوستان خبر از ازدواجش می‌دهد و سپس صفحه موبایلش را به طرف دوستانش می‌گیرد و تصویر شخصی را نشان می دهد که کلاه پکول (از کلاههایی که در مناطقی از افغانستان مرسوم است) بر سر دارد را نشان می‌دهد و دوستانش شروع به خندیدن می‌کنند و بازیگر مرد (سامی) عکس را کنار صورتش نگاه داشته و به بقیه می‌گوید: هرکی تونست این را نگاه کنه و نخنده این نوع برخوردها البته محدود به این سریال نیست و مـوارد مشابه‌ای در برخی دیگر از مجموعه‌های تلویزیونی نیز گاها دیده شده است؛ ضمن اینکه در عین حال چنین نگاهی در جامعه ایران به اشکال مختلف از مقامات گرفته تا مردم وجود دارد.
نزدیک به دو دهه پیش به عنوان خبرنگار حوزه اجتماعی با مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وقت وزارت کشور مصاحبه‌ای داشتم. از او درباره وضعیت مهاجران افغان و دلیل تفاوتی که میان مهاجران عراقی و افغان‌ها وجود دارد و محدودیت های بیشتر برای افغان‌ها پرسیدم، او در پاسخ گفت: عراقی ها شیعه هستن اما افغان‌ها سنی. ضمنا نگاهی به تیتر حوادث بکنید و ببینید افغان‌ها چه قدر دزدی و تجاوز می‌کنند. بعد از انجام این گفتگو که اجازه چاپش داده نشد، از حضور در دفتر اتباع هم منع شدم.
ویدیو ضرب و شتم مهاجران افغان توسط ماموران نیروی انتظامی که سال گذشته در شبکه‌های اجتماعی باز نشر شد از دیگر موضوعاتی بود که سبب واکنش مقامات افغانستان و متعاقب آن احضار سفیر ایران در کابل شد.
نگاه تحقیرآمیز در روزنامه‌ها و مجلات به ویژه صفحات حوادث نسبت به افغان‌ها نیز موضوع دیگری است که کمتر به آن پرداخته شده است. هرچند برخی از خبرنگاران حوادث بر این عقیده هستند که این نوع خبرنویسی ارتباطی با توهین و تحقیر قومیتی خاص ندارد.
استفاده از الفاظ نادرست به افغان‌ها در اقشار مختلف جامعه وجود دارد. به دلیل مشکلات اقامتی که برای افغان‌ها در ایران ایجاد شده بود اکثر این افراد امکان فعالیت در شغل‌های متفاوت را نداشته و برای کار و تحصیل محدودیت‌های بسیاری بر آنها اعمال می‌شود.
در عین حال محدود کردن افغان‌ها برای حضور در شهرهای خاص بر این رفتارهای تبعیضآمیز و تحقیرآمیز دامن زده است.
بیش از دو میلیون مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کند. مشخص نیست که چرا افغان ها در ایران مورد این حجم از تحقیر و نژادپرستی قرار می‌گیرند و این رفتارها از کجا نشات گرفته اما برخی از افغان‌ها بر این باورند نوع تصویری که رسانه‌های ایران از آنها به نمایش گذاشته‌اند تاثیر زیادی در این نوع نگاه جامعه به آنها داشته است.

مرگ خشایار الوند؛ خنده‌هایی که رفت گریه‌هایی که ماند

خشایار الوند روز نهم اسفندماه بر اثر ایست قلبی در تهران درگذشت.
مراسم تشییع این نویسنده طنز سینما و تلویزیون ایران روز شنبه یازدهم اسفندماه از خانه سینما و مراسم ترحیم او روز دوشنبه در مسجد جامع شهرک غرب تهران برگزار می‌شود.
صبح روز نهم اسفند ۹۷، مثل ۲۶ فروردین سال گذشته که عارف لرستانی بازیگر در ۴۶ سالگی درگذشت، صفحات سینماگران در شبکه های اجتماعی در بهت و ناباوری خبر از مرگ ناگهانی خشایار الوند می‌داد.
مرگ در سن ۵۱ سالگی و پارادوکس مواجهه با این حقیقت تلخ درباره کسی که عمری خنده به لب‌های مخاطبانش نشانده، موضوع درگذشت آقای الوند را دردناک‌تر و تاثیرگذارتر کرد.
خشایار الوند در سال ۱۳۴۶ در تهران به دنیا آمد. سیروس الوند کارگردان سینمای ایران برادر او است و ماهور الوند بازیگر و استعداد تازه کشف شده سینمای ایران، برادرزاده‌اش.
او در سال ۱۳۶۳ در جایگاه دستیار کارگردان و برنامه ریز وارد سینما شد.
آقای الوند فعالیتش را در سینما در سال ۱۳۸۰ با نگارش فیلمنامه‌های مزاحم و برگ برنده، هر دو به کارگردانی سیروس الوند ادامه داد اما عمده شهرتش را با نگارش فیلمنامه سریال ها و مجموعه‌های طنز موفق کسب کرد.
مجموعه‌ای بزرگ شامل بسیاری از برنامه‌های طنز پرطرفدار شامل: نقطه چین، شب‌های بره، باغ مظفر، گنج مظفر، مرد هزار چهره، مرد دو هزار چهره، قهوه تلخ، ویلای من، شوخی کردم و در حاشیه همه به کارگردانی مهران مدیری، پایتخت، پایتخت ۳، پایتخت ۴، پایتخت ۵، در حاشیه و علی‌البدل به کارگردانی سیروس مقدم، کمربندها را ببندیم به کارگردانی مهدی مظلومی، مسافران به کارگردانی رامبد جوان دیوار به دیوار و «دیوار به دیوار ۲ به کارگردانی سامان مقدم.
از همه آنچه درباره خشایار الوند گفته می‌شود، می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد: خشایار الوند فیلمنامه نویسی بود که ساختار فیلمنامه را به درستی می‌شناخت. او به طور کامل در جریان آنچه در اطرافش می‌گذشت بود؛ از امور سیاسی و اجتماعی، تا اقتصادی و حتی ورزش. خشایار الوند به اهمیت عنصر سرعت در انجام کارها به ویژه آثار تلویزیونی واقف بود.
این عناصر وقتی با هم درون یک نفر جمع شوند حاصلش می‌شود شبهای بره یا سریال پایتخت که از جمله سریال‌های بسیار موفق و پربیننده تلویزیونی در ایران محسوب می‌شوند.
همکاران آقای الوند متفق‌القولند که سینمای طنز ایران یک آدم کاربلد و آگاه را از دست داده است.
یکی دیگر از عوامل موفقیت آقای الوند به گفته همکارانش، آگاهی مداوم او از مسایل روز بود. زیاد فیلم و سریال می دید و مطالعه می کرد؛ گفته می‌شود که آقای الوند حتی در دورانی که مطبوعات شکوفایی گذشته را نداشتند هر روز حتما دو روزنامه همراهش بوده و اخبار و گزارشهای روز را مطالعه می کرده و درباره موضوعات روز اعم سیاسی و اجتماعی و ورزشی و اقتصادی نگاه و تحلیل خودش را داشته است.
پیمان قاسمخانی یکی از نویسندگان برجسته طنز سینما و تلویزیون ایـران، که علاوه بر فیلمنامه‌نویسی کارگردانی و بازیگری را هم در کارنامه خود دارد، درباره خشایار الوند به بی‌بی‌سی فارسی گفت: "خشایار بسیار با استعدادتر از چیزی بود که دیده شد. به گفته آقای قاسمخانی آنچه از توانایی و موفقیت آقای الوند تا به حال دیده شده تمام قابلیت و توانایی او در این عرصه نبوده است."
آقای قاسمخانی در سریال‌هایی مانند شب‌های برره و مسافران با آقای الوند همکاری داشته است.
آنچه خشایار الوند و همکارانش برای سریال شب های برره به کارگردانی مهران مدیری نوشتند انگار بعد از حدود ۱۳ سال هنوز هم در متن جامعه ته‌نشین شده که جسته و گریخته از آن یاد می‌شود. از ساختار و قصه‌های طنز آن گرفته تا گویش و طنز کلامی ساخته و پرداخته نویسندگان آن سریال، که آقای الوند یکی از مهمترینشان بود.
سریال پربیننده پایتخت که هر سال در تعطیلات نوروز پخش می‌شد و امسال هم قرار بود به جای سریال در قالب یک فیلم سینمایی تلویزیونی ۹۰ دقیقه‌ای تولید شود، در مرحله آماده سازی بود که نویسنده شاخص خود را به طور ناگهانی از دست داد.
الهام غفوری تهیه کننده آن با ابراز تاثر از این اتفاق گفت نمی‌دانم باید چه کرد. محسن تنابنده بازیگر و نویسنده این سریال هم گفت بدون خشایار الوند ادامه پایتخت سخت است.
امیر مهدی ژوله فیلمنامه نویس شاخص طنز و بازیگر درباره آقای الوند گفت در سال‌های اخیر هر کسی دنبال نوشتن یا بازنویسی یا سرپرستی یک فیلمنامه کمدی بود یکی از سه گزینه‌اش حتما آقای الوند بود.
به گفته آقای ژوله حاصل کار آقای الوند برآیند دو مولفه کیفیت و سرعت بود.
آقای ژوله که فیلمنامه قهوه تلخ را با آقای الوند با هم نوشتند به تنوع کارهای اقای الوند اشاره کرد و گفت: "او بخاطر حضور مداوم سینما در خانواده و تجربیات فراونش در این عرصه فیلمنامه‌نویس قابلی بود و ساختار و اسکلت اصول فیلمنامه را خیلی بهتر از سایرین می شناخت و کارش تنوع فراوان داشت. او نویسنده‌ای حرفه‌ای بود که برای طیفی گسترده از سیروس مقدم تا سامان مقدم از مهران مدیری تا مهدی مظلومی نوشت و قادر بود با انواع و اقسام لحن‌ها خودش را تطبیق بدهد."
از همه آنچه درباره خشایار الوند گفته می‌شود، می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد: خشایار الوند فیلمنامه نویسی بود که ساختار فیلمنامه را به درستی می‌شناخت. او به طور کامل در جریان آنچه در اطرافش می‌گذشت بود؛ از امور سیاسی و اجتماعی، تا اقتصادی و حتی ورزش. خشایار الوند به اهمیت عنصر سرعت در انجام کارها به ویژه آثار تلویزیونی واقف بود.
این عناصر وقتی با هم درون یک نفر جمع شوند حاصلش می‌شود شبهای بره یا سریال پایتخت که از جمله سریال‌های بسیار موفق و پربیننده تلویزیونی در ایران محسوب می‌شوند.
همکاران آقای الوند متفق‌القولند که سینمای طنز ایران یک آدم کاربلد و آگاه را از دست داده است. یکی دیگر از عوامل موفقیت آقای الوند به گفته همکارانش، آگاهی مداوم او از مسایل روز بود. زیاد فیلم و سریال می دید و مطالعه می کرد؛ گفته می‌شود که آقای الوند حتی در دورانی که مطبوعات شکوفایی گذشته را نداشتند هر روز حتما دو روزنامه همراهش بوده و اخبار و گزارشهای روز را مطالعه می کرده و درباره موضوعات روز اعم سیاسی و اجتماعی و ورزشی و اقتصادی نگاه و تحلیل خودش را داشته است.
پیمان قاسمخانی یکی از نویسندگان برجسته طنز سینما و تلویزیون ایـران، که علاوه بر فیلمنامه‌نویسی کارگردانی و بازیگری را هم در کارنامه خود دارد، درباره خشایار الوند به بی‌بی‌سی فارسی گفت: "خشایار بسیار با استعدادتر از چیزی بود که دیده شد. به گفته آقای قاسمخانی آنچه از توانایی و موفقیت آقای الوند تا به حال دیده شده تمام قابلیت و توانایی او در این عرصه نبوده است."
آقای قاسمخانی در سریال‌هایی مانند شب‌های برره و مسافران با آقای الوند همکاری داشته است.
آنچه خشایار الوند و همکارانش برای سریال شب های برره به کارگردانی مهران مدیری نوشتند انگار بعد از حدود ۱۳ سال هنوز هم در متن جامعه ته‌نشین شده که جسته و گریخته از آن یاد می‌شود. از ساختار و قصه‌های طنز آن گرفته تا گویش و طنز کلامی ساخته و پرداخته نویسندگان آن سریال، که آقای الوند یکی از مهمترینشان بود.
سریال پربیننده پایتخت که هر سال در تعطیلات نوروز پخش می‌شد و امسال هم قرار بود به جای سریال در قالب یک فیلم سینمایی تلویزیونی ۹۰ دقیقه‌ای تولید شود، در مرحله آماده سازی بود که نویسنده شاخص خود را به طور ناگهانی از دست داد.
الهام غفوری تهیه کننده آن با ابراز تاثر از این اتفاق گفت نمی‌دانم باید چه کرد. محسن تنابنده بازیگر و نویسنده این سریال هم گفت بدون خشایار الوند ادامه پایتخت سخت است.
امیر مهدی ژوله فیلمنامه نویس شاخص طنز و بازیگر درباره آقای الوند گفت در سال‌های اخیر هر کسی دنبال نوشتن یا بازنویسی یا سرپرستی یک فیلمنامه کمدی بود یکی از سه گزینه‌اش حتما آقای الوند بود.
به گفته آقای ژوله حاصل کار آقای الوند برآیند دو مولفه کیفیت و سرعت بود.
آقای ژوله که فیلمنامه قهوه تلخ را با آقای الوند با هم نوشتند به تنوع کارهای اقای الوند اشاره کرد و گفت: "او بخاطر حضور مداوم سینما در خانواده و تجربیات فراونش در این عرصه فیلمنامه‌نویس قابلی بود و ساختار و اسکلت اصول فیلمنامه را خیلی بهتر از سایرین می شناخت و کارش تنوع فراوان داشت. او نویسنده‌ای حرفه‌ای بود که برای طیفی گسترده از سیروس مقدم تا سامان مقدم از مهران مدیری تا مهدی مظلومی نوشت و قادر بود با انواع و اقسام لحن‌ها خودش را تطبیق بدهد." آقای الوند در سرپرستی تیم نویسندگان طنز هم ید طولایی داشت. اعتباری که همکاران در کارش برای او قائل بودند موجب شده بود که بسیاری از نویسندگان صاحب‌نام فیلمنامه، نوشته‌هایشان را به او بدهند تا نظرش را بگوید یا اگر ضعف یا اشکالی در فیلمنامه می‌بینند بگوید.
در شبکه‌های اجتماعی نام آقای الوند به هشتگ تبدیل شد.
شب‌های برره یکی از آثار آقای الوند بود که به آن زیاد اشاره شد. آنچه توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کرد، مرگ ناگهانی آقای الوند در سن ۵۱ سالگی بود و اینکه با مرگ غم‌انگیز خالق آثاری مواجه شده بودند که سال‌ها برایشان مایه خنده و سرگرمی بود.
جمعی از کاربران هم به مرور خنده‌ها و خاطرات و آثار آقای الوند پرداختند.
عکسها نقل قولها مصاحبه ها و گزارش ها حاکی از آن است که اهالی سینما و تلویزیون ایران عزادار مردی هستند که همواره در روزهای سخت تلاش کرد لبخند بر لب مردم بنشاند و بسیاری اوقات هم موفق بود.
در روزگـار افول صداوسیما وقتی صحبت از بی‌اعتمادی بـود، وقتی از ریـزش مخاطبان تلویزیون سخن به میان آمد، بسیاری از آثاری که نام او را به عنوان نویسنده بر پیشانی داشت یک سر و گردن با بقیه فاصله داشت و بیشتر دیده شد؛ نمونه متاخر آن همین دیوار به دیوار، همین پایتخت. نمونه‌های قدیمی‌تر آن، همان شب‌های برره و همان قهوه تلخ.

نصب و راه اندازی فقط ظرف ۲ ساعت

سیستم تلفن برای دفتر و محل کار شما
با امکانات فوق العاده پیشرفته بدون نیاز به خط تلفن

امکان انتقال شماره فعلی یا دریافت چندین شماره جدید از هر نقطه استرالیا به انتخاب شما فقط در چند دقیقه
امکان داشتن سیستم انتظار، پاسخگوی خودکار به همراه منو به زبانهای مختلف و فرستادن پیغام به ایمیل شما
امکان پاسخگویی به تلفن خود درهر زمان و مکان از طریق هر نوع رایانه ، آیپد و موبایل

بدون قرارداد و حداقل هزینه
تماس رایگان بین تلفنها
قابلیت ضبط تماسهای تلفنی
موسیقی زمان انتظار Custom Hold music

امکان تنظیم و تطبیق سیستم به دلخواه شما Customise the system to your need

خدمات اینترنت، نصب شبکه و تجهیزات در صورت نیاز موجود است

Total Network Solutions Australia
info@totalnetworksolution.com.au
PH: 02 8061 6343

Designed by Parsian - 1101-co

نسل جدید پژو ۲۰۸ الکتریکی شد

پژو در آستانه رونمایی رسمی از نسل جدید مدل ۲۰۸، تصاویر و اطلاعات فنی این مدل را منتشر کرد.
گرچه پژو از فروش ۲۰۸ درآمد زیادی دارد، اما این مدل در بین هچ‌بک‌های کوچک پرفروش اروپا جایی ندارد و پس از فورد فیستا، فولکس‌واگن پولو و رنو کلیو در رتبه چهارم است. پژو می‌خواهد با نسل جدید ۲۰۸ این ترتیب را تغییر دهد و نامش را به صدر جدول ببرد. برای این کار، ماشین با وام گرفتن از مدل‌های بزرگتر و لوکس‌تر پژو طراحی شده است. ظاهر آن از مدل ۵۰۸ الهام گرفته و داخل ماشین در ادامه روندی طراحی شده که با شاسی‌بلند ۳۰۰۸ آغاز شد. پژو می‌گوید برای طراحی ۲۰۸ جدید به مشهورترین هچ‌بک خود، ۲۰۵ جی‌تی‌آی رجوع کرده و گوشه‌هایی از این مدل موفق دهه هشتاد را می‌توان در ماشین جدید دید.
برای جذاب‌تر کردن ۲۰۸، فهرست طولانی از فن‌آوری‌های تازه به خریداران عرضه می‌شود. داشبورد جدید سه بعدی از چشم‌گیرترین بخش‌های ماشین است که در آن اطلاعات مهم جلوتر از بقیه روی داشبورد نمایش داده می‌شود. علاوه بر موتورهای دیزل و بنزینی، پژو ۲۰۸ را با موتور الکتریکی هم به بازار عرضه خواهد کرد. موتور ۱۳۶ اسب بخاری ۲۰۸ الکتریکی با هر بار شارژ می‌تواند ۳۴۰ کیلومتر حرکت کند.
کارخانه فرانسوی پیش‌بینی می‌کند ۲۰۸ الکتریکی ده درصد از فروش نسل جدید را شامل شود. با کاهش رونق موتورهای دیزل، پژو پیش‌بینی می‌کند که سهم مدل‌های دیزل ۲۰۸، بیست درصد کل فروش را به خود اختصاص دهد و بقیه خریداران ۲۰۸ با موتور بنزینی بخرند. پژو در سال ۲۰۱۸ دویست و ۹۵ هزار دستگاه ۲۰۸ تولید کرد که شش درصد نسبت به سال قبل کمتر بود.
۲۰۸ جدید از مدل کنونی لوکس‌تر است و به همین دلیل قیمتش گران‌تر خواهد بود. با این حال پژو امیدوار است با نسل جدید، فروش ۲۰۸ را تا سال ۲۰۲۰ به ۳۵۰ هزار دستگاه در سال برسانند.

ماشین‌های پژو از اروپا و چین به آمریکا صادر خواهد شد

پس از نزدیک به سه دهه غیبت، پژو دوباره به بازار آمریکای شمالی باز خواهد گشت. گروه خودروسازی PSA، مالک شرکت‌های پژو، سیتروئن، دی‌اس و اپل، قبلا علاقه خود به فروش محصولاتش در آمریکای شمالی را اعلام کرده بود، اما معلوم نبود کدام مارک از این گروه قرار است به آمریکا برود.
پژو در سال ۱۹۹۱ به خاطر فروش بسیار کم از بازار آمریکا خارج شد. بیشترین فروش شرکت در میانه دهه هشتاد بیش از بیست هزار دستگاه ماشین در سال بود.
اما این در اواخر دهه هشتاد رو به کاهش گذاشت و با استقبال بسیار کم از مدل ۴۰۵، فروش پژو در آخرین سال حضورش در آمریکا به حدود سه هزار و ۵۰۰ دستگاه رسید. هفته گذشته کارلوس تاوارش، مدیر پی‌اس‌ای جزییات بیشتری از برنامه ده ساله این شرکت برای بازگشت به آمریکا ارائه کرد. طبق این برنامه، محصولات پژو از کارخانه‌های این شرکت در اروپا و چین به آمریکا صادر خواهد شد. دعوای تجاری اخیر آمریکا با اروپا و چین و خطر وضع تعرفه برای خودروهای وارداتی به آمریکا، این برنامه را به شدت تحت تاثیر قرار خواهد داد. کارلوس تاوارش می‌گوید که برای نهایی کردن برنامه خود منتظر به نتیجه رسیدن گفتگوهای تجاری آمریکا با اروپا و چین است. طبق برنامه فعلی، در دیرترین حالت فروش محصولات پژو از سال ۲۰۲۶ در آمریکا آغاز خواهد شد.

آغاز نبرد با تسلا

پل‌استار(Polestar)، بخش خودروهای الکتریکی کارخانه ولوو، دومین مدل خود را رونمایی کرد. کارخانه سوئدی با این ماشین رسما به جمع خودروسازان الکتریکی وارد شده و به طور مستقیم با تسلا مدل ۳ رقابت خواهد کرد.
تاکنون تنها محصول پل‌استار یک کوپه اسپرت هیبرید با قدرت ۶۰۰ اسب بخار بود که تنها ۱۵۰۰ دستگاه از آن تولید خواهد شد.
دومین مدل پل‌استار اما تمام الکتریکی است. دو موتور الکتریکی ماشین در مجموع ۴۰۸ اسب بخار نیرو تولید کرده و با هر بار شارژ تا ۵۰۰ کیلومتر حرکت می‌کند. ماشین دو دیفرانسیل است و به گفته پل‌استار شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعتش زیر پنج ثانیه است.
طراحان تا حد ممکن ظاهر ماشین را متفاوت از ولوو طراحی کرده‌اند تا بر مستقل بودن مارک پل‌استار از مالک سوئدی‌اش تاکید کنند. این اولین ماشین پل‌استار خواهد بود که در حجمی انبوه تولید می‌شود و قرار است با قیمتی کمتر از تسلا مدل ۳ از سال ۲۰۲۰ به بازار بیاید. قیمت ماشین در اروپا در سال اول، ۵۹ هزار و ۹۰۰ (نزدیک ۶۴ هزار دلار) یورو خواهد بود و از سال دوم، قیمت به ۳۹ هزار و ۹۰۰ یورو (حدود ۴۵ هزار دلار) کاهش خواهد یافت. قیمت پایه تسلا مدل ۳ در اروپا ۵۵ هزار و ۴۰۰ یورو (حدود ۶۳ هزار دلار) است. ولوو ماشین‌های پل‌استار را به جای روش‌های قدیمی در فروشگاه‌هایی در مراکز خرید خواهد فروخت. خریداران همچنین می‌توانند ماشین خود را از طریق اینترنت سفارش دهند و اگر مایل باشند به جای خرید، آن را به صورت ماهانه کرایه کنند. هزینه‌ای که با این روش از خریداران دریافت می‌شود بیمه، مالیات و تعمیر را هم شامل خواهد شد. پل‌استار ۲ اولین ماشینی است که به سیستم عامل آندروید مجهز خواهد شد. با استفاده از این سیستم عامل، رانندگان بدون نیاز به وصل کردن تلفن همراه خود می‌توانند از امکانات گوگل نظیر نقشه و سیستم اجرای فرمان‌های صوتی گوگل استفاده کنند. ولوو می‌خواهد که پل‌استار بین پنج تا هفت سال آینده، سالانه صد هزار دستگاه فروش داشته باشد و به سوددهی برسد. موفقیت تسلا مدل ۳ ولوو را برای رسیدن به این هدف خوشبین کرده است. استقبال از تسلا تا حدی است که این کارخانه خود را برای تولید ۵۰۰ هزار دستگاه مدل ۳ در سال آماده می‌کند.
پل‌استار می‌گوید تولید مدل‌های بیشتری را در برنامه دارد. سومین مدل این مارک قرار است سه سال دیگر به بازار عرضه شود.

اولین ماشین الکتریکی هوندا

هوندا اولین مدل الکتریکی خود به نام e را زمستان آینده به بازار عرضه خواهد کرد. گ
کارخانه ژاپنی قرار است هفته آینده نمونه نزدیک به تولید این مدل را در نمایشگاه ژنو رونمایی کند.
هچ‌بک کوچک هوندا براساس کانسپتی ساخته می‌شود که این شرکت در سال ۲۰۱۷ نمایش داد. استقبال از این کانسپت به حدی بود که هوندا مدل اصلی را تقریبا بدون تغییر روانه بازار خواهد کرد.
هوندا می‌گوید باتری‌های e ظرف نیم ساعت تا هشتاد درصد شارژ می‌شود و ماشین با هر بار شارژ می‌تواند ۲۰۰ کیلومتر حرکت کند.
ماشین با الهام از سنت‌های ژاپنی و با خطوطی ساده طراحی شده است. در طراحی داخل ماشین هم از اتاق نشیمن خانه الهام گرفته شده است. روکش صندلی‌ها مانند مبل است و داشبورد هم یک طاقچه با طرح چوب دارد.
این بی‌پیرایگی به زیبایی با فن‌آوری‌های پیچیده هوندا e ترکیب شده است. جلوی ماشین با شش نمایشگر پوشانده شده که سه تای آنها تصاویر دوربین‌هایی را که روی درها و عقب ماشین وصل شده به راننده نمایش می‌دهد. هوندا می‌گوید ماشینی که در ژنو نمایش می‌دهد بیش از ۹۰ درصد به ماشینی که تولید خواهد شد شبیه است.
قیمت e رسما اعلام نشده، پیش‌بینی می‌شود بین سی تا ۴۰ هزار دلار باشد. رقیب مستقیم این ماشین رنو زوئی است اما هوندای کوچک به طور غیرمستقیم ب ام و i۳ را هم هدف قرار داده است. هوندا انتظار دارد در سال اول دست کم پنج هزار دستگاه از مدل e را در اروپا بفروشد.

ماجرای سرقت از بیمار بستری در آی‌سی‌یو

بیمار بد حال در آی‌سی‌یو بیمارستان بستری است، اما یکی از پرسنل بیمارستان با بی‌رحمی تمام داروهای گران قیمتش را سرقت می‌کند و بیمار در نهایت از این ماجرا جان سالم به در نمی‌برد.
مهر نوشت: حالش بد بود، خیلی هم بد بود. گفته بودند باید فوری بستری شود وگرنه از دست می‌رود، بستریش هم کردیم اما... بغضش ترکید و گریه امان صحبت کردن را نداد. آرامش کردم تا بالاخره توانست ماجرا را کامل برایم تعریف کند. نامش فاطمه است اوایل سال جاری پدرش را در یکی از بیمارستان‌های تهران از دست داده است. مرگی که داستان پیچیده و عجیبی دارد و همچنان نیز علت اصلی فوت این فرد در هاله‌ای از ابهام است. فاطمه دختر متوفی، برای توضیح درباره جزئیات ماجرای فوت پدرش در گفتگو با خبرنگار مهر می‌گوید: در دی ماه ۹۶ پدرم به دلیل انسداد روده در بیمارستان بستری، بهمن ماه بر روی وی عمل جراحی انجام شد و در نهایت در فروردین نیز فوت کرد. پدرم بعد از عمل کاملا هوشیار بود و حدود یک هفته بعد به کما رفت و وضعیتش همچنان در نوسان بود که پس از ۴۵ روز بستری بودن از دنیا رفت.
وی ادامه می‌دهد: از روزهای اول به برخی موارد شک کرده بودیم، چراکه مدام از بیمارستان تماس گرفته می‌شد و اعلام می‌کردند که داروها تمام‌شده و باید دارو تهیه کنیم. این در حالی است که داروهایی که باید ظرف مدت ۱۰ روز مصرف می‌شد، ۴ یا ۵ روزه تمام می‌شد. درنهایت یک روزبه بیمارستان مراجعه کردیم و اعتراض کردیم و گفتند شاید حال مریض بد بوده و به‌جای روزی یک دارو، روزانه سه دارو به وی تزریق‌شده که پس از بررسی مشخص شد که از روز اول هیچ دارویی به پدرم تزریق نشده و همین امر موجب وخیم شدن وضعیت پدرم شد.
دختر متوفی توضیح داد: در زمان مرگ نیز پزشکی قانونی اعلام کرد که علت فوت آمبولی ریه و ایست قلبی ذکرشده درحالی‌که بیماری پدرمان انسداد روده بوده و مرگ مشکوک است؛ اما ما به دلیل اذیت شدن پدرمان در طول این مدت دیگر رضایت به کالبدشکافی و بررسی را ندادیم؛ اما موضوع عدم تزریق داروها و درعین‌حال تمام شدن آن‌ها را پیگیری کردیم.
وی با توضیح دربـاره جزئیات این موضوع می‌گوید: با پیگیری‌های انجام‌شده مشخص شد که داروهای گران‌قیمتی که به‌سختی اکثرا باقیمت بسیار بالاتر از نرخ عادی تهیه می‌کردیم، به پدرم تزریق نشده و تنها پس از اعتراضات ما به تزریق به‌طور نامنظم انجام‌شده است. این داروها ضد قارچ بوده و به دلیل عدم تزریق، عفونت و قارچ تمام بدن پدرم را گرفته و موجب مرگ وی شد.
دختر متوفی اضافه می‌کند: زمانی که برادرانم داروها را به بیمارستان می‌بردند، آن را تحویل پرستار بخش آی سی یو می‌دادند و بعدا مشخص شد که این فرد داروها را از ما تحویل می‌گرفته اما آن‌ها را دزدیده و به مریض تزریق نمی‌کرده است. به‌علاوه این پرستار هنگام تحویل دارو، برادرم را به قسمت رختکن که دوربین نداشته می‌کشانده و آنجا داروها را می‌گرفته است.
وی ادامه می‌دهد: موضوع را به بیمارستان اطلاع دادیم اما آن‌ها اهمیت نداده و قبول نکردند تا اینکه به جرائم پزشکی شکایت کردیم و با بررسی بازرس جرائم پزشکی، دزدیده شدن داروها توسط پرستار آی سی یو به نام «م. ص» و دو تن دیگر تائید و کیف این شخص نیز که حاوی شمار زیادی از داروهای دزدیده‌شده بود نیز یافت شد.
وی تصریح می‌کند: پس از شکایت ما و مجرم شناخته شدن پرستار آی سی یو، وی به ۶ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد اما متأسفانه یک ماه پس از فوت پدرم، متوجه شدیم که وی از زندان آزادشده و مجددا دریکی از بیمارستان‌های تهران در همین سمت مشغول به کار است. به‌منظور جلوگیری از رخ دادن دوباره این داستان برای دیگر افراد، از دادگاه درخواست تجدیدنظر کردیم اما همچنان این فرد مشغول به فعالیت است و امیدواریم با محکومیت وی از رخ دادن چنین موضوعی برای دیگر شهروندان جلوگیری شود.
مسئولین بیمارستان حاضر به شفاف سازی نشدن باوجود پیگیری‌های خبرگزاری مهر از بیمارستان مربوطه در خصوص ارائه توضیحات و دفاعیات لازم نسبت به اقدام انجام‌شده و سرقت داروها توسط سه تن از کارکنان بیمارستان، هیچ‌کدام از مسئولین ازجمله رئیس بیمارستان، مدیر، رئیس بخش کادر پزشکی و بخش حقوقی بیمارستان هیچ‌یک حاضر به پاسخگویی نشدند.
این در حالی است که باوجود اطلاع مسئولان این بیمارستان از جرم انجام‌شده اما اقدامی برای مقابله به این امر نشد و تنها با شکایت خانواده بیمار فوت‌شده، فرد متهم مجرم شناخته شده اما به دلایل نامعلوم پس از یک ماه از زندان آزاد و در یکی از بیمارستان‌ها مجددا مشغول به کارشده است. از طرفی وقتی کارکنان یک مجموعه چنین خلاف بزرگی را مرتکب می‌شود قطعا مسئولان آن مجموعه نیز زیر سؤال هستند و باید پاسخگوی مدیریت نا به سامانشان باشند.
در این خصوص کیانوش جهانپور مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت در گفتگو با مهر گفت : در این موارد رسالت وزارت بهداشت و هر نهاد متولی درمان در سطوح پیشگیری، نظارت و شناسایی و برخورد مطرح می‌شود، پیشگیری از بروز این موارد مستلزم ارتقای مداوم فرآیندهای نظارتی، ارتقای فرآیندهای گزینش نیروی انسانی، ارتقای فرآیندهای حفاظتی است که در این خصوص در تمام سال‌های اخیر گام‌های بلندی برداشته‌شده است به‌عنوان نمونه حراست الکترونیک و استفاده از دوربین‌های مداربسته در بخش‌های ویژه بخصوص بخش‌های که بیمار سطح هوشیاری پایینی دارد توانسته است ضریب امنیت را افزایش دهد و هم‌زمان شناسایی موارد تخلف احتمالی و برخورد با متخلف یا مجرم را تسهیل نماید.
جهانپور با بیان اینکه متأسفانه تخلف و افراد ناهنجار در هر محیط و هر حرفه‌ای هستند، افزود: لکن ابزارهای موجود فرآیند شناسایی و برخورد با این دسته افراد معدود که لکه‌هایی بر دامان سپید خانواده نظام سلامت هستند را تسهیل کرده و ارتقا داده است.
وی با بیان اینکه این‌گونه افراد فاقد صلاحیت هرگونه کاری که مرتبط با سلامت و حتی سایر حوزه‌های اجتماعی بوده و برخورد شدیدتر مراجع قضایی می‌تواند آثار بازدارنده‌ای داشته باشد، تصریح کرد: در این مورد خاص که ظاهرا دریکی از بیمارستان‌های غیردولتی به وقوع پیوسته، دستگاه قضایی ورود کرده است و وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز با جدیت و قاطعیت حتی با مواردی که شائبه این‌گونه حرکات مجرمانه برود، برخورد نموده و هم‌زمان با ارتقای فرآیندهای نظارتی، برخورد با این موارد را با شدت و حدت در دستور کار خود دارد و از حقوق بیمار ذره‌ای کوتاه نخواهد آمد.
چندی قبل هم مشکل فروش داروی بیماران توسط برخی متخلفان گزارش‌شده بود که در همان زمان محمد حاجی آقاجانی معاون وقت قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت در گفت‌وگو با رسانه‌ها درباره ناپدید شدن داروهای بیماران در بیمارستان‌ها که عنوان می‌شود برخی کارکنان پس از فوت بیماران این داروها را برداشته و در بازار آزاد به قیمت‌های گزافی می‌فروشند، اظهار داشت: این مشکل ازآنجا نشات می‌گیرد که باید بیمارستان‌ها تمام داروها و لوازم مصرفی را خودشان تهیه کنند و بیمار نباید چیزی از بیرون از بیمارستان تهیه کند.

ترک معالجه بیمار و قتل عمد
قتل عمدی عملی است عمدی، آگاهانه که بدون مجوز قانونی منتهی به مرگ انسان دیگری می‌شود. در این مورد چنانچه پزشک یا جراح در جریان معالجه و درمان یا انجام سایر امور پزشکی، عمداً عمل مادی مثبتی را انجام دهد که منجر به مرگ بیمار شود مرتکب قتل عمد شده است انصاف و عدالت حکم می‌کند چنانچه ازنظر عرف قتل مستند به ترک فعل باشد نیز بتوان او را قاتل دانست زیرا خون شهروندان نباید هدر برود. بنابراین چنانچه پزشک یا جراح به قصد سلب حیات بیمار از معالجه وی سرباز زند و در نتیجه بیمار بمیرد چنین قتلی عمد و موجب قصاص است و نیز چنین است اگر پزشک یا پرستار آمپولی تزریق کند که حاوی مواد شیمیایی کشنده باشد یا مقداری از دارویی را به بیمار بخوراند که بیش‌ازحد مجاز بوده و باعث مرگ وی شود، مطابق ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی عمل چنین فردی قتل عمد محسوب می‌شود.
همچنین اگر پزشک با جراح و یا سایر متصدیان امور پزشکی در جریان انجام امور پزشکی مرتکب بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی شوند یا بدون مهارت در قسمتی از امور به انجام آن مبادرت ورزند و در نتیجه قتل یا صدمه بدنی حادث شود عمل وی با توجه به مفهوم مخالف ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین تبصره ۳ ماده ۲۹۵ همین قانون جرم بوده و در حکم شبه عمد خواهد بود.

ضرورت افزایش نظارت و تقویت ساختار
قطعا افـراد متخلف در هر قشری هستند و نمی‌توان به خاطر خطاهای انگشت‌شمار، صداقت و زحمات بی‌دریغ جامعه درمان کشور را نادیده گرفت، اما ممکن است اگر کسی در یک شغل اداری یا خدماتی تخلفی داشته باشد، این تخلف تنها باعث خسارات مالی برای مردم شود، اما در این حرفه مقدس کوچک‌ترین تخلف می‌تواند به قیمت جان بیماران تمام شود، همین موضوع ضرورت نظارت و توجه بیشتر بر رفتار و عملکرد کارکنان نظام سلامت را دوچندان می‌کند.
از طرفی در این‌گونه پرونده‌ها باید نهایت سختگیری و مجازات را اعمال کرد، چراکه بازدارنده نبودن مجازات و مماشات با فرد متخلف می‌تواند زمینه تخلفات مجدد و تأثیرات جبران‌ناپذیر آن را به‌شدت افزایش دهد.
این پرونده از چند منظر قابل بررسی است که موضوع سرقت تنها یک وجه آن است، مشکل اصلی این‌گونه تخلفات اثرات انجام این فعل است.
آیا از لحاظ قانونی موضوع ارتباط بین ندادن دارو و فوت بیمار قابل رسیدگی و پیگیری است؟ این خانواده چگونه می‌تواند ثابت کند که پدرشان به خاطر تخلف پرستار و ترک درمان فوت کرده است و اگر این‌چنین باشد، آیا اتهام قتل عمد متوجه فرد متخلف خواهد بود یا خیر؟
آنچه در این حوزه نباید از آن غافل شد، بحث نظارت است، معاونت عریض و طویل درمان وزارت بهداشت وظیفه نظارت بر بیمارستان‌ها را عهده‌دار است. متأسفانه بروز چنین موارد و بسیاری از مشکلات بیمارستانی در حوزه‌های درمانی که خود مردم در بیمارستان‌های دولتی و بعضا خصوصی شاهد آن هستند، نشان از کم‌کاری و شاید سو مدیریت در این معاونت دارد که امیدواریم با توجه به تغییر ساختار وزارت بهداشت در چند ماه گذشته، بهبود وضعیت و تغییرات مثبت را در این حوزه نیز شاهد باشیم.

خسرو نیستانی

رابطه بین عفونت های کشنده و ژن

در تلفات و مرگ و میر بیماری های عفونی همیشه شدت و حدّت بیماری زائی جرم عامل بیماری و از طرف دیگر واکسینه نبودن یا ضعف سیستم ایمنی را مقصر می دانیم. اخیراً متوجه شده اند که همیشه هم علت مرگ و میر بیماری های عفونی این دو عامل نیستند، حتی در مواردی باکتری یا ویروس دارای حدّت و شدت نیستند و گاهی باکتری های ضعیفی هم هستند و سمّ خیلی کشنده ای هم ندارند، سیستم ایمنی بیمار هم بسیار قوی و بدون عیب است، اما با این همه بیمار با یک عفونت خفیف جان خود را از دست می دهد! محققین به این نتیجه رسیده اند که این مسئله با ژن ارتباط دارد و موتاسیون و جهش های نامحسوسی در ژن توان بدن ما را در برابر عوامل مهاجم تضعیف می کند. گاهی مشاهده می کنیم کودکی با یک آنفلوانزای ساده می میرد، چرا این بیماری ویروسی خفیف که قاعدتا می توانستیم آن را درمان کنیم و سیستم دفاعی بدن کودک هم بدون عیب بود، توانست کودک بیمار را بکشد؟
همان طور که گفتیم تحقیقات اخیر نشان داده است در چنین مواردی ژن دخالت دارد. بیشتر بررسی هایی که در این زمینه انجام شده توسط Jean Laurent Casanova بوده است. کازانوا یک متخصص ایمنی شناسی کودکان و متخصص ژنتیک در دانشگاه راکفلر است. کازانوا به موارد دردناک و تأثربرانگیز مرگ و میر کودکان با یک فلوی ساده توجه ویژه پیدا کرد و به این فکر کرد که چرا این کودکان بدون هیچ علت آشکار و اساسی می میرند و چرا برخی کودکان با یک سرماخوردگی ساده کارشان به ICU می کشد. او به مواردی فکر می کرد که بیماران قابل درمان و ادامه حیات بودند و حتی بیماری شان برای ما بدون آسیب و زیانی بود و با این همه آنها مردند و راهی گورستان شدند.
کازانوا چنین بیماری هایی را عفونت های معماگونه می نامید. بیماری HSV (Herpes Simplex Viruses) که یک تبخال منتشر در همه بدن است می تواند موجب ایجاد جوش های آزار دهنده پوستی شده و در بسیاری از موارد هم ضایعاتی در دستگاه تناسلی ایجاد کند (Herpes Genitalis) و یک نوع آن هم بدون آزار زیر پوست لب ها مخفی می باشد. هرپس لابیالیس (Herpes Labialis) در مواردی که تبی ایجاد شود، به صورت جوشی روی لب ها ظاهر می شود و در موارد نادری HSV می تواند به مغز حمله کند و تورم کشنده مغز(آنسفالیت) بدهد. یا قارچ کاندیدا آلیباکانس (Candida Albicans) که یک قارچ همه جایی است و در کسانی که سیستم ایمنی ضعیف دارند می تواند موجب ایجاد صدمات وسیعی شود و گاهی اشخاص را مکرراً درگیر و گرفتار کند، حتی با یک بیماری وخیم مانند سل.
کـازانـوا مـی گوید در جاهایی کـه TB (توبرکولوزیس ـ سل) اپیدمی است و میکروب با جارو کردن معابر در هوا پراکنده می شود و مردم آن را تنفس می کنند و وارد ریه آنها می شود، با این همه مردم به سل مبتلا نمی شوند، با این همه مشاهده می کنیم که عده معدودی حدود یک درصد با چنین عفونت هایی می میرند و این همان معمایی است که کازانوا را به خود مشغول کرده است و می گوید: این شانس و سرنوشت این افراد نبوده که جان خود را از دست بدهند این علت خاصی دارد، در برخی موارد حساسیت به یک عامل عفونی خاص مثل کاندیدا در خانواده وجود دارد. مشاهده این موارد موجب شد که کازانوا فرضیه خود را ارائه دهد و بگوید: برخی از ما جهش های ژنتیکی خاصی داریم که موروثی یا خود بخودی هستند و ما را در برابر یک جرم خاص حساس می کنند همان طور که عده ای در برابر گندم آسیب پذیر هستند(بیماری سلیاک). در دو دهه اخیر کازانوا اغلب با لـرون اپل (Laurent Apel) از بیمارستان کودکان Necker پاریس کار می کرد و علاوه بر این محققان چند آزمایشگاه دیگر هم چند جهش تک ژنی را شناسایی کردند که موجب این آسیب پذیری ها و مرگ های تعجب برانگیز می شدند. این جهش ها در دفاع خرابکاری نمی کنند از آن گونه خرابکاری هایی که برخی عوامل کم کننده شدید سیستم ایمنی می کنند مانند SCID (Severe Combined Immunodeficiency) کـه سندرم Bubble boy گفته می شود و امروزه با پیوند مغز استخوان درمان می شود.
کازانوا شرح می دهد که در این ها گاهی یک باکتری یا یک ویروس هستند، در مورد سرماخوردگی شدید گروه کازانوا شناسایی کرده اند که دو ژن کاستی پیدا می کنند، یکی از آنها موجب کاهش تولید انترفرون می شود و می دانیم که انترفرون یک وسیله جنگ بدن با ویروس هاست و ژن با کاهش تولید انترفرون بدن را در مقابل ویروس ها خلع سلاح می کند و از این راه در حالی که سیستم ایمنی بدون عیب است با یک عفونت ویروسی فوت می کند که در اینجا مقصر اصلی ژن جهش یافته است. کاستی دوم توسط ژن هنوز منتشر نشده است. در ورم مغز تبخالی (HSV) یک دسته جهش های ژنتیکی اتفاق می افتد که منجر به تورم قسمت قدامی مغز می شود و یک گروه دوم جهش ژنی موجب آسیب پذیری در قسمت خلفی مغز می شود. در فلو کودکان در نهایت آنتی بادی محافظی ایجاد می کند که موجب جبران نقص ژنتیکی می شود که این در مورد تبخال هم صادق است. بسیاری از این جهش ها نادر هستند اما کازانوا می گوید اخیرا آزمایشگاه او یک کاستی ژنی پیدا کرده است که موجب آسیب پذیری در برابر میکروب سل می شود و به نسبت یک در ششصد در مردم اروپایی نژاد و یک در هزار در تبارهای دیگر وجود دارد. ایزابل میتس (Isabelle Meyts) یک ایمنی شناس کودکان از بیمارستان دانشگاه لوون (Leuven) در بلژیک می گوید این دست آوردها نشان می دهد که ما باید کمی از توجه خود را به جای توجه به جرم عامل بیماری، به میزبان معطوف کنیم. این یافته ها همچنین شناخت ما را از سیستم ایمنی و دفاعی بدن بخصوص دفاعیاتی که به گلبول های سفید خون ربط ندارند بالا می برد و افزایش می دهد.
Helen Sue ایمنی شناسی از انستیتوی ملی آلرژی و بیماری های عفونی می گوید: در سیستم دفاعی جنگ با جرم مهاجم در بدن ما یک ساختمان بزرگ وجود دارد که ما را وادار می کند تا یاد بگیریم که حمایت اصلی در مقابل جرم مهاجم می تواند به یک "تک ژن" مربوط باشد. نتیجه این اصل این است که پزشکان باید در موارد پیچیده روی ژن کار کنند. Meyts می گوید نتیجه اصلی این بحث این است که پزشک را در مواردخاصی که ژن علت مرگ و میر می شود یعنی همان موارد "معماگونه" به درمان خاص راهنمایی می کند. به عنوان مثال کازانوا و دیگران ده ها مورد دیگر یافته اند که جهش موجب اختلال در جنگ با میکوباکتریوم های غیر سلی می شد که در اثر بهم ریختن انترفرون که یک فعال کننده کلیدی سیستم ایمنی است می باشد.
کازانوا می گوید: تجویز این انترفرون به چنین بیمارانی کار زیبایی است و مانند دادن انسولین است به بیماران دیابتی. یک بررسی و تحلیل ژنتیکی قادر است پزشکان را توانا سازد که با مشاوره دریابند چه کسانی در این خطر هستند و در عفونت آنها ژن توان دفاع آنها را کم کرده و تجویز انترفرون به آنها کمک می کند و مانع مرگ آنها می شود. این مهم است که خانواده ها یاد بگیرند کودکی که با یک بیماری ساده می میرد از بدشانسی نیست بلکه از یک ژن ناقص و معیوب است و "سو" عقیده دارد دانستن این مسئله موجب ایجاد یک آرامش عظیم برای خانواده می شود. کازانوا می گوید خانواده ها باید بدانند در این موارد مرگ عزیزشان از آلودگی هوا و از بدشانسی و نصیب و قسمت نبوده است.
خلاصه و نتیجه این مقاله این است که پزشکان در چنین موارد خاصی به درمان با انترفرون فکر کنند.

دردسرهای نوشابه‌های رژیمی برای قلب و مغز

به نظر می‌رسد نوشابه‌های رژیمی جایگزین سالم‌تری برای نوشابه‌های معمولی باشند. این نوشابه‌ها فاقد قند و شیره‌ی ذرت با فروکتوز بالا هستند که باعث مضر بودن نوشابه‌های دیگر می‌شود. نوشابه‌های رژیمی با انواع شیرین‌کننده‌های مصنوعی شیرین می‌شوند، پس چرا نباید مصرفشان کنیم.

گاهی می‌شنوید که شیرین کننده‌های مصنوعی سرطان‌زا هستند. هر چند شواهد قانع‌کننده‌ای مبنی بر سرطان‌زا بودن این مواد در انسان وجود ندارد اما باز هم توصیه شده است از مصرف نوشابه‌های رژیمی پرهیز کنید. یکی از دلایل چنین توصیه‌ای این است که شیرین کننده‌های مصنوعی، ریسک بیماری قلبی را بالا می‌برند.

آیا بین نوشابه‌های رژیمی و بیماری قلبی ارتباط وجود دارد؟

مطالعه‌ای جدید که توسط انجمن قلب استرالیا صورت گرفته به بررسی این موضوع پرداخته است. در این آزمایش، بیش از ۸۰۰۰۰ زن به مدت ۱۲ سال تحت کنترل بودند.

دانشمندان دریافتند زنانی که روزانه ۲ بار یا بیشتر نوشابه‌ی رژیمی می‌نوشیدند، ۱۶ درصد بیشتر در معرض بیماری قلبی و سکته مغزی قرار داشتند. نقطه قوت این مطالعه این است که روی تعداد زیادی از افراد و طی مدت نسبتاً طولانی انجام شده است. نقطه ضعف این پژوهش نیز در این است که سایر فاکتورها (رفتارها و عادت‌هایی که این افراد داشتند و با بیماری قلبی مرتبط بوده) در نظر گرفته نشده است.

مصرف نوشابه‌های شیرین شده با قند نیز با بیماری قلبی و سکته مغزی ارتباط دارد. در واقع، نوشیدن فقط یک وعده نوشابه در روز منجر به افزایش ۲۰ درصدی ریسک حمله قلبی می‌شود. یکی از دلایل می‌تواند قند افزوده در نوشابه‌های غیررژیمی باشد. رژیم غذایی پُر از قند، قند خون و ریسک دیابت و چاقی را بالا می‌برد. نوشابه‌های شیرین شده با قند نیز تریگلیسرید و شاخص‌های التهابی را افزایش می‌دهند، که هر دو برای قلب و رگ‌های خونی مضرند.

نوشابه‌های رژیمی چه ارتباطی با بیماری قلبی دارند؟

برخی مطالعات نشان می‌دهند نوشابه‌های رژیمی می‌توانند با وادار کردن فرد به بیشتر خوردن، ریسک چاقی را افزایش بدهند. وقتی شما نوشابه‌ی گازدار می‌نوشید، بدنتان انتظار دارد کالری به آن برسانید. اگر این کالری را دریافت نکند، همچنان احساس کمبود انرژی می‌کند و این باعث می‌شود تمایل بیشتری به دریافت کالری پیدا کند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند شیرین کننده‌های مصنوعی، میکروبیوم روده را جوری تغییر می‌دهند که احتمال چاقی بیشتر می‌شود.

هر چند نوشابه‌های رژیمی بدون قند، مانند نوشابه‌های قندی، سطح قند خون را بالا نمی‌برند؛ اما برخی آزمایشات نشان داده‌اند ریسک سندروم متابولیک را که زمینه‌ساز دیابت نوع دوم است افزایش می‌دهند. نوشیدن نوشابه‌های رژیمی منجر به افزایش برخی از شاخص‌های سلامت متابولیک و ریسک بیماری قلبی می‌شود. ضمناً مروری بر چند مطالعه نشان داده با مصرف هر قوطی نوشابه رژیمی، ریسک دیابت نوع دوم ۱۳ درصد بالا می‌رود.

چیزی که مسئله را پیچیده‌تر می‌کند این است که خیلی از افـراد، نوشابه‌های رژیمی را در تلاش برای جبران یک وعده غذایی پُرکالری یا عادات بد غذایی مصرف می‌کنند. مثلاً یک ساندویچ همبرگر بزرگ با سیب زمینی سرخ کرده و سس سفارش می‌دهند و یک نوشابه‌ی رژیمی هم در کنارش! این مشکل، شایع‌تر از آن است که فکرش را بکنید. افرادی که این شیوه را در پیش می‌گیرند، عادات ناسالم دیگری هم دارند که ریسک حمله قلبی و سکته مغزی را افزایش می‌دهند. مطالعه‌ی دیگری که در مجله‌ی General Internal Medicine چاپ شد، نشان داد ریسک سکته مغزی و حمله قلبی در افرادی که نوشابه‌های رژیمی مصرف می‌کردند، حتی با وجود کنترل سایر مشکلات سلامتی مانند فشارخون بالا، کلسترول بالا و دیابت نوع دوم، بالا بوده است.

نوشابه‌ی رژیمی چگونه می‌تواند منجر به بیماری قلبی شود؟

متأسفانه دانشمندان هنوز نمی‌دانند چرا چنین ارتباطی میان نوشیدن نوشابه‌ی رژیمی و بیماری قلبی وجود دارد چون مکانیسمی وجود ندارد که بتوان با آن چگونگی این ارتباط را توجیه کرد. تحقیقات نشان می‌دهد نوشابه‌های انرژی‌زا، عملکرد رگ‌های خونی را جوری مختل می‌کنند که ریسک مشکلات قلبی بالا می‌رود، اما نوشابه‌های انرژی‌زا، مقدار زیادی کافئین و عناصر دیگری دارند که موجب انقباض رگ‌های خونی می‌شوند. شما نمی‌توانید بگویید نوشابه‌های گازدار، همین اثر را روی قلب و رگ‌ها دارند زیرا نوشابه‌های انرژی‌زا، حاوی عناصر دیگری نیز هستند که شامل محرک‌ها نیز می‌شود.

چرا باز هم توصیه می‌شود نوشابه ننوشید؟

اگر ارتباط میان نوشیدن نوشابه‌های رژیمی و بیماری قلبی شما را نترسانده، شاید این موضوع زنگ خطر را به صدا درآورد: دانشمندان دریافتند افرادی که روزانه دست‌کم یک نوشابه‌ی رژیمی می‌نوشیدند، ۲.۸۹ بار بیشتر در معرض آلزایمر و ۲.۹۶ بار بیشتر مستعد سکته مغزی ایسکمیک بودند. سکته مغزی ایسکمیک در اثر باریک شدن یا انسداد رگی که خون را به مغز می‌فرستد به وجود می‌آید.

این مطالعه نیز رابطه‌ی علت و معلولی را نشان نداد اما نگرانی‌ها را در مورد چگونگی اثر نوشابه‌های قندی بر قلب و رگ‌های خونی و سلامت مغز افزایش داد.

تحقیق دیگری در دانشکده پزشکی دانشگاه بوستون که در مجله Stroke به چاپ رسید، بیش از ۴۰۰۰ نفر را مورد مطالعه قرار دادند. پس از ده سال با بررسی این افـراد متوجه شدند کسانی که هر روز نوشابه رژیمی مصرف می‌کردند، سه برابر بیشتر از افرادی که نوشابه‌ی رژیمی نمی‌خوردند، دچار سکته مغزی و زوال عقل شدند.

حرف آخر

نوشابه‌های رژیمی هیچ ارزش غذایی ندارند و با وجود اینکه فاقد قند و کالری‌اند، این نگرانی وجود دارد که برای قلب و رگ‌هایتان مضر باشند. نوشابه‌های قندی نیز ننوشید! جایگزین مناسب این نوشابه‌ها، آبی است که با چند برش میوه طعم‌دار شده و یا چای بدون قند و شکر. اگر دوست دارید نوشابه‌ی گازدار بنوشید می‌توانید آب گازدار در آبمیوه‌تان بریزید و بدون قند و شیرین کننده‌های مصنوعی، از نوشیدنی گازدارتان لذت ببرید.

کوچک‌ترین نوزاد جهان از بیمارستان توکیو مرخص می‌شود

نوزاد پسری که هنگام تولد فقط ۲۶۸ گرم وزن داشت و تصور می‌شود کوچک‌ترین نوزادی در جهان باشد که به طور موفق درمان شده است، از بیمارستانی در توکیو مرخص شد. به گزارش بی‌بی‌سی این نوزاد که با عمل سزارین اورژانس در ماه اوت در تابستان گذشته به دنیا آمد، آن‌قدر کوچک بود که در یک جفت دست پیاله شده جای می‌گرفت.

این نوزاد در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد تا زمانی که هفته پیش دو ماه پس از تولدش از بیمارستان مرخص شد. این نوزاد اکنون ۳.۲ کیلوگرم وزن دارد و به طور طبیعی تغذیه می‌کند. این نوزاد که در ۲۴ هفتگی متولد شد، پنج ماه را در بیمارستان گذراند.

مادر او گفت:«من فقط خوشحالم که او به این اندازه بزرگ شده است، راستش فکر نمی‌کردم زنده بماند.»

دکتر تاکشی آریمیتسو که این نوزاد غیرعادی را درمان کرد ،می‌گوید او کوچک‌ترین نوزادی است که در یک بیمارستان به دنیا آمده و زنده مرخص شده است.

رکـورد قبلی در این مورد مربوط به پسری در آلمان بود که با وزن ۲۷۴ گرم متولد شد. کوچک‌ترین نوزاد دختر زنده‌مانده نیز مربوط به آلمان در سال ۲۰۱۵ می‌شود که ۲۵۲ گرم وزن داشت.

به گفته مسئولان بیمارستان دانشگاه کیو که این نوزاد در آن متولد شد، میزان بقای نوزادان متولدشده زیر کیلوگرم در ژاپن ۹۰ درصد است. اما برای نوزادان زیر ۳۰۰ گرم این رقم به حدود ۵۰ درصد افت می‌کند.

در میان نوزادان کم‌وزن، میزان بقای پسران بسیار کمتر از دختران است. کارشناسان پزشکی دقیقاً نمی‌دانند علت این تفاوت چیست، اما عقیده دارند ممکن است رشد آهسته‌تر ریه‌های نوزاد پسر در این مورد دخیل باشد.

نیما اکبرپور

میلیون‌ها ممنوعیت برای خرید بلیت در چین

چین در سال گذشته میلادی ۲۳ میلیون بار جلوی خرید بلیت هواپیما و قطار را برای شهروندانش گرفته است. به گزارش آسوشیتدپرس و بر پایه گزارشی از مرکز اطلاعات اعتبار عمومی ملی چین، افرادی که اعتبار اجتماعی کمی کسب کرده بودند، ۱۷.۵ میلیون بار از خرید بلیت هواپیما و ۵.۵ میلیون باز از خرید بلیت قطار پرسرعت منع شدند. کاهش اعتبار عمومی این افراد به خاطر رفتارهای نامناسب بوده است. تعداد افرادی که نتوانسته‌اند به این علت بلیت بخرند بنابر گزارش دادگاه عالی چین، ۶.۱۵ میلیون نفر بوده است.

به عنوان بخشی از این سیستم، دولت چین یک فهرست سیاه عمومی از کسانی منتشر کرد که به ارتکاب جرم در دادگاه و به عنوان جریمه، برای آنها محدودیت‌هایی برای خرید بلیت‌ها وضع شده بود.

علاوه بر این نمره‌های اعتبار اجتماعی برای جلوگیری از رفتارهای ناپسند در سامانه حمل‌ونقل عمومی در نظر گرفته شده است و برای مثال به رفتارهایی چون اشغال نامناسب صندلی مسافران دیگران بستگی دارد. موارد دیگری چون اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند بر رتبه‌بندی فرد در سامانه اعتباری مورد نظر تاثیر بگذارد. دولت چین تصمیم دارد تا سال ۲۰۲۰ برای هر شهروند چینی پرونده‌ای تشکیل دهد که شامل همه داده‌های گردآوری‌شده ار رفتار آنهاست.

بالش رباتی نفس‌کش

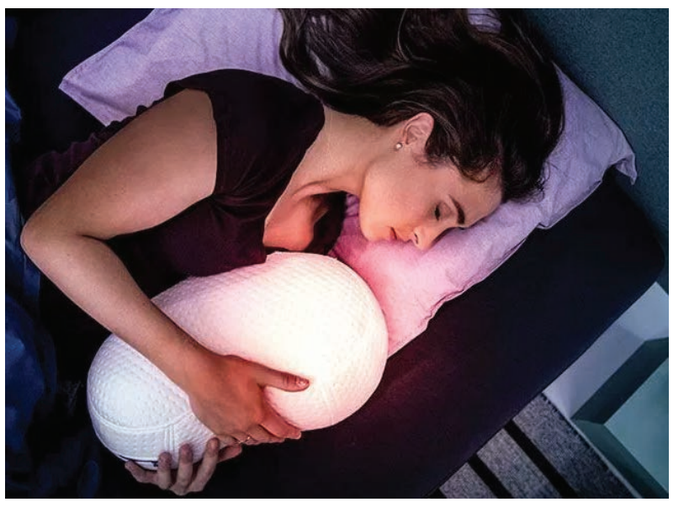

مشکل کم‌خوابی داریـد؟ پس با بالش رباتی Somnox آشنا شوید که مانند یک نوزاد نفس می‌کشد. مهندسان سازنده این بالش می‌گویند که سومنوکس که هم‌وزن یک گربه است، موسیقی پخش می‌کند و هدفش این است که با روش تنفس بودایی، نفس کشیدن شما را هنگام خواب تنظیم کند و به شما آرامش دهد.

سومنوکس بالش هوشمندی است که نرم‌افزارش به‌روز می‌شود، می‌تواند صداهایی چون نویز سفید، موسیقی مدیتیشن و تپش قلب پخش کند یا کتاب صوتی را که در نظر گرفته‌اید برایتان بخواند.

یا استفاده از اپلیکیشن می‌توانید آهنگ تنفس را تغییر دهید. زنگ بیدارباش آن با حرکات آهسته این بالش همراه می‌شود تا شما را با آرامش از خواب بیدار کند. دستگاه پوشیدنی خود را می‌توانید با این بالش هماهنگ کنید تا بر اساس وضعیت و فعالیت‌هایی که در روز داشته‌اید، آهنگ و ریتم تنفسی را برایتان انتخاب کند.

حفره امنیتی در مک، گوگل آبروی اپل را برد

ک گروه امنیتی در گوگل که برای شناسایی آسیب‌پذیری تولیدات شرکت‌های فناوری رقیب تلاش می‌کنند، این‌بار با افشای آسیب‌پذیری سیستم عامل مک‌اپل، آبروی آن را برد. به نقل از نئووین، گروه یادشده که به Zero team شهرت دارند علاوه بر شناسایی و اعلام وجود آسیب‌پذیری‌های نرم افـزاری در تولیدات و محصولات شرکت‌های رقیب، همین کار را در مورد تولیدات خود گوگل هم انجام می‌دهند.

اعضای این گروه بعد از کشف حفره‌های امنیتی در نرم افزارها و سیستم عامل‌های مختلف معمولا موضوع را به اطلاع شرکت سازنده رسانده و به آنها ۹۰ روز فرصت می‌دهند تا مشکل را حل کنند. در غیر این صورت موضوع توسط این گروه به طور عمومی اعلام شده و آبرو و اعتبار شرکت سازنده نرم افزار در معرض خطر قرار می‌گیرد.

سال گذشته Zero team آسیب پذیری‌ها و حفره‌های امنیتی ویندوز ۱۰ اس و مرورگر اج مایکروسافت را اعلام کرد و حالا از وجود یک آسیب‌پذیری بسیار خطرناک در هسته اصلی یا کرنل سیستم عامل مک اپل خبر داده است.

آسیب‌پذیری در هسته اصلی سیستم عامل مک امکان تزریق کدهای مخرب را به درون محیط این سیستم عامل به وجود می‌آورد. لذا دستکاری حافظه این سیستم عامل برای سوءاستفاده‌های خطرناک ممکن است. همین مساله به هکرها و مهاجمان اینترنتی امکان می‌دهد تا بی سروصدا و بدون اطلاع کاربران سیستم عامل مک را دستکاری کنند.

کارکنان گروه امنیتی گوگل این مشکل را در نوامبر سال ۲۰۱۸ به اپل گزارش کرده بودند، اما این شرکت برای رفع آن اقدامی نکرد و با توجه به اتمام ضرب الاجل ۹۰ روزه، گوگل موضوع را افشا کرده است. جالب آنکه بعد از افشای موضوع، اپل وجود چنین مشکلی را پذیرفته و از همکاری با گوگل برای رفع آن خبر داده است.

دفتر وکالت

سوزی دیوید

فرد دیوید

وکلای برجسته فارسی زبان
بر مبنای سالها تجربه حقوقی
در دادگاههای استرالیا قادر به
حداکثر کمک در موارد قانونی و دادگاهی
در خدمت جامعه ایرانی و فارسی زبان

- Compensation
- خرید و فروش املاک و مستقلات
- خرید و فروش مشاغل - شرکت و غیره
- کلیه امور دادگاهی
- امور جنایی
- دادخواهی از دادگاههای استرالیا
- امور مهاجرت
- خانواده و طلاق
- تنظیم وصیت نامه و انحصار وراثت

DAVID LEGAL
Migration Agent Reg Number 0104743
PH: 02 9728 5678 FAX: 02 9754 2988
Address: Suite 3/43 Harris St, Fairfield

سمیع مهدی

چرا کوچه‌ای در سنگاپور قندهار نامیده می‌شود؟

صدای اذان خفتن (عشا) و سپس نماز جماعت از بلندگوهای مسجد سلطان در مرکز دولت–شهر سنگاپور، در محله کمپونگ گلم بلند است. یکی از همراهان که ظاهراً با شنیدن صدای اذان در کشورهای مسلمان‌نشین عادت ندارد، به راهنمای گردش‌گری ما می‌گوید:
– آیا همیشه صدای مسجد بلند است؟
راهنمای ما، خانم بیتی، که خود اصالت چینی دارد، بانوی سالمند ولی بسیار سرِحال و با انرژی است. در پاسخ می‌گوید:
– بلی مسلمان‌ها نماز می‌خوانند.
همراه ما باردیگر می‌پرسد:
– آیا کسی در برابر صدای بلند اعتراض نمی‌کند؛ چون دارد فضای عمومی را محدود می‌سازد؟
خانم، با لبخند معناداری می‌گوید:
– شما می‌توانید سنگاپور را در جمع کشورهای با تحمل بالای مذهبی حساب کنید.
در میان گفت‌وگو و سوال‌های بی‌شماری که هریک از ما در مورد تاریخ و جامعه سنگاپور داریم، خانم بیتی ما را به کاخ آخرین فرمان‌روای مسلمان سنگاپور، سلطان حسین، می‌برد.
کمپانی هند شرقی در برابر گرفتن جزیره سنگاپور از سلطان حسین محمد شاه در سال ۱۸۲۴، محله کمپونگ گلم را برای او و ۶۰۰ نفر از اعضای خانواده‌اش واگذار کرد. در این محله، در کنار خانواده سلطان حسین، دیگر مسلمانان از اقوام بوگی، جاوایی، عرب‌ها، و بوینی‌ها نیز زندگی می‌کردند. به همین دلیل شمار مساجد این محله زیاد و بزرگ‌ترین آن مسجد سلطان است. از کنار مسجد سلطان گذشتیم و به سوی «کوچه قندهار» به‌راه افتادیم.
قرار بود نان شب را در یک رستوران مالیزیایی به نام «بومبو» صرف کنیم. با دیدن علامت Kandahar Street (کوچه قندهار) هیجان و کنجکاوی من بیش‌تر شد. هیجان ناشی از دیدن نام یکی از شهرهای کشورم در جایی که حتا تصورش را هم نمی‌کردم. کنجکاوی من بیش‌تر در مورد راز این نام‌گذاری است. از خانم بیتی پرسیدم:
– چرا این خیابان را قندهار نام‌گذاری کرده‌اند؟
در پاسخ گفت:
– در اوایل قرن بیستم، فرمان‌روایان بریتانیایی تصمیم گرفتند نام‌های شهرهای «عربی» را روی خیابان‌های این محله که جای بودوباش خانواده سلطان حسین و دیگر مسلمانان بود، بگذارند. به همین دلیل در این‌جا شما خیابان بصره، خیابان مسقط و هم‌چنین خیابان قندهار را می‌بینید.
در حالیکه این معلومات برایم جالب بود، پرسیدم:
– ولی قندهار که شهر عربی نیست، بلکه در افغانستان است.
خانم راهنما گفت:
– بلی، مگر افغانستان در شبه جزیره عرب نیست؟
گفتم:
– نخیر، افغانستان جنوبی‌ترین نقطه آسیای مرکزی است. در حالیکه چندتن از همراهان، از جمله داکتر فردریک استار، استاد دانشگاه جانس هاپکنس و آسیای‌میانه‌شناس معروف، شاهد این گفت‌وگو بودند، خانم راهنما با ناباوری ولی با احترام گفت که پس در این مورد باید مطالعه بیش‌تر کند.
داکتر استار، مانند معلمی که می‌خواهد با پرسیدن سوال حس‌کنجکاوی طرف را بیش‌تر تحریک کند، از منَ پرسید:
– خودت چه فکر می کنی، دلیل این نام‌گذاری چیست؟
گفتم:
– تا هنوز نمی‌دانم.
در جریان پاسخ گفتن به داکتر استار، چیزی به فکرم رسید؛ بسیاری از جهان‌گردان و مهاجران که قصد رفتن به استرالیا و اقیانوسیه را دارند، هنوز هم نخست وارد جزایر اندونزی می‌شوند و بعداً به سوی استرالیا حرکت می‌کنند.
جزیره سنگاپور همیشه یکی از لنگرگاه‌های تجارت دریایی از آسیای غربی و آسیای جنوبی به سوی اقیانوسیه بوده است. کسانی که در قرن ۱۹ از افغانستان به استرالیا رفته‌اند و نخستین کاروان‌های شتر را در آن‌جا هدایت می‌کردند، هنوز هم در استرالیا به نام «گان» یا «Ghan» که مخفف جالبی برای واژه افغان است، شناخته می‌شوند.
به داکتر استار گفتم که ممکن است شماری از آن‌ها در این‌جا، در کنار دیگر مسلمانان که برای تجارت به مجمع‌الجزایر اندونزی و مالزی می‌آمدند، توقف کرده باشند و این محله به نام آن‌ها شهرت یافته باشد.
گفت: می‌تواند نگاه جالبی به این موضوع باشد. ببین دیگر چه پیدا می‌کنی.
پس از بازگشت از خیابان قندهار به جستجو پرداختم تا راز این نام‌گذاری را دریابم. در صفحه انترنتی بورد میراث ملی سنگاپور دریافتم که شورای شهرداری سنگاپور در سال ۱۹۰۹ برخی از کوچه‌های محله کمپونگ گلم را دوباره نام‌گذاری کرد و برای شماری از خیابان‌های بی‌نام، نام‌های تازه را پیشنهاد کرد. مثلا خیابان سلطان را به جاده بصره تغییر نام داد و جاده دیگری را بغداد خواند.
اما کوچه‌های دیگری که امروز به نام‌های مسقط، علیوال، و قندهار شناخته می‌شوند، پیش از آن بی‌نام بوده‌اند. هرچند این منبع به ما کمک می‌کند که زمان نام‌گذاری را بدانیم، اما دلیل نام‌گذاری هم‌چنان مبهم است.
منبع دیگر، بورد کتابخانه ملی سنگاپور می‌گوید که «کوچه‌های زیر نام بصره، مسقط، و قندهار در منطقه کمپونگ گلم از شهرهای اسلامی اقتباس شده‌اند و در ۱۵ آوریل ۱۹۱۰ این نام‌ها از سوی مدیران شهرداری سنگاپور مورد تأیید واقع شد».
بر بنیاد این منبع، به نظر می‌رسد که این کوچه‌ها، از پیش به همین نام‌ها یاد می‌شدند، اما شهرداری سنگاپور در سال ۱۹۱۰ این اسامی را کتباً تایید کرده و رسمیت بخشیده است. شوربختانه این منبع هم دلیل اصلی و تاریخچه این نام‌ها را پیش از سال ۱۹۱۰، روشن نمی‌سازد.
در نهایت تصمیم گرفتم به نهادهای رسمی سنگاپور تماس بگیرم و خواهان معلومات شوم. یک پیام از راه ایمیل به آرشیو ملی سنگاپور فرستادم. با سرعت تعجب آوری که شاید تنها در خود سنگاپور بتوان نمونه آن را یافت، کم‌تر از یک ساعت پس از فرستادن پیام، به من پاسخ نوشتند. هرچند نویسنده این پاسخ گفته است که در بایگانی‌های آنلاین آرشیو ملی نتوانسته چیزی در مورد سوال من بیابد، اما مرا به مقاله ارجاع داده است که نکته تازه‌ای در آن دیده می شود:
«علی‌رغم نام‌های کوچه قندهار و در کنار آن کوچه بغداد و کوچه مسقط، این نام‌گذاری‌ها ریشه عربی ندارند. برعکس، باوری وجود دارد که این نام‌ها انعکاس دهنده محبوبیت داستان‌های عاشقانه فارسی–عربی اند که در تیاتر «بنگاساون» مالایا اقتباس و به نمایش گذاشته می‌شد».
بر بنیاد این منبع، ظاهراً شهرهای که در آن‌ها داستان‌های عاشقانه تئاتر بنگاساون اتفاق می‌افتاده، آن‌قدر محبوب بوده‌اند که نام این کوچه‌ها را از آن‌ها اقتباس کرده‌اند. اما این استدلال نیز نمی‌تواند چندان قانع کننده باشد.
از اشاره که در نقل قول بالا در مورد ریشه «عربی» این شهرها و شمردن قندهار در کنار آن‌ها شده است، می‌توان حدس زد غلط فهمی خانم بیتی، رهنمای گردش‌گری ما، از کجا آب می‌خورد.
این که چرا کوچه‌ای در آن‌سوی اقیانوس هند، در جنوب دریای چین، قندهار نامیده می‌شود، تا هنوز در پرده ابهام باقیست. تنها با حدس و گمان می‌توانیم به این نتیجه برسیم که این کوچه به نام بازارگانان (مهاجرین) که از قندهار به آن‌جا رفته و ساکن شده‌اند، یاد می شود.
البته این نکته نیز قابل توجه است که بیشتر کسانی که در آن سال‌ها از افغانستان به استرالیا رفته‌اند، قندهاری بوده‌اند. بنابرآن، این فرضیه تقویت می‌شود که این کوچه به یاد قندهاری‌های که به سوی استرالیا در سفر بوده‌اند، نام گذاری شده است.
البته، الزاماً همه آن‌هایی که در استرالیا به نام «گان» شناخته می‌شوند قندهاری و حتا افغانَ نبوده‌اند. برخی منابع می‌گویند که «گان» نام مشترکی بوده که نه تنها برای افغان‌ها، بلکه ایرانی‌ها، ترک‌ها، بلوچ‌ها، آسیای‌میانه‌ای‌ها، و حتا افریقایی‌های که پس از افغان‌ها به استرالیا آمده‌اند و بیش‌تر ساربان بودند، استفاده می شده است.
همان‌گونه که راهنمای ما می‌دانست قندهار در افغانستان است، ولی از شنیدن این که افغانستان در جزیره عرب نیست، شگفت‌زده شده بود. به گونه طنز آمیزی همین برداشت مشابه از جغرافیای منطقه در ذهن بعضی از مقام‌ها و مسئولان سنگاپور نیز دیده می‌شد. در نظر برخی از آن‌ها منطقه آسیای میانه اصلاً در خلای مطلق بود. منطقه‌ای به نام آسیای میانه با بیش از یک صد میلیون نفوس، در این دیدگاه جغرافیایی حضور و اهمیت خود را کاملا از دست می‌داد.
روز بعد، وقتی از داکتر ویویان کریشنان، وزیر خارجه سنگاپور در مورد برنامه‌های آن کشور برای افغانستان و منطقه‌ی آسیای‌میانه پرسیدم، با وضاحتی که کم‌تر یک دیپلومات بیان می‌کند، گفت:
– متأسفانه شما در اجندای (برنامه) ما نیستید.
سپس وقتی روشن صابرزاده، همراه تاجیکستانی ما، در مورد اقتصاد منطقه آسیای میانه توضیح داد و گفت که عاید ناخالص داخلی سنگاپور بیش‌تر از عاید مجموعی ناخالص داخلی تمام کشورهای آسیای میانه، به شمول افغانستان است، آقای وزیر دچار تعجب شده بود و دوبار تکرار کرد:
– باورم نمی‌شود. ممکن است این آمار را دوباره چک کنید؟!
هنگامی که روشن توضیحات بیش‌تر ارائه کرد، داکتر کریشنان گفت:
– شما یک منطقه جغرافیایی بسیار بزرگ هستید، چطور ممکن است این ارقامَ درست باشد؟
هرچند این یک بیان تلخ از واقعیت اقتصادی کنونی منطقه ماست، ولی ما پاسخ خود را دریافتیم که چرا نباید در اجندای سنگاپور، یکی از اقتصادهای بالنده‌ی جهان، جای داشته باشیم.
با این حال، واضح است که مردم منطقه ما، به ویژه افغانستان، تقریباً دو قرن پیش‌تر از امروز توانستند مناسبات فرهنگی و اقتصادی با آن گوشه جهان ایجاد کنند. قصه کوچه‌ی قندهار در حد اشاره‌ای است به امکان بازیابی و پرورشِ چنین رابطه‌ها.

سهراب سیرت

صلح با طالبان: حرف روشن و نقش نامرئی بریتانیا

با داغ شدن بحث صلح افغانستان، این روزها نام کشورهای مختلفی که در این روند درگیرند یا هم می‌خواهند سهمی و نقشی در آن داشته باشند مطرح می‌شود. اما بریتانیا که از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا در آغاز مداخله نظامی به افغانستان در سال ۲۰۰۱ بود و در ادامه و تا اکنون بالاترین شمار سربازان بعد از آمریکا در این کشور را دارد، چه نقشی در پایان دادن جنگ هجده‌ساله و روند جاری صلح در افغانستان داشته است؟
تحولات سیاسی افغانستان و مسئله جنگ و صلح آن همواره برای بریتانیا مهم بوده است. سال گذشته وزیر دفاع بریتانیا که به کابل رفته بود تاکید کرد که امنیت و توسعه در افغانستان به کاهش تهدیدات در خیابان‌های بریتانیا کمک می‌کند و گفت تلاش در این راستا در اولویت دستور کار بریتانیا در افغانستان قرار دارد.
بحث مذاکرات مستقیم آمریکا با طالبان به طور ملموس‌تری در سال ۲۰۱۳، یک سال قبل از خروج بخش بزرگی از نیروهای آمریکایی، بریتانیایی و بین‌المللی از افغانستان در زمانی آغاز شد که طالبان رسما صاحب دفتری در دوحه، پایتخت قطر شدند. حامد کرزی، رئیس‌جمهوری وقت افغانستان که تلاش‌هایش برای به مصالحه کشاندن طالبان ناکام مانده بود، از گشایش این دفتر به شدت ناخشنود بود و این باعث شد روابطش با آمریکا پرتنش‌تر شود.
در آن زمان دیوید کامرون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا گفت از طرح گفت‌وگوهای مستقیم با طالبان حمایت می‌کند ولی این گفت‌وگوها باید حتما به رهبری افغان‌ها صورت بگیرد.
حالا که دور جدیدی از گفت‌وگوهای آمریکا و طالبان در قطر وارد پنجمین مرحله‌اش شده است، در غیاب دولت افغانستان هر دو طرف روی چارچوب کلی به توافق رسیده‌اند و برای رسیدن به یک توافق نهایی اظهار خوشبینی می‌کنند. بازیگر اصلی این دور مذاکرات زلمی خلیلزاد، فرستاده رئیس‌جمهوری ترامپ است که می‌خواهد هر چه زودتر به جنگ افغانستان پایان داده شود. دولت آمریکا هم به این نتیجه رسیده است که برای به انجام رساندن این کار هیچ فرد دیگری مناسب‌تر از زل نخواهد بود. این سیاستمدار کهنه‌کار جمهوری‌خواه آمریکایی افغان‌تبار در حال حاضر توافق صلح با طالبان را که شاید چند سال فقط نظریه‌ای بیش نبود کم کم به واقعیتی اجتناب ناپذیر مبدل می‌کند.

بریتانیا؛ حامی روند صلح
در حالی که بریتانیا به شدت درگیر حل بحران سیاسی داخلی خود برای خروج از اتحادیه اروپا است و تمرکز اصلی رهبران آن بیشتر روی مسایل سیاسی داخلی این کشور است، اما ثباتش را در سیاست خارجی برای کشورهای غیر از اتحادیه اروپا حفظ کرده است.
با آن که بریتانیا به طور مستقیم درگیر این روند نیست ولی این کشور از این گفت‌وگوها اعلام پشتیبانی کرده است و به نظر می‌رسد در موضع بریتانیا در این زمینه تغییری نیامده است.
گارت بیلی، نماینده ویژه دولت بریتانیا برای افغانستان و پاکستان می‌گوید بریتانیا به این باور است که برای پایان بخشیدن به جنگ افغانستان نیاز به راه حل سیاسی است و این راه حل باید به رهبری افغان‌ها و در روندی با مالکیت افغان‌ها به دست بیاید.
پیشبرد روند صلح به رهبری افغان‌ها، از مواردی است که بریتانیا در مراحل مختلف این روند بر آن تاکید کرده است، چیزی که حد اقل در حال حاضر در عمل دیده نمی‌شود. دولت افغانستان در نشست‌های دوحه غایب است. طالبان این دولت را دست‌نشانده می‌خوانند و با وجود اصرار نماینده آمریکا، این گروه تا حالا حاضر به مذاکره با دولت افغانستان نشده است. با این حال آقای بیلی اضافه می‌کند: برای تسریع این روند ما از کار حیاتی که زلمی خلیلزاد، نماینده ویژه آمریکا برای مصالحه افغانستان در پیش گرفته است استقبال می‌کنیم. دولت بریتانیا در همکاری نزدیک با دولت جمهوری اسلامی افغانستان، آقای خلیلزاد و دیگر شرکای بین‌المللی برای تحقق هر چه سریع‌تر این هدف تلاش می‌کند.

نقشی نامرئی
نقش بریتانیا در این گفت‌وگو خنثی نه بلکه بیشتر نامرئی بوده است.
مایکل سمپل، افغانستان‌شناس و دیپلمات سابق اتحادیه اروپا در افغانستان که حدود یک دهه پیش خود گفت‌وگوهایی با طالبان داشته است و سیاست بریتانیا را به خوبی می‌شناسد می‌گوید زمان زیادی را گرفت تا آمریکا و طالبان برای یک گفت‌وگوی جدی باهمدیگر آماده شوند.
در آخرین روزهای سال ۲۰۰۷ میلادی دولت افغانستان مایکل سمپل ایرلندی و مروین پاترسون بریتانیایی را که یکی به عنوان نماینده اتحادیه اروپا و دیگری به حیث کارمند سازمان ملل به افغانستان رفته بودند، متهم به فعالیت‌هایی که وظیفه شان نیست کرد و از این کشور اخراج کرد. گفته شد آنها بدون این که دولت افغانستان را در جریان بگذارند هنگام ماموریت شان در ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند در جنوب افغانستان نشست‌هایی با طالبان داشتند. آقای سمپل بعد از آن گفت که او و آقای پاترسون قربانی سیاست‌های محلی شدند.
پس از بیش از یک دهه از آن رویداد آقای سمپل که تجربه کار در کمیسیون عالی بریتانیا در اسلام‌آباد را هم در کارنامه‌اش دارد، می‌گوید آن گفت‌وگوهای اولیه او را متقاعد کرد که وجوه مشترک فراوانی میان طرف‌های درگیر در افغانستان وجود دارد: این یک تراژدی است که درگیری‌ها اینقدر به درازا کشیده است.
به باور او طی سال‌های گذشته بریتانیا درگیر گفت‌وگوهایی در سطح پایین‌تر با طالبان بوده از جمله گفت‌وگوهایی که در هفت سال گذشته با نمایندگان سیاسی طالبان در دوحه انجام شده است و گاهی ساعت‌ها طول کشیده است.
بریتانیا روابط و نفوذ قابل توجهی در میان رهبران سیاسی پاکستان، همسایه افغانستان دارد. همسایه‌ای که همواره از سوی رهبران افغانستان به پناه دادن به رهبران طالبان و حمایت از این گروه متهم شده است.
آقای سمپل می‌گوید:«بریتانیا روابطی درازمدت با بسیاری از عواملی دارد که برای صلح افغانستان مهم هستند از جمله دولت‌های پاکستان، افغانستان و آمریکا. توافقی کلی روی این مسئله وجود دارد که روند صلح افغانستان در صورتی که حمایت قدرت‌های منطقه‌ای را داشته باشد، به احتمال بیشتری موفقیت‌آمیز خواهد بود. بریتانیا همه شرکای خود را به همکاری از اقدامات جدید در این زمینه تشویق کرده است.»

سالی سرنوشت‌ساز
به نظر نماینده دولت بریتانیا سال پیش‌رو برای افغانستان سالی سرنوشت‌ساز است؛ هم به دلیل فرصت‌های پیش‌آمده برای روند صلح و هم به خاطر انتخابات ریاست‌جمهوری آینده در این کشور. این انتخابات قرار است در جولای/ژوئیه سال جاری میلادی برگزار شود.
آقای بیلی می‌گوید آمادگی‌ها برای این‌ها چالش‌برانگیز است: «ما بر این باوریم که دولت جمهوری اسلامی افغانستان و نهادهای برگزارکننده انتخابات باید از انتخابات پارلمانی سال گذشته درس بگیرند و اصلاحاتی لازم در آن بیاورند تا انتخابات ماه جولای را بااعتبار بسازند. ما آماده همکاری در هر زمینه‌ای که بتوانیم، هستیم.»
اما آنچنان که آقای سمپل می‌گوید حتی اگر پیشرفتی در مذاکرات به دست بیاید، برای رسیدن به یک صلح پایدار در افغانستان به زمان بسیار زیادی نیاز است و نقش محتمل بریتانیا ادامه کمک‌های نظامی و غیرنظامی به دولت افغانستان خواهد بود.
در سال ۲۰۱۴ بریتانیا هزاران سرباز خود را از افغانستان خارج کرد و تنها ۴۵۰ سرباز بریتانیایی در این کشور باقی ماندند. تا آن زمان هزینه جنگ افغانستان به بریتانیا چهل میلیارد دلار تمام شده بود. همچنین در این جنگ ۴۵۶ سرباز بریتانیایی جان شان را از دست دادند.
اما در سال‌های بعد از آن سربازان بیشتری به افغانستان اعزام شدند و در حال حاضر حدود یک هزار سرباز بریتانیایی در افغانستان حضور دارند که بیشتر نقش آموزش و مشورت‌دهی به نیروهای افغان را دارند.

نگرانی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها
مایکل سمپل می‌گوید نخستین نگرانی به دست نیامدن هیچ توافقی در گفت‌وگوهای صلح است، یا هم توافقی جزئی که نتواند به پایان جنگ بینجامد.

به باور او اگر گفت‌وگوها دنباله‌دار شود و تا زمان حملات بهاری طالبان بدون آتش بس و ادامه پیدا کند و توافقی به دست نیاید، امیدواری‌ها در این زمینه را از بین ببرد ولی اگر مذاکرات دوحه این‌بار منجر به آتش‌بس شود، این می‌تواند راه را برای مهم‌ترین بخش مذاکرات، یعنی گفت‌وگوها میان افغان‌ها به خاطر آینده سیاسی شان، باز کند.
«نگرانی کلیدی پس از آن این می‌تواند باشد که این گفت‌وگوها منجر به توافقنامه‌ای شود که بر اساس آن یک نظام کارای سیاسی در کابل و در سطح کشور حفظ شود و اما به طالبان در آن سهم داده شود و به این ترتیب پایان دایمی جنگ رقم بخورد و نیروهای آمریکایی و ناتو هم با پشت سر گذاشتن یک کشور باثبات به خانه برگردند.»
با این حال رسیدن به چنین هدفی ممکن است زمان زیادی را دربر بگیرد و آنچنان که مایکل سمپل می‌گوید، در ادامه تلاش‌ها برای یک راه‌حل سیاسی، بریتانیا و شرکای آن نقشی کلیدی دارند تا برای برقراری در افغانستان تلاش کنند.
نماینده ویژه بریتانیا برای افغانستان و پاکستان می‌گوید در سطح اجتماعی، بریتانیا از سال ۲۰۰۱ به این طرف در زمینه تقویت نهادهای دموکراتیک، آزادی رسانه‌ها و رشد میزان آموزش برای دختران و پسران، در افغانستان فعال بوده است.
در زمینه امنیت هم به گفته آقای بیلی این کشور همچنان متعهد به حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی افغان در «مبارزه با تروریسم» باقی خواهد ماند.

جمال‌الدین موسوی

دیپلماسی پیانو، گفتگو با طالبان

فضای لابی بزرگ و دایره‌ای را صدای ملایم پیانو پر کرده بود. آناستازیا دختری اوکراینی با موهایی بلوند و بازوانی نیمه‌برهنه قطعه‌ای آرام را می‌نواخت. از همین لابی، راهرویی به یک سالن مجلل باز می‌شود. سالنی که میزبان ملا عبدالغنی برادر، معاون رهبر طالبان، زلمی خلیلزاد نماینده آمریکا و ژنرال اسکات میلر فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان بود. گفتگوهای طالبان با هیأت آمریکایی دوشنبه (۶ حوت/اسفند) بعد از صرف غذای ظهر در همین سالن در دوحه قطر شروع شد.
بعد از صرف غذا، مرد شماره دوی طالبان با هیأت همراهش یک طرف میزی بزرگ و طویل نشست. زلمی خلیلزاد، ژنرال سکات میلر و هیأت همراه آنها در طرف دیگر میز قرار گرفتند. دستورکار گفتگوها با میانجی‌گیری قطری‌ها که در میان دو هیأت نشسته بودند، اعلام شد. در ترکیب هیأت طالبان افرادی در رده ملا خیرالله خیرخواه بودند، وزیر داخله پیشین و یا امیرخان متقی، وزیر اطلاعات و فرهنگ حکومت طالبان و از سیاست‌گذاران اصلی امارت اسلامی این گروه، چهره‌های اصلی تدوین کننده قوانین داخلی دولت طالبان که موسیقی را ممنوع کردند، تلویزیون‌ها را شکستند و حضور زنان را در حوزه عمومی محدود کردند.
انعکاس صدای پیانو تا انتهای سالن‌ها می‌رفت و احتمالا فضای مذاکراتی جدی و پر جزئیات را تلطیف می‌کرد. قطعه‌ای که آناستازیا می‌نواخت نیایش آخر هفته نام داشت (Hymn of The Weekend)، از گروه موسیقی انگلیسی به‌نام کولد پلی (Coldplay). بیانسه فوق ستاره آمریکایی دنیای موسیقی در یکی از موزیک ویدیوهای خود از همین آهنگ استفاده کرد و دل‌های زیادی را به خود جذب کرد.

مذاکره به سبک شیوخ خلیج فارس
یک منبع محل گفتگوها را فاش کرد. مجموعه ویلاهای موسم به دهکده شرق (Sharq Village) در شرق دوحه که جزئی از مجموعه رفاهی هتل‌های زنجیره‌ای ریتز کارلتون (Ritz Carlton) است.
وقتی ما به محل گفتگوها رسیدیم، تدابیر امنیتی شدید بود. مدیران هتل از تایید اینکه گویا گفتگوهایی میان آمریکایی‌ها و طالبان در مجموعه آنها در حال انجام است، طفره می‌رفتند. ماموران اطلاعاتی قطر این طرف و آن طرف دیده می‌شدند. آنها مواظب بودند تا کسی به راهروی محل مذاکره نزدیک نشود.
لابی به یک سالن عمومی متصل می‌شد که گاهی افراد طالبان آنجا دیده می‌شدند. تقریبا در تمام لحظات نیروهای امنیتی قطری آنها را همراهی می‌کردند. مردانی بی‌سیم‌به‌دست با لباس‌های بلند عربی. انتهای همین سالن، به استخری بزرگ باز می‌شد که در کنار آن برای میهمان‌ها نیمکت‌هایی (صندلی‌های چوبی دراز) برای حمام آفتاب گذاشته شده بود.
در گوشه‌ای، شماری از اعضای طالبان، نشسته بودند و چای می‌خوردند. آنها هیأت طالبان را همراهی می‌کردند ولی جزء تیم مذاکره‌کننده نبودند. ملا عبدالسلام ضعیف، سفیر پیشین طالبان در اسلام آباد و از زندانیان پیشین گوانتانامو در میان آنها بود. او به گفتگوها بسیار خوشبین بود.
استخر بزرگ را بر روی میهمان‌ها بسته بودند. یکی از کارکنان هتل گفت که وقتی میهمان‌ها چهره‌هایی مذهبی هستند، استخر اصلی را می‌بندند تا زنان و مردانی که شنا می‌کنند، در دید نباشند. او گفت که کمی آن طرف‌تر، استخرهای دیگر باز است و میهمان‌ها، از زن و مرد می‌توانند به آنجا بروند و حمام آفتاب بگیرند. حدودا بیست تا سی متر آن طرف‌تر از جایی که افراد گروه طالبان نشسته بودند، مجموعه‌ای کامل از شیشه‌های مشروب چیده شده بود. میهمان‌ها می‌توانستند به آسانی پیاله‌ای ویسکی، شامپاین و یا ودکا سفارش بدهند.
فردای آن روز استخر را باز کرده بودند، چند زن و مرد مشغول شنا کردن بودند. تعدادی هم با لباس‌های شنا، کنار استخر زیر آفتاب جزیره دراز کشیده بودند.
منابع قطری می‌گفتند می‌خواهند به جای پرداختن به حاشیه‌ها، فضا را فقط برای گفتگو فراهم کنند به همین دلیل از رسانه‌ای شدن گفتگوها تا حد ممکن جلوگیری کردند. یک مقام آمریکایی به ما گفت که طالبان در دو نشست مسکو توجه رسانه‌ای زیادی را به خود جلب کردند.
آنها تقریبا دستور کار نشست را در اختیار گرفتند و با اعتماد به نفس زیاد مواضع خود را بر دیگران دیکته کردند. ولی اینبار هم سهیل شاهین سخنگوی دفتر طالبان در قطر فعال‌تر از هیأت آمریکایی یا منابع قطری بود. او با رسانه‌های مختلف گفتگو کرد و تا جایی که امکان داشت مواضع طالبان را در رسانه ها مطرح کرد.

قطر، میزبان موقت و دائم
سال‌هاست که شماری از اعضای هیأت طالبان در قطر در ویلاهایی با امکاناتی در حد هتل‌های پنج ستاره میهمان هستند. مقام‌های قطری می‌گویند که افراد طالبان به شکلی موقت اسکان داده شده اند و به محض اینکه فضای سیاسی افغانستان تغییر کند، به کشور خود بر می‌گردند. شمار متعددی از چهره‌های شناخته‌شده طالبان در قطر در حالی به آسودگی برای خروج آمریکا از افغانستان مذاکره می‌کنند که مقام‌های قطری در خاک خود در حال توسعه بزرگترین پایگاه آمریکا در خاورمیانه هستند.
از یک مدیر شرکت ساخت و ساز قطری پرسیدم که هیچ وقت به خروج نیروهای آمریکایی از کشورشان فکر کرده‌اند؟ او گفت کسی از قطری‌ها به خروج نیروهای آمریکایی فکر می‌کند که عقل خود را از دست داده باشد! او امیدوار است آمریکا برای ابد آنجا بماند چرا که از نظر او قطر توانسته با تضمین‌های امنیتی آمریکا خود را «در سطحی عالی» بسازد. او می گوید: «آمریکا نباشد همین همسایه‌های عرب حاشیه خلیج فارس چشم دیدن ما را ندارند، چه برسد به کشورهای بزرگ و پرجمعیت دیگر منطقه!»

درگذشت پیرمرد افغان که صدها کیلومتر برای صلح راه رفت

عبد الغنی پیر مرد ۷۰ ساله افغان که فاصله کابل– مزار شریف، مرکز ولایت بلخ در شمال حدود ۴۲۵ کیلومتر را برای برقراری صلح در افغانستان پیاده طی‌کرده بود، دیروز در زادگاهش، ولایت لوگر در جنوب کابل درگذشت.
فرزند عبدالغنی سرباز نیروهای امنیتی افغانستان بود و سال گذشته خورشیدی در ولایت خوست در جنوب شرق افغانستان در جنگ با طالبان کشته شد. چند ماه بعد از کشته شدن فرزندش، همسر عبدالغنی در غم مرگ فرزند جوانش درگذشت.
بهار امسال وقتی که کاروان صلح هلمند، بعد از طی ۷۰۰ کیلومتر به کابل رسید، عبدالغنی نیز از ولایت لوگر به این کاروان پیوست و از کابل تا شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ را با پای پیاده پیمود.
ابتکار کاروان صلح هلمند را اقبال خیبر، دانشجوی ۲۷ ساله رشته پزشکی به عهد دارد که همراه با هفت نفر دیگر از هلمند با پای پیاده به کابل آمدند و پیاده مسیرشان را تا ولایت بلخ ادامه دادند. در نخستین روزهای سال خورشیدی جاری، مسابقه کشتی در شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند به مناسب جشن نوروز برپا بود که یک انفجار انتحاری در محل برگزاری مسابقه رخ‌داد و جان ۱۳ نفر را گرفت. بعد از این حادثه جمعی از اهالی لشکرگاه خیمه تحصن برپا کردند و خواهان برقراری آتش‌بس در ولایت هلمند شدند.
معترضان اعلام کردند که با کاروانی از مردم به ولسوالی موسی‌قلعه، مرکز اقتدار طالبان خواهند رفت، ولی گروه طالبان هشدار داد که حاضر نیست امنیت این کاروان را تامین کند. این کاروان بعد از آن به کابل آمد و با محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان دیدار و بعد برای تشویق طرف‌های درگیر به صلح، پیاده به سمت شمال حرکت کرد. اقبال خیبر مسئول این کاروان به بی‌بی‌سی گفت که عبدالغنی، غم مرگ پسر جوانش را دیده بود و آرزو داشت که در افغانستان صلح بیاید تا دیگر افغان‌ها طعم تلخ جنگ نچشند و مرگ عزیزانش را نبینند. آقای خیبر می‌گوید که او آرزو داشت هموطنانش یک زندگی خوب و آرام داشته باشند و هر چند خود امید به زندگی نداشت ولی می‌خواست که دیگر افغان‌ها داغ مرگ فرزند را نبینند.

نایب قهرمانی با پای شکسته؛ عملکرد حیرت‌انگیز دختر آمریکایی

کلوئه کیم، اسنوبورد سوار ۱۸ ساله آمریکایی با وجود شکستن مچ پایش درهنگام مسابقه به کارش ادامه داد و توانست نایب قهرمان شود.
قهرمان المپیک زمستانی روز شنبه در مسابقات برتون شرکت کرد و نایب قهرمان شد. اما کلوئه کیم روز یکشنبه (۳ مارس) گفت که مچ پایش هنگام مسابقه شکسته است. به نظر می‌رسد این مصدومیت در دور نخست مسابقه ایجاد شده اما ورزشکار آمریکایی پس از آن در دو دور دیگر مسابقه هم شرکت کرد.
کلوئه کیم گفت: متاسفانه امروز متوجه شدم که قوزک پایم شکسته است و برای بهبود آن باید جراحی بکنم.
خانم کیم که قهرمان المپیک زمستانی ۲۰۱۸ در پیونگ‌چانگ کره جنوبی شد، در هر هشت دوری که قبل از شکسته شدن پایش مسابقه داده بود، به رتبه نخست رسید اما در پایان پس از هموطنش مدی ماسترو نایب قهرمان شد.
هنوز مشخص نیست او کی می‌تواند مسابقه دهد اما به طور قطع مسابقات هف پایپ جایزه بزرگ آمریکا در ۹ مارس را از دست خواهد داد.
کلوئه کیم جوان‌ترین زنی است که مدال طلای اسنوبورد المپیک را به دست آورده است. او در مسابقات پیونگ‌چانگ در ۱۷ سالگی قهرمان رشته هف پایپ شد. او همچنین اولین زنی است که موفق به قهرمانی در المپیک جوانان، المپیک و قهرمانی جهان شده است.
پدر و مادر خانم کیم اهل کره جنوبی هستند اما او در کالیفرنیا متولد شده است. او از چهار سالگی اسنوبوردسواری را شروع کرد و پدرش برای این که بتواند همراه او در کوهستان باشد و او را به مسابقات مختلف ببرد، کارش را ترک کرد. کیم سال ۲۰۱۳ وارد تیم ملی اسنوبورد آمریکا شد.

تیم ملی فوتبال ایران تا اطلاع ثانوی تعطیل است

بی برنامه و بدون سرمربی. تاریخ اردوی بعدی را کسی نمی‌داند. این وضعیت فعلی تیم ملی فوتبال مردان ایران است. ۲۷ اسفند تا ششم فروردین روزهای فیفاست و به تیم‌های ملی تعلق دارد. قرار بود ایران در تورنمنت چهار جانبه چین شرکت کند. اما بی‌برنامگی فدراسیون باعث شد تیم ملی ایران فرصت حضور در این رقابت‌ها را از دست بدهد.
اروگوئه با همه ستارگانش، چین، تایلند و ازبکستان به مصاف هم خواهند رفت. سایر تیم‌های آسیایی هم مسابقاتی را برای خود تدارک دیده‌اند.
پس از جام ملت‌های آسیا گفته می‌شد ایران با سرمربی موقت به استقبال روزهای فیفا خواهد رفت. روزهایی که با تعطیلات نوروزی همزمان است. اما هنوز تصمیمی گرفته نشده.
این در حالی است که مسئول روابط عمومی وزارت ورزش از صف بستن زیدان، مورینیو و کلینزمن برای سرمربیگری تیم ملی ایران خبر داده بود. موضوعی که در ابعادی وسیع، واکنش طنز رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی را در پی داشت.
خبر پیشنهاد سه و نیم ساله ایران به وینچنزو مونتلا را رسانه‌های ایتالیایی منتشر کردند و همین رسانه‌ها نیز از عدم تمایل مونتلا خبر دادند. اما مهدی تاج خبر مذاکره با مونتلا را تایید نکرد.
بعضی رسانه‌های ورزشی بر این باورند که فدراسیون از سرمربی موقت داخلی استفاده خواهد کرد تا با فرصت بیشتری بتواند برای استخدام سرمربی بزرگ خارجی تلاش کند.
برخی نیز معتقدند به زودی سرمربی خارجی معرفی خواهد شد تا برای جام جهانی ۲۰۲۲ برنامه‌ریزی کند و با فرصت کافی به استقبال مسابقات مقدماتی برود.
تاج گزینه‌هایش را معرفی نکرده. خبر تشکیل اردوی تیم ملی برای روزهای فیفا را هم تایید نمی‌کند اما می‌گوید سرمربی جدید به زودی معرفی خواهد شد. علیرضا حقیقی سنگربان پیشین تیم ملی در مجموعه ورزشی انقلاب و در زمینی که در اجاره باشگاه استقلال است، بینی علی خطیر معاون باشگاه استقلال را شکست.
حقیقی می‌گوید: خطیر گفت شما پرسپولیسی‌ها فلان و بهمان. به من گفت لنگی و به مادرم فحاشی کرد. بابت نشر اکاذیب ایشان در خصوص زد و خورد و زندان رفتنم، شکایتم را به دادسرا اعلام کرده‌ام.
خطیر که بینی شکسته‌اش را جراحی کرده، می‌گوید: دو کامیون تجهیزات برده بودم. مربی حقیقی می‌گفت چرا اینجا تردد می‌کنی. خود حقیقی هم با سرعت سمت من دوید. به خانواده‌ام توهین کرد و با سر به صورتم ضربه زد. غیر ممکن است رضایت بدهم.
این حادثه خونین، تنها درگیری جنجالی در طول هفته نبود و گادوین منشا مهاجم باشگاه استقلال نیز با هوک‌های سنگین راست و چپ، یکی از هواداران که موهایش را کشیده بود، نقش زمین کرد. مامور پلیس در صحنه حضور نداشت و مشخص نبود چگونه هـواداران می‌توانند به راحتی بین بازیکنان تردد کنند. در یک ماجرای جنجالی دیگر فرهاد مجیدی مربی استقلال، فیلمی از مواجهه‌اش با مامورین راهنمایی و رانندگی را در اینستاگرام منتشر کرد.
مجیدی نوشت: متاسفانه بعضی افراد بجای انجام وظیفه، مردم آزاری می‌کنند. بعد از خروج از فرودگاه مهرآباد به سمت منزلم در حرکت بودم که با ایست ناجا توقف کردم. مامور مربوطه در کمال بی ادبی و توهین از من خواست تست الکل بدهم.
مهاجم سابق استقلال و تیم ملی در یادداشت خود از فرمانده نیروی انتظامی تقاضا کرد: با افرادی که وجهه و زحمات ناجا رو با رفتار بی ادبانه خودشون خراب کردن برخورد کنند.
اما معاون اجتماعی پلیس راهنمایی و رانندگی می‌گوید قانون برای همه افراد یکسان اجرا می‌شود. آن مامور هم وظیفه‌اش را انجام داده و تخلفی مرتکب نشده.
سرهنگ جهانی گفت ساعت دو بامداد، پلیس راهور در بزرگراه مدرس که سرعت مجاز ۸۰ کیلومتر است، به دلیل سرعت ۱۳۰ کیلومتر دستور توقف داد. فرهاد مجیدی ادعا کرد که هیچیک از مدارک شناسایی اعم از بیمه‌نامه، گواهینامه و کارت ماشین همراهش نیست.
به گفته این مقام انتظامی، پلیس از راننده خواست در دستگاه تست سلامت فوت کند اما مجیدی خودداری کرده و شروع به فیلم گرفتن از پلیس کرد. در نهایت، خودرو توقیف و به پارکینگ منتقل شد.
مجموع این اتفاقات، تقابل هواداران سرخابی را در شبکه‌های اجتماعی در پی داشت و آنها تاریخچه‌ای از تخلفات بازیکنان تیم رقیب را یادآوری می‌کردند.
به نظر می‌رسد زد و خوردهایی که چهره‌های پرسپولیسی و استقلالی در آن نقشی ندارند به چشم نمی‌آید. مثل بازی مس سونگون و گیتی‌پسند در لیگ برتر فوتسال.

سپیدرود می‌خشکد؟

«سپیدرود بخشکد ماهی‌ها می‌میرند.» پارچه نوشته‌ای که در همه بازی‌های خانگی و مملو از تماشاگر سپیدرود دیده می‌شود.
حالا این تیم پنجاه ساله با خطر «خشکیدگی» مواجه است و استعفای علی کریمی از مالکیت و سرمربیگری، سپیدرود را با بحرانی جدید مواجه کرده. تیمی چسبیده به انتهای جدول که با ادامه این روند، فقط معجزه می‌تواند مانع از سقوطش شود.
با رفتن کریمی، پیام صادقیان و حامد محمودی هم با فسخ قـرارداد از سپیدرود جدا شدند. صادقیان در اینستاگرام نوشت: «این فوتبال بی در و پیکر واسه من هیچ ارزشی نداره.»
محمدرضا مهدوی کاپیتان سپیدرود رشت می‌گوید: «الماسخاله، رییس هیات فوتبال استان گیلان تصمیم گرفت سهیل حق‌شناس دستیار کریمی، تیم را اداره کند. همه دوست دارند کریمی برگردد. فوتبال رشت با رفتن علی کریمی ضرر می‌کند.»
سپیدرود حتی راحت‌ترین بازی‌اش که مقابل تیم آخر جدول برگزار شد را در خانه واگذار کرد. آنها در حالی که گل اول را زدند، در نهایت دو بر یک به استقلال خوزستان باختند. وقتی سپیدرود گل زد، پیراهن سفیدی که رویش «جادوگر برگرد» نقش بسته بود از سوی بازیکنان نمایش داده شد. حسین ابراهیمی بازیکن شماره ۸ سپیدرود هم برای ادای احترام به کریمی، پیراهنش از تن درآورد و یک کارت زرد را به جان خرید.

«عابر بانک» در لباس زندان

سایت قوه قضاییه، تصاویر حسین هدایتی را در لباس زندان منتشر کرد. مردی که روی صندلی‌های نفیس و دسته طلایی با برنامه‌های فوتبالی تلویزیون مصاحبه می‌کرد، در دادگاه با دمپایی، زیرشلواری و پیراهنی با خطوط افقی ظاهر شد.
میزان نوشت: چطور پول کارگران فولاد نورد را به جیب فوتبالیست‌ها سرازیر کرده؟ چگونه ۶۰۰ میلیارد را به قول خودش برای خدمت به فوتبال خرج کرد بدون اینکه آورده‌ای داشته باشد؟ او پیش از این هم بارها دستگیر و زندانی شده بود. نماینده دادستان خطاب به هدایتی گفت: کارخانه لوله اهواز را به مرز نابودی کشانده‌اید. دستور دادید پول این کارخانه برای جشن قهرمانی یک تیم هزینه شود در حالی که کارگران کارخانه چهار ماه حقوق نگرفته بودند.
او در دادگاه گفت: چه افراد ورزشی و چه غیر ورزشی بدانند هر چه که پول از هدایتی گرفته‌اند پول مردم بوده و باید بیایند پس بدهند تا دادسرا به آن ورود نکند. این هشدار دادستانی تا چه اندازه جدی است؟ با توجه به اینکه هدایتی طبق گفته خودش در مقاطعی حتی حقوق کارلوس کی‌روش را می‌پرداخته و مبالغ هنگفتی هم در فدراسیون فوتبال هزینه کرده است.
آقای هدایتی در دادگاه با رد کردن اتهامات گفت: اگر مستندی از رانتخواری من پیدا کردید یک مرسدس اس ۵۰۰ جایزه می‌گیرید... دادگاه من تمام شد ولی برای آقایان تازه شروع خواهد شد.

علی دایی حاضر نشد در هواپیما کنار احمدی‌نژاد بنشیند

علی دایـی، کاپیتان پیشین تیم ملی ایران می‌گوید از محمود احمدی‌نژاد کینه ندارد اما چون افکارش با رئیس‌جمهوری پیشین ایران فرسنگ‌ها فاصله دارد، حاضر نشده کنار او در هواپیما بنشیند.
علی دایی سرمربی فعلی سایپا، پس از بازی تیمش با پارس جنوبی جم، در حال بازگشت به تهران بود که در هواپیما با آقای احمدی‌نژاد همسفر شد. آقای دایی از مهمانداران هواپیما خواست جایش را تغییر دهند تا کنار محمود احمدی‌نژاد ننشیند.
او به خبرگزاری ایسنا گفت: متأسفانه افکار ایشان (محمود احمدی‌نژاد) با افکار من فرسنگ‌ها فاصله دارد. عقایدی که ایشان دارند من قبول ندارم و اصلاً از نظر فکری به هم نزدیک نیستیم پس باید کنار هم می‌نشستیم که درباره چه موضوعی صحبت کنیم؟ همیشه سعی کرده‌ام شعار ندهم و اهل عمل باشم و به همین خاطر از کسانی که فقط شعار می‌دهند و فقط می‌خواهند باشد خوشم نمی‌آید.
در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ در حالی که گفته می‌شد امیر قلعه‌نویی، محمد مایلی‌کهن، مجید جلالی و افشین قطبی نامزدهای سرمربی‌گری تیم ملی فوتبال ایران هستند، محمد علی‌آبادی رئیس وقت سازمان تربیت بدنی و معاون محمود احمدی‌نژاد، علی دایی را به عنوان سرمربی تیم ملی در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۸۶ منصوب کرد.
او که کمی قبل از انتخاب شدن گفته بود: هر کس لابی قوی‌تری داشته باشد به عنوان سرمربی تیم ملی منصوب می‌شود، پس از نشستن روی نیمکت تیم ملی گفت، با خدا لابی کرده است.
علی دایی ۸ فروردین ۱۳۸۸ به دنبال شکست خانگی ۱-۲ مقابل عربستان برکنار شد. او محمود احمدی‌نژاد را مقصر اخراجش می‌دانست.
علی دایی به ایسنا گفت: نوشته بودند من به خاطر کینه‌ای که از آقای احمدی‌نژاد داشتم نخواستم با او رو در رو شوم اما می‌خواهم بگویم از هیچکس کینه ندارم. شاید از برخی رفتارها و برخی افراد خوشم نیاید اما از آن‌ها کینه به دل نمی‌گیرم. همیشه گفته‌ام در زمانی که سرمربی تیم ملی بودم صلاحم این بوده که چنین فردی (محمود احمدی‌نژاد) من را از تیم ملی کنار بگذارد و همیشه هم گفته‌ام مردم همه چیز را بهتر متوجه می‌شوند.
علی دایی به عنوان مربی سایپا را قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران کرد و به همراه پرسپولیس (دو بار) و نفت تهران قهرمان جام حذفی فوتبال ایران شده است.

PERSIAN BUSINESS DIRECTORY OF AUSTRALIA
راهنمای مشاغل فارسی زبانان استرالیا
اپلیکیشن injob را هم اکنون به رایگان دانلود کنید
injob اینجاب
Download on the App Store
ANDROID APP ON Google play

AUTOMOTIVE
Tyre Land NSW
MECHANICAL REPAIRS
For Service, Quality Tyres and Customised Alloy Wheels
25 Elizabeth Street
WETHERILL PARK
Telephone: 02 9756 1300
Complete Mobile Automotive Maintenanace
Peyman Khazaee
Sydney Auto Tech
All Mechanical Repairs
0423 426 615

BUTCHERY
قصابی ولیعصر NSW
در مریلندز
انواع گوشت تازه
گوساله - بره - بز - مرغ
با کیفیت بالا و قیمت مناسب
PH: 9897 7497
Shop 11, No 205, Merrylands Rd. Merrylands

CAR RENTAL
PERTH WA
کرایه ماشینهای لوکس دربرت
Elite Charter Services
0404777467

CLEANING SERVICES
FAHIM CLEANING VIC
شرکت خدمات نظافت فهیم
در ملبورن
Fahima Entezar
0432 222 490
158 Bloomfield Rd,Keysborough
fahimaentezar@gmail.com

DRIVING SCHOOL
ARIAN DRIVING SCHOOL NSW
آموزش رانندگی
آرین
L P
توسط معلم مجرب و باتجربه در محله راید و اطراف آن
0413 395 444
Ryde
Noor Driving School
آموزشگاه رانندگی نور
LPP STOP GIVE WAY LEFT LANE ENDS STOP ON RED SIGNAL
با معلم مجرب و با تجربه در سیدنی
و همچنین معلم خانم برای آموزش بانوان
PH: 0402 251 014

ELECTRICAL CONTRACTORS
Proactive Electrical Group NSW
Lic No: 297775C
کلیه خدمات برقی از قبیل
سیم کشی ساختمان
نصب و تغییر انواع پریز
کلید برق، لامپهای LED
نصب آنتن تلویزیون
نصب دوربین های مدار بسته
لطفا با ما تماس بگیرید
ارائه بهترین قیمت برای همیارتان گرامی
Mob: 0401 920 426
Mob: 0435 230 426

FINANCE BROKERS & LOANS
بهترین وام
کمترین بهره
FINANCE ONLY
Nooshin Nikoiee
0406 898 333
nooshin.nikoiee@financeonly.com.au
Level 6, 10 Help St. Chatswood

FOOD IMPORTERS
AUST ARIA PTY LTD NSW
FOOD IMPORTS
Bestaste Premium Quality
تلفن مرکز پخش
PH: (02) 9645 6003

FUNERAL DIRECTORS
GUARDIAN FUNERALS NSW
EVERY GOODBYE IS DIFFERENT
North Ryde
9887 2244
guardianfunerals.com.au
Funerals are too important to leave to anyone...
WN BULL FUNERALS NSW
Leaders in Personal Service
(02) 9519 5344 wnbull@wnbull.com
www.wnbull.com.au

HAIR & BEAUTY SALONS
MILANO NSW
Hair & Beauty Salon
سالن آرایش و زیبایی میلانو
در چتسوود
Shop A, Level 1, 453 Victoria Ave Chatswood
PH: 02 9411 7722
HAIRTALKS NSW
ROUSE HILL
Rouse Hill Town Centre
130/10-14 Market Ln, Rouse Hill NSW 2155
PH: 02 8882 9590

INSURANCE
بیزنس شما سپر بلا میخواهد NSW
INSURANCE NSW
جهت برقراری ارتباط و دریافت مشاوره رایگان
با شماره 0401 884 488
میثم سلیم آبادی تماس حاصل فرمایید.
www.insw.com.au | info@insw.com.au

VISA SERVICES&IMMIGRATION
AJ Migration Consultants NSW
دفتر امور مهاجرت اعظم جعفری
Suite 602,7 Railway St, Chatswood, NSW, 2067
Phone: (02) 8034 6901
Mobile: 0414 187 045
Email: ajafari@ajmigration.com
www.ajmigration.com

LAWYERS & SOLICITORS
DAVID LEGAL NSW
دفتر وکالت دیوید لیگال
DAVID LEGAL
PH: 02 9728 5678
FAX: 02 9754 2988
Address: Suite 3/43 Harris Street, Fairfield
CraddockMurrayNeumann NSW
دفتر وکالت کرداک موری نیومن
با وکلای برجسته ایرانی در خدمت شما
Craddock Murray Neumann Lawyers
PH: +61 2 8268 4000
Level 3, 131 York St. Sydney
Pars Lawyers NSW
دفتر وکالت پارس
با مدیریت زهرا فراهانی
وکیل رسمی و عضو کانون وکلای ایالت نیوسات ولز
Tel: (02) 8065 0026
Mobile: 0405 175 450
Suite 2, Level 1,35-39 Auburn Rd, Auburn
www.parslawyers.com.au
گروه مهاجرت پارس NSW
با مدیریت دکتر سعید عابدی
وکیل رسمی اداره مهاجرت استرالیا
گروه متخصصین ما با سالها تجربه در کنار شما خواهد بود
ویزاهای پناهندگی و بریجینگ
ازدواج، نامزدی و فرزند
توریستی و تحصیلی
درخواست تجدید نظر
ترفند مدارک شما توسط متخصص رسمی استرالیا
Ph: 0403 911 166 | 02 8608 7766
30 Cowper St. Parramatta 2150

MONEY EXCHANGE
KAYHAN INTERNATIONAL MONEY EXCHANGE Pty.Ltd VIC
صرافی کیهان
ملبورن
Tel: 03 9787 8 942
Mob: 0410 303 415
ارز پویا NSW
ارسال ارز
به ایران و برعکس با مدیریت نوری
Tel: 02 9801 5588
Mob: 04 11 33 44 01
صرافی جوادی VIC
با مجوز رسمی از بانک جمهوری اسلامی ایران
صرافی جوادی با بیش از پانزده سال سابقه صرافی و دارای سه صرافی در ملبورن، تهران و نوشهر می باشد.
We Transfer Your Money
Safer, Smarter And More Secure
1300 777 177 0427 777 177 info@javadi.com.au
Level 21, 567 Collins St, VIC www.JAVADI.com.au

Injob Persian Business Directory Of Australia
ADVERTISE WITH US & MAKE YOUR BUSINESS STAND OUT FROM THE CROWD
0418 660 399

صرافی نیک NSW
خرید و فروش ارز
به بهترین قیمت روز
و در اسرع وقت
به مدیریت محسن نیکی بین
دارای مجوز رسمی از Austrac
0422 10 20 77
www.sarafinik.com.au | mohsen@sarafinik.com.au
Shop 7/20 McFarlane St. Merrylands
MoneyPars SA
صرافی مانی پارس
شعبه ادلید
مطمئن ترین راه برای انتقال ارز از استرالیا به ایران و بالعکس
ADELAIDE
Address: 297C Prospect Road, Blair Athol SA 5084
Phone: 1300 104070 | 08 8344 3877
Email: info@islandtravels.com.au
www.moneypars.com
MoneyPars NSW
صرافی مانی پارس
شعبه سیدنی
مطمئن ترین راه برای انتقال ارز از استرالیا به ایران و بالعکس
SYDNEY
Address: 4/172 Merrylands Rd, Merrylands, NSW 2160
Phone: 1300 104070 | 02 9760 0706
Email: info@islandtravels.com.au
www.moneypars.com

PATISSERIE
بستنی شیراز NSW
Shiraz Ice Cream
195 Merrylands Road
Merrylands 2160
Ph: 0469 297 700

RESTAURANT & CATERING
پیتزا آتیش در مریلندز NSW
انواع پیتزا و ساندویچ - قلیان، چای و شیرینی
انوع آبمیوه - بستنی و فالوده
10 Mcfarlane St.
Merrylands
Tel: 02 8810 5682
رستوران مارال در کستل هیل NSW
Maral
با ظرفیت بیش از ۱۰۰ نفر
عرضه کننده انواع غذاهای ایرانی
در خدمت شما
Ph: 0470 440 322
256A Old Northern Rd, Castle Hill
ورود به پارکینگ اختصاصی از خیابان Barwell Ave
CHOOPAN BAKERY & KEBAB NSW
نانوایی چوپان
در بلک تاون هفت روز هفته
نان داغ همراه با انواع کباب و چلوکباب
Ph: 0402 662
No.2/60 Main St, Blacktown
8:30am to 9:00pm
رستوران فارسی در تاپ راید NSW
Add: 20a Church St. Ryde
Ph: 02 8095 0039
02 8964 6337

SUPERMARKETS GROCERY
ARIA FOOD STORE NSW
فروشگاه آریا
34 Ross Street
North Parramatta
PH: 02 9683 7330
BEST WAY SUPERMARKET VIC
200-208 Lonsdale St Dandenong VIC
Ph: 03 8759 0006
Open 7days
7am-11pm
0401 004 463
0401 660 810
فروشگاه زمزم در اوبورن NSW
ZAMZAM Market
36 Station Street Auburn
8021 9292
PEDDY SUPERMARKET NSW
پدی سوپرمارکت
در بلک تاون
111 Main Street
Blacktown NSW
PH: 02 8678 3413
www.persianherald.com.au
Read The Persian Herald online
با مراجعه به سایت خبری هفته نامه پارسیان روزانه
در جریان آخرین رویدادهای خبری قرار بگیرند
هر جمعه میتوانید نسخه جدید هفته نامه
پیک پارسیان را نیز در این سایت
www.persianherald.com.au
در قسمت Persian Herald Weekly بیایید

TRAVEL AGENTS
آژانس مسافرتی آیلند تراول (ادلید) SA
Island Travel
ایلند تراول متخصص فراهم کردن خدمات مسافرتی متنوع با کمترین هزینه
ADELAIDE
Address: 297C Prospect Road, Blair Athol SA 5084
Phone: 1300 104070 | 08 8344 3877
Email: info@islandtravels.com.au
www.islandtravels.com.au
آژانس مسافرتی آیلند تراول (سیدنی) NSW
Island Travel
ایلند تراول متخصص فراهم کردن خدمات مسافرتی متنوع با کمترین هزینه
SYDNEY
Address: 4/172 Merrylands Rd, Merrylands, NSW 2160
Phone: 1300 104070 | 02 9760 0706
Email: info@islandtravels.com.au
www.islandtravels.com.au
International Centre For Travel & Tourism NSW
آژانس مسافرتی اینترنشنال تور اند تراول
201 Northumberland Street Liverpool NSW
PH: +61 (02) 9822 5792
Email: info@ictt.com.au
www.ictt.com.au

THE PERSIAN HERALD National Weekly Persian Newspaper
Vol 31, Issue 1102 Thursday March 7th, 2019
پیک پارسیان

Injob Persian Business Directory In Australia & NZ | Facebook

PERSIAN BUSINESS DIRECTORY
AUSTRALIA & NEW ZEALAND

injob اینجاب

راهنمای مشاغل ایرانیان
و فارسی زبانان استرالیا و نیوزیلند

LIKE & SHARE

02 8883 5551
0418 660 399

injobau@gmail.com
parsianaustralia@yahoo.com
www.injob.com.au

DOWNLOAD injob
FREE
MOBILE APP

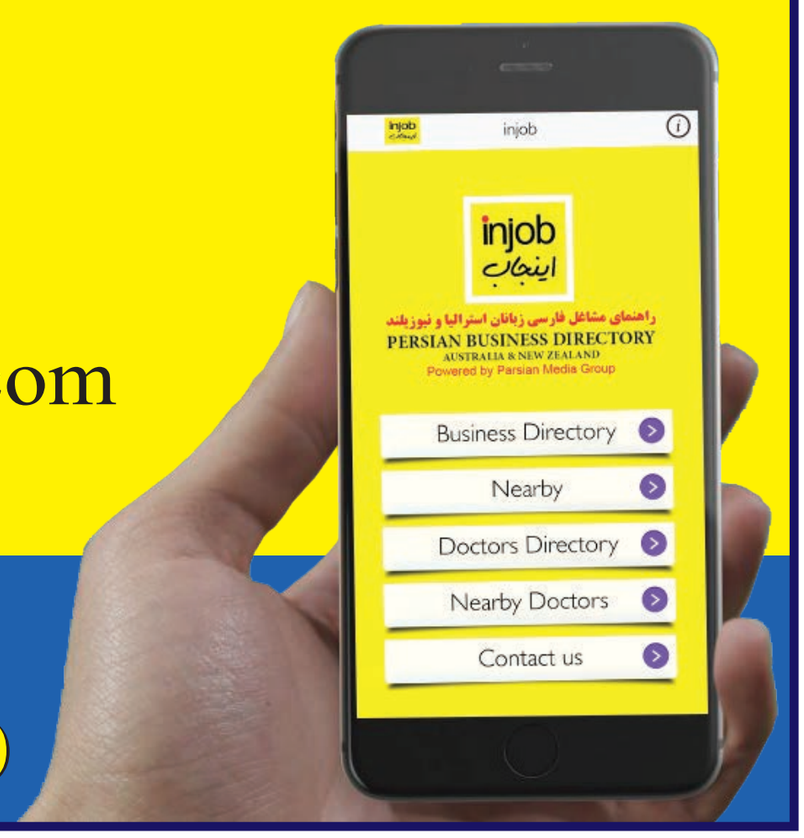

Call / Email/ Navigate/ Nearby Services
Tap & Go

Download on the App Store
ANDROID APP ON Google play

AUST ARIA PTY LTD
FOOD IMPORTS
سبزی فورمه سرخ شده بست تست
با کیفیت مرغوب در دو اندازه متفاوت

Bestaste
Premium Quality

Ph: 02 9645 6003
Fax: 02 9700 9679
aust-ari@bigpond.net.au

DESIGNED BY PARSIAN

رب گوجه فرنگی تکدانه
فقط مرغوب ترین در ایران نیست
بلکه مرغوبترین در خاورمیانه ، اروپا و استرالیاست

در کلیه فروشگاههای ایرانی
در سراسر استرالیا

DESIGNED BY PARSIAN